

۲۷

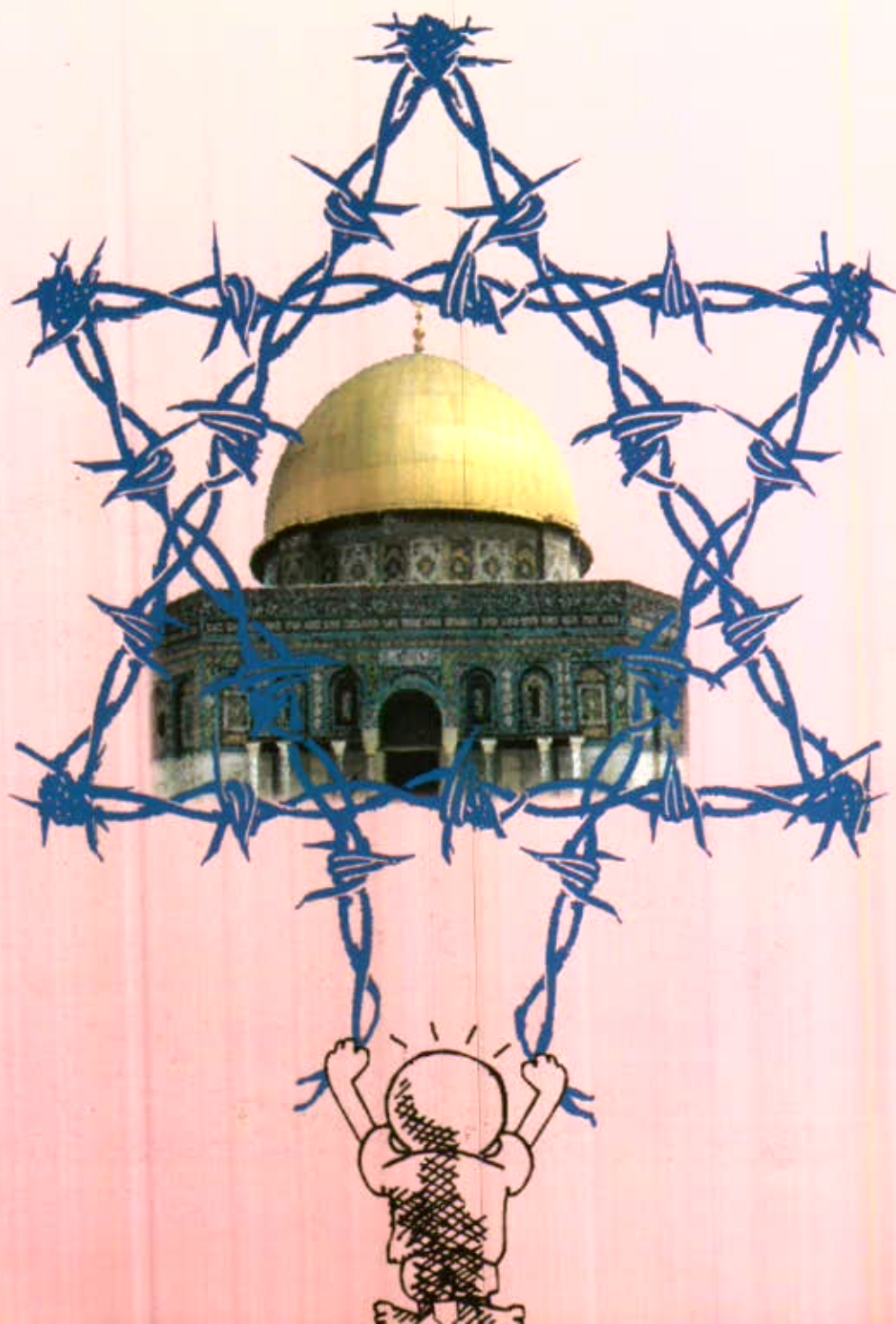
# روش گفتمان امور فرهنگی

رشاد

همراه با ویژه نامه فلسطین

ISSN 1606-9226

سال هشتم - زمستان ۱۳۷۹ - شماره ۱۵۰۰ رتال





نام هنرمند: مهدی علی زاده  
متولد: ۱۳۳۳، بابل  
نام اثر: نگاه مهربان  
سال: ۱۳۷۷ هجری شمسی  
تکنیک: رنگ و روغن روی بوم  
اندازه: ۵۴ × ۷۲





- ◆ سرمقاله
- ◆ فارسی
- ◆ شیوه صحیح تدریس املا در دوره راهنمایی (۴)
- ◆ دریا (۷)
- ◆ درباره رسم الخط کتاب‌های درسی (۸)
- ◆ دینی
- ◆ شگفتی‌های نهج البلاغه (۱۰)
- ◆ ویژه نامه فلسطین
- ◆ لاجلک یا مدینه الصلوة اصلی (۲۲)
- ◆ روز قدس (۲۳)
- ◆ فلسطین از اعلامیه بالفور تا امروز (۲۴)
- ◆ ناجی العلی و حنظله (۳۶)
- ◆ تاریخ یک ارتداد (۳۸)
- ◆ چرا انتفاضه مسجد الاقصی (دوم) آغاز شد (۴۰)
- ◆ جغرافی
- ◆ نامه‌ای از یک دانش‌آموز (۲۰)
- ◆ علوم اجتماعی
- ◆ جامعه‌پذیری، نظم و نظارت اجتماعی (۴۶)
- ◆ هنر
- ◆ از نگاه هنرمند (۱۳)
- ◆ زبان عربی
- ◆ السارق (۹)
- ◆ الراعی الکذاب (۷۳)
- ◆ زبان انگلیسی
- ◆ Galileo (۱۵)
- ◆ ریاضی
- ◆ دستگاه‌های عدد نویسی (۵۷)
- ◆ علوم تجربی
- ◆ تأثیر آب بر فشار تورمی (تورژسانس) در گیاهان (۱۶)
- ◆ هدف‌نویس آموزش علوم (۶۰)
- ◆ حرفه و فن
- ◆ آموزش حرفه و فن و چشم‌اندازی به آینده (۵۲)
- ◆ آموزش دفاعی
- ◆ LLAMA (۴۴)
- ◆ عمومی
- ◆ تعلیم و تربیت و مدیر مدرسه (۳)
- ◆ شابک (۴۵)
- ◆ معرفی کتاب (۵۰)

- مدیر مسئول: علیرضا حاجیان زاده
- سردبیر: جعفر ربانی
- مدیر داخلی: منصور ملک‌عباسی
- طراح گرافیک: پریسا سندسی
- چاپ: شرکت افست (سپاهی عام)
- تیراژ: ۱۳۵۰۰ نسخه
- نشانی دفتر مجله: تهران،
- صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۷۵۸۵
- تلفن امور مشترکین: ۸۸۳۹۱۸۶



دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، این مجلات را مستمر می‌کند؛  
 رشد کودک ایوبه پیش‌دبستان و دانش‌آموزان کلاس اول  
 دبستان، رشد توآموز (برای دانش‌آموزان دوم و سوم دبستان)  
 رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان چهارم و پنجم دبستان)  
 رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی) رشد جوان  
 (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) مجلات رشد معلم، رشد  
 تکنولوژی آموزشی، و آموزش ابتدایی، آموزش فیزیک-  
 آموزش شیمی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زبان  
 آموزش ریاضی، آموزش زیست‌شناسی، آموزش جغرافیا  
 آموزش معارف اسلامی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت  
 بدنی (برای دبیران، آموزگاران، دانشجویان تربیت معلم، مدیران  
 مدارس و کارکنان آموزش و پرورش)



وزارت آموزش و پرورش  
 سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
 دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

# هُمّای رحمت

ای عاشقان ای عاشقان من جان جانان یافتم  
ای صادقان ای صادقان من نور ایمان یافتم  
ای منکران ای منکران حقا که من از جان و دل  
تا چاکر حیدر شدم ملک سلیمان یافتم  
خاکی بدم جانی شدم سنگی بدم گانی شدم  
این رفعت و این منزلت از آل عمران یافتم  
ای عاقلان ای عاقلان تا مرتضیٰ بشناختم  
هم درد و هم درمان و هم فخر سلیمان یافتم  
ای مومنان ای مومنان از روضه شمس هدی  
بی آتش و بی مشعله فنیدیل رخشان یافتم  
نور نبی مصطفیٰ دارد علی مرتضیٰ  
در دولت آل عباس انعام و احسان یافتم  
با شمس تبریزی بگو با عشق انگیزی بگو  
دل یافتم دل یافتم جان یافتم جان یافتم

دیوان شمس تبریزی

فرا رسیدن نوروز و همزمان با آن عید سعید غدیر را به خوانندگان گرامی محله، بویژه مدیران، دبیران و مربیان از چند مدارس راهنمایی در سراسر کشور تهنیت می‌گوییم و برای همه شما از خداوند بزرگ سلامتی و شادکامی آرزو می‌کنیم. هم بدین مناسبت شعر بالا را از دیوان شمس تبریزی تقدیم شما کردیم.

سر دبیر



دوره هفتم  
شماره ۲



# تعلیم و تربیت و مدیر مدرسه\*

معصومه سهراب

بختی مافی

نخستین و شاید مهم ترین نکته ای که آموختیم این بود که مدیر مدرسه باید، هر چه پیش تر و بهتر، دانش آموزان، معلمان، کارمندان و کارکنان مدرسه، خانواده دانش آموزان و سرانجام جامعه خود را بشناسد. درست است که ظاهراً مدیر مدرسه تنها با دانش آموزان سروکار دارد، اما پشت سر هر دانش آموز مدرسه خانواده ای با ویژگی های خاص خود ایستاده است؛ در واقع، مدیر مدرسه در هر سال تحصیلی، نه با چند صدتن که با هزاران تن سروکار دارد.

اما در برابر این نکته، بلافاصله با این مسأله مواجه شدیم که مدیر مدرسه، مسؤول اجرای تصمیم ها و مقررات اداری و وزارت متبوع خویش نیز هست؛ یعنی تصمیم ها و مقرراتی که اغلب در اتاق های در بسته، دور از محیط آموزشی و بدون توجه به مسائل و امکانات موجود تنظیم می شد و اغلب با موقعیت ها و خصوصیات محیط های آموزشی در تضاد بود. در این شرایط، مدیر مدرسه خود را موظف می دید که با منطق قوی و شهامت، به فکر چاره بیفتد و ضمن رعایت بخشنامه ها و آیین نامه های اداری، از کودکانی که ممکن بود قربانی این تصمیم ها بشوند، دفاع کند و نگذارد در گرداب تصمیم های عجولانه غرق شوند. این دومین نکته مهمی بود که در آغاز کار مدیریت مدرسه آموختیم.

ما اعتقاد پیدا کردیم که مدیر مدرسه باید، علاوه بر استعداد های ذاتی، استعداد های خاصی را در خود پرورش دهد و گذشته از دانش ها و مهارت های اولیه، دانش ها و مهارت های خاصی را نیز کسب کند. این استعدادها، دانش ها و مهارت ها را تنها با گفتن یک باید نمی توان در خود پدید آورد، اما اگر کسی به کار مدیریت مدرسه دل ببندد و در بهبود کار خود تلاش کند، بی شک بدین صفات دست خواهد یافت.

مدیر مدرسه باید در زمینه برنامه ریزی آموزشی وارد باشد و بتواند میان مجموعه رفتارها و فعالیت های دانش آموزان و معلمان هماهنگی ایجاد کند. باید اصول تعلیم و تربیت را بداند و پدیده ها و روش های تازه تعلیم و تربیت را در گوشه و کنار جهان جست و جو کند تا روش هایی را که در تجربه نتیجه منفی داشته اند، کنار بگذارد و روش هایی را که نتیجه مثبت داشته اند، به کار بندد.

مدیر مدرسه در واقع با دو نسل سروکار دارد. نسل کودک و نوجوان، یعنی دانش آموزان؛ و نسل بزرگسال، یعنی نسل خودش و اولیای دانش آموزان. برای ایجاد هماهنگی میان این دو نسل، او باید قدرت شناخت اجتماعی داشته باشد و بتواند با یک مصاحبه کوتاه، چند و چون رفتار و خصوصیات افراد گوناگون را، کم و بیش ارزیابی کند.

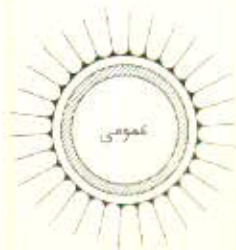
مدیر مدرسه در محیطی زندگی می کند که دائماً در حال رشد و پویایی است و نمی تواند مانع رشد و پویایی نسل کودک و نوجوان شود. او نمی تواند در حیطه افکار و سلیقه های نسل خود درجا بزند و مدعی پرورش نسل نو باشد. باید تحولات ذهنی و عاطفی محیط مدرسه و محیط بیرون از مدرسه را مدنظر داشته باشد.

مدیر مدرسه نه تنها مسؤول برنامه های داخل مدرسه، بلکه تا حدود زیادی، مسؤول برنامه های خارج از مدرسه کودکان و نوجوانان نیز هست.

مدیر مدرسه باید شمس اقتصادی نیز داشته باشد تا بتواند، با کمترین درآمد و امکانات مالی، بالاترین نتیجه آموزشی را به دست آورد.

به این صفات و خصوصیات مدیر مدرسه، بیفزاییم: آرامش رفتار، اتکای به نفس، بردباری و منطق همراه با احساس انسانی، قدرت تصمیم گیری بجا، انصاف و آینده نگری، دوستی و همدردی و گذشت را؛ و ببینیم که چه دشوار است، یافتن افرادی مناسب این مقام، و چه سنگین است مسؤولیت آن!

\* این نوشته برگرفته از کتاب «تجربه های مدرسه داری» است.



آموزش و تربیت

# شیوه<sup>۶</sup> صحیح

حمید علامه\*

## تدریس املا در دوره راهنمایی<sup>۵</sup>

شناختی را موجب می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌کنیم که تدریس آن محترم، متن املا را که شامل موارد آموزشی لازم و از پیش تعیین شده است، قبل از ورود به کلاس تهیه نمایید و همراه خود به کلاس ببرید. در انتخاب متن املا، دبر باید به نکات زیر توجه کند:

الف) متن املا را از مطالب تدریس شده انتخاب کند و دانش آموزان را نیز در جریان کار قرار دهد.

ب) کمیت متن املا با زمان موجود متناسب باشد تا معلم بتواند، خود تمام و رفته‌ها را تصحیح نماید و اشکالات دانش آموزان را همراه با راهنمایی لازم گوشزد کند.

پ) هر چه تعداد دانش آموزان بیش تر باشد، از کمیت متن بکاهد و به کیفیت آن بپردازد.

ت) برای تهیه متن املا، از کلمات پراکنده استفاده نکند، بلکه متن املا در قالب جملات معنی دار و مربوط به هم باشد.

ث) در تهیه متن املا، از کلمات هم خانواده و مشتقات کلمات موجود در کتاب نیز استفاده کند.

ج) هر ماه، از میان کلماتی که دانش آموزان در املاهای گذشته غلط نوشته‌اند، متن املائی جدیدی فراهم آورد.

### ۲. قرائت املا

در زمان تفریر املا برای دانش آموزان، توجه به نکات زیر ضروری می‌نماید:

الف) هنگام قرائت املا، معلم باید از حرکت در طول و عرض کلاس یا توقف در آخر کلاس خودداری کند و در جایی از کلاس بایستد که همه دانش آموزان، صدای او را بخوبی بشنوند و حرکت لب‌های او را ببینند.

ب) معلم باید املا را کلمه کلمه قرائت کند. اگر برخی جملات متن طولانی است، با توجه به معنی و ارتباط کلمات، آن را به چند قسمت تقسیم کند و هر قسمت را، مانند جمله‌ای کامل ادا نماید. (پ) سرعت خواندن املا و دفعات قرائت آن باید تابع سرعت

آزبان، وسیله ارتباط اجتماعی و بیان اندیشه است. زبان هر ملت بنیان فکر و اندیشه آن ملت است. زبان چهار رکن دارد که عبارتند از:

۱. گوش دادن - ۲. سخن گفتن - ۳. خواندن - ۴. نوشتن
- مهمترین و پیچیده‌ترین رکن زبان، زبان نوشتاری است. برای تقویت زبان نوشتاری، درس املا در برنامه درسی دانش آموزان گنجانده شده است. در اینجا به توضیح و بررسی شیوه تدریس املا در دوره راهنمایی می‌پردازیم.

### تعریف املا

املا کلمه‌ای است عربی و به معنی پر کردن<sup>۱</sup>، مطلبی را تقریر کردن تا دیگری بویسد<sup>۲</sup>، طریقه نوشتن کلمات، درست نویسی و رسم الخط صحیح<sup>۳</sup>.

املا یکی از درس‌های اصلی و بسیار مهم در برنامه درسی تمام پایه‌های تحصیلی، سیزده دوره راهنمایی به شمار می‌رود و لازم است، به آموزش و شیوه تدریس آن توجه بیش تری مبذول گردد.

در این مقاله چگونگی تدریس املا را به چهار بخش تقسیم می‌کنیم که عبارتند از:

۱. تهیه متن املا.
۲. قرائت املا.
۳. تصحیح املا.
۴. آموزش املا.

حال به بررسی و توضیح هر یک از مقوله‌های ذکر شده می‌پردازیم.

### ۱. تهیه متن املا

بیش تر دبیران، پس از ورود به کلاس، به فکر انتخاب متن املا و قرائت آن می‌افتند. این کار، علاوه بر این که قسمتی از وقت کلاس را هدر می‌دهد، از کیفیت متن می‌کاهد و عدم توجه به حیطه‌های

آموزش راهنمایی



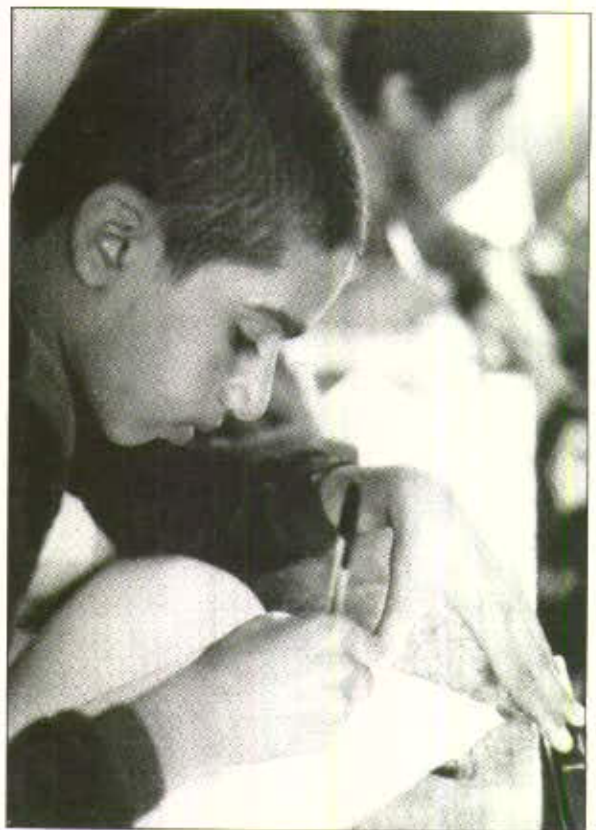
نوشتن دانش آموزان باشد. اما به طور کلی توصیه می شود که دبیر، برای به دست آوردن معیار ثابت و قابل قبول در کلاس، یکی از دانش آموزان خوب کلاس را به عنوان شاخص در نظر بگیرد و هنگامی که آخرین حرف هر قسمت توسط آن دانش آموز نوشته شد، یک بار دیگر آن قسمت را برای دیگران تکرار کند.

### ۳. تصحیح املا

تصحیح املا به دو صورت انجام می پذیرد که عبارتند از:

الف. تصحیح املا توسط دبیر.

ب. تصحیح املا توسط دانش آموزان.



### الف. تصحیح املا توسط دبیر

پس از پایان یافتن فرائض املا، دبیر دفترهای دانش آموزان را جمع آوری می کند. برای این که در زمان تصحیح نظم کلاس به هم نخورد، می توان دانش آموزان را به انجام تکالیف، حل تمرین، مطالعه و... واداشت و املاهای هر دانش آموز را در حضور خود وی تصحیح کرد. در این نوع تصحیح املا، دبیر باید به نکات زیر توجه کند:

الف) املاهای همه دانش آموزان توسط خود دبیر تصحیح شود.

ب) هنگام تصحیح، دانش آموز بر برگه خود نظارت داشته باشد

تا متوجه علت غلط بودن کلمه و راهنمایی دبیر بشود.

پ) لغات مشکل که نیاز به توضیح بیش تری دارند، توسط دبیر یا یکی از دانش آموزان روی تخته نوشته شود، تا علاوه بر توجه به شکل مکتوبشان، دانش آموزان با معنا و کاربرد آن ها نیز آشنا بشوند. (ت) در مقابل صفحه چرکتویس، پاکتویس املا نوشته شود و شکل صحیح کلمات غلط در متن پاکتویس با خودکار قرمز مشخص شود تا همیشه در معرض دید دانش آموزان باشد و شکل درست هر کلمه، در ذهن دانش آموزان جای گیرد.

ث) در ابتدای سال به دانش آموزان تذکر داده شود که متن املا و انشای یک خط در میان بنویسند تا در تصحیح مشکل کم تری به وجود آید.

ج) به دانش آموزان توصیه شود که فهرستی از لغات املائی و کلمات جدیدی را که در هر جلسه یاد می گیرند، برای خود در جایی مخصوص یادداشت کنند.

### ب. تصحیح املا توسط دانش آموزان

همان طور که قبلاً اشاره شد، اگر متن املا با شرایط لازم تهیه شود و کمیت آن متناسب با وقت کلاس و تعداد دانش آموزان باشد، دبیر فرصت تصحیح اوراق املا را خواهد داشت و نیازی به همکاری دانش آموزان نخواهد داشت. در غیر این صورت، باید از وجود دانش آموزان استفاده کند و لازم است برای انتخاب گروه تصحیح، روش زیر را به اجرا بگذارد:

- برای ایجاد آمادگی مطلوب در دانش آموزان، ورقه هایی را که خود با دقت تصحیح کرده است، برای بررسی مجدد در اختیار دانش آموزانی قرار دهد که نمره آن ها از پانزده به بالاست.

- بهتر است، از روی مصلحت و به طور عمدی، در بعضی ورقه ها یک یا چند کلمه غلط را نادیده انگارد، یا کم تر و بیش تر از حد معمول بابت کلمات غلط نمره منظور کند و از دانش آموزان بخواهد، با دقت موارد اشتباه را بیابند و اعلام کنند.

- برای این که دانش آموزان نهایت تلاش خود را در یافتن کلمات اشتباه به کار برند، برای یافتن هر مورد اشتباه یک امتیاز در نظر بگیرد. بدون شک دانش آموزان، به منظور نشان دادن دقت و ارضای غریزه خودنمایی خویش و همچنین گرفتن امتیاز بیش تر برای عضویت در گروه تصحیح، برگه های املا را با دقت هر چه تمام تر بررسی می کنند و این جاست که شاگردان ریزبین و دقیق که باید در آینده دستیار معلم باشند، شناخته می شوند.

### ۴. آموزش املا

همان طور که می دانیم، املا یکی از مواد درسی برنامه فارسی دوره راهنمایی است و هدف از آموزش آن، ایجاد و تقویت مهارتی است که به کمک آن، دانش آموز می تواند آنچه را می شنود، بدرستی



و سرعت بنویسد.

بنویسد.

۱۶. کامل کنید:

خ	ا
ح	ا
	ا
	ا
حرف	کلمه
ا	
ب	
ی	
ای	

برای آموزش املا به دانش آموزان دوره راهنمایی، ترجیح دارد که بخشی از وقت کلاس را به آموزش مراحل زیر اختصاص دهیم تا بهتر بتوانیم به اهداف آموزشی درس، دست یابیم:

۱. سی و دو حرف و صدای الفبای فارسی را در اوایل سال تحصیلی آموزش دهیم و هر دو هفته یک بار، از دانش آموزان بخواهیم که سی و دو حرف و صدای الفبا را روی برگه کوچکی بنویسند و به معلم تحویل دهند. این کار موجب عدم فراموشی می شود.

(از این پس، تمرین هر جلسه به طور خلاصه ذکر می شود. این تمرینات را دانش آموزان باید انجام دهند.)

۲. حرف های نقطه دار الفبا را بنویسید.

۳. حرف های بی نقطه الفبا را به ترتیب بنویسید.

۴. حرفی از حرف های الفبا را پیدا کنید که یک شکل آن نقطه داشته باشد و یک شکل آن نقطه نداشته باشد.

۵. کلمه های تشدید دار درس را بنویسید و معلوم کنید، تشدید روی چه حرفی قرار دارد؟

۶. سه کلمه همزه دار بنویسید؛ مانند سؤال.

۷. بنویسید که هر یک از کلمه های زیر چند دندانه دارد؟

۸. به یک سطر از نوشته های درس نگاه کنید و کتاب را ببندید. حالا کلمه هایی را که به یادتان مانده است، بنویسید. این کار را برای سه سطر دیگر نیز تکرار کنید.

۹. دو کلمه مثل «پایین» بنویسید که حرف های همشکل پشت سرهم داشته باشند، ولی نیاز به تشدید نداشته باشند.

۱۰. برای جلسه آینده، درس را بدقت بخوانید و کلمه هایی را که در آن ها حرف های ز، ذ، ض، ص و ط وجود دارند، جدا کنید. سپس آن ها را به ترتیب حروف الفبا مرتب کنید و از هر کدام سه مرتبه بنویسید.

۱۱. کلمه هایی از درس را که در املاهای آن ها اشکال دارید، پیدا کنید و سه مرتبه بنویسید.

۱۲. به این شکل ۱۱ نقطه اضافه کنید و حرف های مختلفی بسازید. سپس برای هر حرف به دست آمده، سه مثال بنویسید؛ مانند: ایه - باد - بیت - برادر و ...

۱۳. شش کلمه بنویسید که در آن ها حرف های ع، سع، عه، عه، عغ، سع، عه و عه وجود داشته باشد.

۱۴. درس ... را بدقت بخوانید و کلمه هایی را که حرف های ع، ط، و ح دارند، پیدا کنید. آن ها را به ترتیب حرف های الفبا مرتب کنید و از هر کدام سه مرتبه بنویسید.

۱۵. برای جلسه آینده درس ... را بدقت بخوانید و کلمه هایی را که حرف های ذ، ز، ط، س، ص، ط و ت دارند، جدا کنید. آن ها را به ترتیب حرف های الفبا مرتب کنید و از هر کدام سه بار

۱۷. درس ... را بدقت بخوانید و معلوم کنید، چه کلمه هایی از درس را با جابه جا کردن نقطه می توانید به کلمه معنی دار دیگری تبدیل کنید؛ مانند «روز» و «زور» یا «شیر» و «شتر».

۱۸. کلمه های بدون نقطه درس ها را پیدا کنید و از هر کدام سه مرتبه بنویسید.

مرحله ذکر شده از کتاب های فارسی دوره ابتدایی اخذ شده بود. همکاران محترم برای توضیح بیش تر می توانند کتاب های مذکور را بیش تر بررسی کنند. در پایان ذکر این نکته را لازم می دانیم که در درس املا ظرافت ها و نکته های بسیاری نهفته است و آگاهی معلم از آن ظرافت ها، موفقیت او را صدچندان می کند.

زیر نویس

۱. فارسی سال سوم راهنمایی تحصیلی، مرحله دوم تعلیمات عمومی، ص ۱۵۸
۲. حسن محمد فرهنگ فارسی عمید، ج ۱ چاپ سوم (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰)، ص ۲۳۲
۳. علی کریم دهخدا، لغتنامه، ج ۳ چاپ دوم، از دوره جدید (تهران، انتشارات تهران، ۱۳۷۷)، ص ۳۳۶۸
۴. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱ چاپ هشتم (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ص ۳۵۴
۵. دبیر و کارشناس زبان و ادبیات فارسی، شهرستان و بیاض، ج ۱ ص ۱۰۰

آموزش املا





# دریا

جعفر ربانی

وزنی از اوزان عروضی بسراید.

شعر دریا نمونه‌ای سرشار و مناسب از تصاویر مختلف شعری و آرایه‌های ادبی، از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، جان‌بخشی و ... است: آب آینه است؛ خورشید می‌خندد؛ تن آب سرد است؛ آب دامن می‌کشد؛ تن ماسه‌های کبود پاک است؛ ساحل بی‌خیال است؛ ساحل خواب‌آلود است؛ دریا از صدف سینه ریز می‌سازد و آن را بر گردن خشکی می‌آویزد؛ امواج چون شاخه‌های گل پر شکوفه‌اند؛ و ... این‌ها همه از نظر شعری، تصاویری هستند هنرمندانه، قوی، زیبا و واقعی. می‌گوییم واقعی، زیرا یکی از پدیده‌های نه‌چندان مطلوب و فراوان در شعر امروز، بویژه در شعر کودک، تصویرسازی‌های محض و انتزاعی است که بیش‌تر به «خیال‌بافی شاعرانه» می‌ماند تا به «تخیل شاعرانه» و در نتیجه، نه چون اشعار کهن حکمت می‌آموزد، نه چون ترانه بر زبان مترنم می‌شود، و نه واقعیتی را به زیبایی بیان می‌کند. و این همان چیزی است که در جایی مورد انتقاد شاعر شعر دریا نیز واقع شده است (مراجعه کنید به مجله سروش نوجوان، شماره ۱۵۰، شهریور ۷۹).

اما شعر «دریا» همان‌طور که گفتیم، هم از نظر زبانی و هم از نظر تخیل شعری ارزشمند است و امیدواریم آمدن آن به کتاب درسی، مقدمه‌ای باشد برای آشنایی بیش‌تر دبیران و دانش‌آموزان با شعر نوجوان. به این نکته نیز باید توجه کرد که شعر دریا در کتاب اول، ارتباطی مناسب با متن قبل از خود، یعنی درس زیبایی‌های دریا، دارد و می‌تواند در نشان دادن «زیبایی‌های دریا» به دانش‌آموزان، تأثیر بیش‌تری داشته باشد.

در چاپ جدید کتاب فارسی اول راهنمایی (۱۳۷۹)، شعری از محمود کیانوش، با عنوان «دریا» چاپ شده است. این شعر، در واقع به جای شعر «آبی بی‌پایان»، از جعفر ابراهیمی (شاهد)، نشسته است که تا پیش از این، در کتاب اول وجود داشت. این تعویض یا جایگزینی به دنبال ایرادها یا اعتراض‌هایی انجام گرفت که غالباً از سوی معلمان به شعر پیشین وارد می‌شد که چرا شعری بچگانه، و مناسب برای دوره ابتدایی، را برای دوره راهنمایی آورده‌اند؛ و لذا این تغییر ضروری به نظر می‌رسید.

همین جا بگوییم که شعر «دریا» اولین و تنها شعری است که از محمود کیانوش بخت راه یافتن به یک کتاب درسی را یافته است. این در حالی است که انتظار می‌رفت از کیانوش، بنیادگذار و متحول‌کننده شعر کودک و نوجوان، بسیار بیش از این و پیش از این، شعری به کتاب‌های درسی راه می‌یافت. به هر حال همین هم غنیمت است. خاطر نشان می‌سازیم که شرح نسبتاً مفصلاً از زندگی و کارنامه ادبی و هنری محمود کیانوش، در شماره دوم مجله «رشد آموزش ابتدایی» (آبان ۷۹) به همین قلم به چاپ رسیده است که دبیران محترم را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم. اما در این جا می‌پردازیم، به شرح کوتاهی درباره شعر «دریا».

«دریا» از نظر قالب شعری «چارپاره» است. چارپاره چنان‌که می‌دانید، همان دوبیتی است با قافیه متفاوت که در معنی به هم مربوط هستند و رایج‌ترین شکل آن این است که فقط مصراع‌های زوج هم قافیه باشند. ضمن این که شاعر آزاد است، چارپاره اش را در هر

# درباره رسم الخط

از چند سال پیش به این طرف، رسم الخط کتاب‌های درسی بتدریج تغییر کرده و در انطباق با شیوه‌نامه «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» قرار گرفته است، و تا چند سال آینده، تمامی کتاب‌ها مشمول این تغییر خواهد شد. از آن جا که اساس این دگرگونی‌ها بر «جدانویسی» است و بویژه، تبدیل همزه (ه) به یا (ی)، در پایان کلمات مخنوم به‌ها، لازم دیدیم برای روشن شدن ذهنیت دبیران عزیز، در این مورد توضیحی بیاوریم. ما این توضیح را از زبان یکی از چهره‌های داستان نویسی کشور، یعنی جعفر مدرس صادقی نقل می‌کنیم. مدرس صادقی در سال‌های اخیر، آثاری ارزنده از زبان فارسی را با عنوان کلی «بازخوانی متون» و برایش و به بازار کتاب عرضه کرده است.



اسماعیل و ابراهیم می‌نوشتند اما حالا همه اسحاق و اسماعیل را با الف و به همان صورتی که اذامی شود، می‌نویسند و اعتقاد همس را به همان صورتی که خوانده می‌شود، می‌نویسند. این تحول، هم یک تحول طبعی در جهت سازگاری و همخوانی شده خط ما زبان گفتار است و هم سابقه درینه دارد و یک اختراع و ابتداع من در آوردی نیست و درست به دلیل همین سابقه است که جامی افتد این ابایی که الف‌ها خوانده می‌شود، در عربی به ابایی منصوره معروف است و در آخر کلمه همین مانند: انجوی، انقاضی، اوسطی، اتقوی، اموی، امیرتقی، امضقی و اموسی آمده است. خیلی طبعی است که ما فارسی زبان‌ها، این ابایی را به همان صورتی که می‌خوانیم، یعنی به صورت الف نویسی و سابقه تاریخی اش هم این که در نسخه‌های خطی قدیمی این



جعفر مدرس صادقی

من در مورد رسم الخط طر فدا از اعتدال و احتیاطم و بنا افراط کاری شدت مخالفم. در حاجی بانا و در مجموعه اباز جوانی متون، یک رسم الخط واحد و یکدست به کار رفته است که در مقدمه اولین کتاب مجموعه، یعنی اثر حمزه تفسیر طبری، توضیحاتی درباره آن داده‌ام. جدانویسی مثلاً یک اصل کلی نیست که بخواهیم در همه موارد اعمال کنیم. معمولاً وضع کردن اصول کلی و نادیده گرفتن بعضی

اب ابایی صورت الف می‌نوشتند و در نسخه خطی تاریخستان هم که اساس کار چاپ ملک الشعراء است، امضطقا، را با الف نوشته‌اند. خود ملک الشعراء در مقدمه‌ای که در سال ۱۳۲۸ چاپ شد، به فرهنگستان وقت پیشنهاد کرد که این قاعده را ترویج بدهند و اعلام کنند که همه این ابیاهای منصوره را که الف خوانده می‌شود، همه جای الف بنویسند. فرهنگستان به توصیه ملک الشعراء اعتنایی نکرد، اما همین طور که می‌بینیم این تحول به صورت خودبه‌خودی و طبعی اتفاق افتاد و در حال حاضر، کم‌تر کسی اتقوا و انجوا و اهو را با ای می‌نویسد. اما اموس را هنوز هم با ای می‌نویسند و ایچی و اچی را هم با ای می‌نویسند.

موارد خاص، منجر به افراط‌کاری می‌شود و کار دست آدم می‌دهد. با بحثنامه و دستور العمل‌های اداری هم نمی‌شود تکلیف رسم الخط را مشخص کرد. نکته مهمی که باید برای رسیدن به یک رسم الخط قابل قبول در نظر بگیریم، این است که تحول رسم الخط به‌طور طبیعی در جهت سازگاری هرچه بیش‌تر آن با زبان گفتار است، و ما از طرفی نباید در جهت مخالف این تحول حرکت کنیم و از طرف دیگر هم نباید وضع کردن دستور العمل‌ها و قواعد افراطی این تحول را از حالت تدریجی و طبیعی خود خارج کنیم.

مثلاً املائی اموی (به معنی میل و خواهش) با ابایی که الف خوانده می‌شود، حدس‌ها پیش‌املائی رایجی بود. اسحاق و اسماعیل و ابراهیم را همه بدون الف، به صورت اسحاق و

امور فرهنگی



اما اگر بخواهیم قاعده یکدستی را که یک قاعده اساسی و پذیرفته شده است، در رسم الخط رعایت کنیم، باید این «یا»ی مقصوده را در همه موارد به همان صورتی که خوانده می شود، یعنی به صورت «الف» بنویسیم و خیالمان راحت باشد که این املا، یک املائی طبیعی و در جهت تحول طبیعی رسم الخط است و در ضمن منکی به سابقه هم هست. «یا»ی هم که به نشانه بیان حرکت بعد از «ها»ی غیر ملفوظ اضافه می شود، به جای همزه ای که متداول است، «میوه ی رسیده»، «نامه ی اعمال»، «هاله ی ماه»، هم در جهت نزدیک شدن شیوه خط به نحوه بیان است و هم سابقه تاریخی دارد. در کهن ترین نسخه های خطی فارسی که به دست ما رسیده و از جمله نسخه خطی کتاب «الایینه عن حقایق الادویه» که شاید کهن ترین نسخه خطی به جا مانده فارسی باشد (سال ۴۴۷ هجری قمری)، اضافه بعد از «ها»ی غیر ملفوظ با «ی» نشان داده شده است و می دانید که کاتب این نسخه یک کاتب معمولی نبوده است؛ همان اسدی توسی معروف بوده که نویسنده «گرشاسب نامه» است و نویسنده فرهنگ لغاتی که به اسم «لغت فرس» می شناسیم و کهن ترین فرهنگ لغاتی است که به دست ما رسیده. بعدها این «ی» بعد از «ه» را کاتب ها در طول قرون به صورت کوچک تر و بالای «ه» گذاشتند و کم کم به صورت همزه ای درآمد که این روزها متداول است.

در مورد جدانویسی هم، قاعده کلی این است که در یک کلمه مرکب، اجزای یک هجایی و دو هجایی کلمه به همدیگر متصل باشند. اما استثناهایی هم برای این قاعده کلی وجود دارد و یکی از آن ها وقتی است که جزء اول کلمه، به «ه» ختم می شود. «ه»ی آخر، وقتی که به اول بخش بعدی بچسبد، به خاطر ضرورت رسم الخط فارسی تغییر شکل می دهد و به صورت «ه» در می آید. بنا بر این، قاعده کلی را در این موارد رعایت نمی کنیم. همان طور که «شاه فتر» و «راه سازی» و «ماه منیر» را «شاه فتر» و «راه سازی» و «ماه منیر» نمی نویسیم، «شاه نامه» و «شاه کلید» را هم باید به همین صورت بنویسیم و نه «شاهنامه» و «شاهکلید»<sup>۳</sup>.

زیرنویس:

۱. شیوه رسم الخط مجلات رشد و بزر این مجله، هنوز هماهنگ با کتاب های درسی نیست. ولی قرار است در آینده این هماهنگی صورت گیرد.
۲. این منون عبارتند از: ترجمه تفسیر طبری، مقالات مولانا، مقالات شمس، تاریخ سیستان، سیرت رسول الله، عجایب نامه، قصه های شیخ اشراق، تاریخ بیهقی و سرگذشت حاجی بابای اصفهانی که همه از «نشر مرکز» هستند.
۳. چنان که خوانندگان تیرس متوجه شدند رسم الخط همین متن حاضر هم، که ما آن را از کتاب ماه ادبیات و فلسفه شماره ۳۳ (تیر ۱۳۷۹) انتخاب کرده ایم، به با آنچه آقای مدرس صادقی بدان معتقد است دقیقاً مطابقت دارد و به بار رسم الخط کتاب های درسی، بلکه با رسم الخط مورد نظر «کتاب ماه» انطباق دارد. این نکته حائمی از آن است که ما تا چه اندازه با مشکلات رسم الخطی و ویرایشی در کشور دست به گریزیم.

كَانَ لِرَجُلٍ فَقِيرٍ وَلَدٌ صَغِيرٌ. فَقَالَ لَهُ يَوْمًا: تَعَالَى يَا ابْنِي  
مَعِيَ، نَذْهَبُ وَنَسْرِقُ قَلِيلًا مِنَ الْفَوَاكِهِ.

فَذَهَبَ الْوَلَدُ مَعَهُ، وَهُوَ يَعْرِفُ أَنَّ ذَلِكَ غَيْرُ جَائِزٍ،  
وَلَكِنَّهُ لَمْ يَرِدْ أَنْ يَخَالَفَ أَبَاهُ.

وَلَمَّا وَصَلَ الرَّجُلُ وَابْنَهُ إِلَى الْمَكَانِ الْمَقْصُودِ، قَالَ  
لِابْنِهِ: قِفْ هُنَاكَ وَانظُرْ، فَإِذَا رَأَى أَحَدًا فَأَخْبِرْنِي. فَوَقَّفَ  
الْوَلَدُ، وَأَبْدَأَ الْأَبَ بِقَطْفِ مِنَ الْفَوَاكِهِ؛ وَبَعْدَ قَلِيلٍ، قَالَ  
الْوَلَدُ لِأَبِيهِ: يَا أَبِي! وَاحِدٌ يَرَانَا. فَخَافَ الْأَبُ وَتَرَكَ وَسَأَلَهُ  
مَنْ هُوَ؟ أَيْنَ هُوَ؟

فَقَالَ الْوَلَدُ: هُوَ اللَّهُ الَّذِي يَرَى كُلَّ أَحَدٍ، وَيَعْلَمُ كُلَّ  
شَيْءٍ. فَخَجَلَ الرَّجُلُ وَلَمْ يَسْرِقْ شَيْئًا بَعْدَ ذَلِكَ.

اباه: پدرش  
اخبرني: مرا خبر کن  
تعال: بیا  
فواكه: میوه ها  
نسرقي: بدزدیم  
واحدیرانا: کسی ما را می بیند  
يقطف: می چید

علی چراغی



## السَّارِقُ وَابْنُهُ



موسسه فرهنگی  
و آموزشی  
پارسیان



# شکفتی‌های نهج البلاغه

محمدحسن مکارم شیرازی

علوای صدر میاق اصحاب

یکی از راه‌های پی بردن به ابعاد وجودی امیرالمؤمنین (ع)، شناخت «نهج البلاغه» و دنیا‌های آن است. همه ما نام این کتاب را شنیده‌ایم، اما غالباً فقط نام این کتاب را شنیده‌ایم. نهایت آن که چند خطبه «زه‌دی» آن به گوش ما خورده است. نهج البلاغه عوالم گوناگونی دارد و منحصر به چند نصیحت پیرامون «ترک دنیا و زخارف آن» نیست.

این کتاب شریف، نه فقط در میان مسلمانان ناشناخته و غریب است، بلکه در میان شیعیان علی (ع) و در کشور مجانب او نیز بیگانه و تنه‌است. از سوی دیگر، هرگاه محقق و متفکری به این کتاب نزدیک شده و در خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار آن دقت کرده است، آن چنان شیفته شخصیت علمی، ادبی، اخلاقی، سیاسی و... حضرتش گردیده که زبان به مدح و تعظیم او گشوده و سر به تواضع فرود آورده است؛ هر چند در زمره مخالفانش به شمار رود، یا اصلاً به مرامش اعتقاد نداشته باشد.

در تأیید سخن کافی است که بدانیم، تاکنون حدود ۴۰۰ کتاب پیرامون نهج البلاغه به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، اردو، فرانسه، انگلیسی و غیره منتشر گردیده که بیش از ۱۰۰ مورد آن، شرح بر نهج البلاغه است. شرح معروف ابن ابی الحدید، از دانشمندان اهل سنت در قرن هفتم که مشتمل بر ۲۰ جلد است و نیز شرح شیخ محمد عبده، مفتی «دانشگاه الازهر» مصر، از دانشمندان سنی قرن اخیر، از جمله آن‌هاست.<sup>۱</sup>

نحوه آشنا شدن استاد شهید مطهری با نهج البلاغه، از زبان خودشان، بسیار خواندنی است. او با این که در خاتواده‌ای روحانی بزرگ شده بود و سال‌ها در حوزه علمیه مشهد و قم به تحصیل اشتغال داشت و نام نهج البلاغه را مرتباً پس از نام قرآن شنیده بود، اما باز با این کتاب بیگانه مانده بود. تا این که تصادفاً

با عالم ربانی و یگانه‌دوران، مرحوم میرزا علی آقا اصفهانی آشنا می‌شود. شهید مطهری در این زمینه می‌گوید:

«او دست مرا گرفت و اندکی وارد دنیای نهج البلاغه کرد. آن وقت بود که عمیقاً احساس کردم، این کتاب را نمی‌شناختم... از آن پس چهره نهج البلاغه در نظرم عوض شد، مورد علاقه‌ام قرار گرفت و محبوبم شد؛ گویی کتاب دیگری است، غیر آن کتابی که از دوران کودکی آن را می‌شناختم. احساس کردم که دنیای جدیدی کشف کرده‌ام».<sup>۱</sup>

سپس به ذکر حالات مرحوم میرزا می‌پردازد که چگونه نهج البلاغه سرپای وجود او را تسخیر کرده بود: نبضش بنا این کتاب می‌زد و قلبش با آن می‌تپید. جملات آن وارد زبانش بود؛ می‌خواند و قطرات اشک بر محاسن سپیدش می‌ریخت و در این حال، از هر چه در اطرافش بود، جدا می‌گشت.<sup>۲</sup>

عظمت و شکفتی نهج البلاغه در این است که در هر موضوعی وارد شده، حق مطلب را ادا کرده و خواننده را به عمق موضوع و جوانب آن سوق داده است؛ در عین حال که کلام را در نهایت فصاحت و بلاغت تبیین نموده که چه بسا، درک آن برای ما فارسی‌زبانان مشروط به تمهید مقدمه و تسلط بر ادبیات عرب است.

هستند نویسندگان و گویندگانی که با قلم و زبان خویش، خواننده و شنونده را مجذوب می‌کنند، اما فقط در یک وادی نبحر و سررشته دارند که اگر از آن خارج شوند، دیگر کلامشان جذبه‌ای ندارد. اما علی (ع) شیر همه‌ی شیشه‌هاست. وقتی لب به توحید و یگانه پرستی می‌گشاید، هیچ فیلسوف و متکلمی به گردش نمی‌رسد. آن گاه که زبان به اخلاق و ادب می‌گشاید، کسی چون او مرز میان فضایل و رذایل را تفکیک نمی‌کند. وقتی به آسمان سیاست و عدالت برمی‌گشاید، هیچ نظریه پرداز و نکته‌سنجی به اوج او نمی‌رسد، و هنگامی که وارد پیشه جنگ و جهاد می‌شود، هر یک سوار جنگاوری را





مرعوب خویش می سازد. هموست که در برابر یتیم و اسیر و مسکین، قلبی رتوف تر از مادر دارد!

در این مقاله، ضمن اعتراف به عجز و زبونی خود، در برابر هیبت و عظمت علی (ع) و نهج البلاغه او، نظری به امام از زبان خودش می افکنیم. او خود را چگونه معرفی می کند؟ آیا صحابی ای است در میان خیل صحابه؟ آیا خلیفه ای است در میان خلفای راشدین؟ همین و بس!! این جاست که ما نیز شگفت زده می شویم؛ با این که از شیعیان اویم و همواره نامش را با احترام برده ایم و تصور می کنیم، او را می شناسیم!

علی (ع) برخلاف سایر صحابه، از کوچکی با پیامبر (ص) بود. در دامان او بزرگ شد و مستقیماً از مکتب تعلیم و تربیت حضرتش فیض برد. آن چنان به نزد او تقرب یافته بود و فضایل ایمانی و ملکات اخلاقی را کسب کرده بود که به مقامات معنوی منحصر به فردی نایل شده بود. خود در این مورد می فرماید: «من همواره در پی پیامبر (ص) بودم؛ آن گونه که بچه شتر دنبال مادرش است. هر روز از اخلاق خود برای من نشانه هایی برپا می داشت و مرا به پیروی از آن می گماشت؛ هر سال در «حراء» خلوت می گزید، من او را می دیدم و جز من کسی او را نمی دید. در آن هنگام، اسلام در هیچ خانه ای جز خانه رسول خدا و خدیجه وارد نشده بود و من سومین آن ها بودم. روشنایی وحی را می دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.»<sup>۱</sup>

ادعای بزرگی است! چه چیزی می دیده که نام آن را «روشنایی وحی» می گذارد؟ و چه احساسی به او دست می داده که اسمش را «استشمام بوی نبوت» می نهد؟ مطلب به این جا خشم نمی شود. پارا فراتر نهاده، و پرده را عقب زده، و با صراحت اعلام می کند که به هنگام نزول وحی، صدای ناله شیطان را می شنیده و از پیامبر سؤال می کرده که این صدا چیست که به گوشم می رسد. رسول خدا (ص) در پاسخ فرموده است: «این شیطان است. (با نزول وحی و ارشاد و هدایت مردم) نگران آن است که از او پیروی نکنند (و بازش کساد شود، از این روز زوزه می کشد و تو می شنوی). ای علی! همانا تو می شنوی آنچه را من می شنوم و می بینی آنچه را من می بینم؛ جز این که تو پیامبر نیستی، بلکه وزیری و در مسیر خیر.»

اگر این سخنان را فردی جز علی (ع) نقل می کرد، باور کردنی نبود. کلام کسی است که طرف مقابل، یعنی پیامبر اکرم (ص)، صحت آن و صحت تمام گفته هایش را بارها تأیید کرده است. او را بر حق، راستگو، عادل، مؤمن و همراه با قرآن لقب داده است؛ بلکه بالاتر، او را ملاک تشخیص حق، عدل، ایمان و کفر، و میزان در قیامت معرفی کرده است، تا

جایی که بهشت و دوزخ را با ملاک هایی که در دست دارد، بین اهلس تقسیم می کند. علی (ع) مدال هایی از پیامبر (ص) دارد که پشتوانه ادعاهای اوست؛ از جمله این ها: الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ؛ كَفَى وَكَفَّ عَلِيٌّ فِي الْعَدْلِ سَوَاءً؛ حُبُّ عَلِيٍّ إِيمَانٌ وَبُغْضُهُ كُفْرٌ؛ عَلِيٌّ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ؛ حَرْبُ عَلِيٍّ حَرْبُ اللَّهِ وَسَلْمُ عَلِيٍّ سَلْمُ اللَّهِ؛ عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ. جالب این که همه این قبیل احادیث را برادران اهل سنت نیز نقل کرده اند.<sup>۲</sup>

او از دریای علم نبی سیراب گشته، به طوری که هیچ تشنگی بعد از آن برایش نمانده است. آثار عروج به این قله رفیع علم و یقین، بارها بر زبانش جاری شده است و اعترافات بی بدیل و شگفت آوری کرده است. شجاعانه و قاطعانه بانگ برمی آورد که: «هر چه می خواهید از من پرسید، قبل از آن که از میان شما بروم. من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می دانم.» کدام یک از اصحاب را یارای چنین ادعایی بود و در عمل از پس آن برمی آمد؟! تا انسان دستش به جایی نرسیده باشد و «حیل متین» و «عروة الوثقی» مطمئنی به چنگ نیاورده باشد، جرأت چنین حرفی را ندارد. هیچ اتفاق نیفتاد که دوستان یا دشمنانش، او را در این میدان بیازمایند و سربلند بیرون نیاید و تاریخ، هیچ سندی برخلاف آن ندارد.

در خطبه ای دیگر، به خدا سوگند یاد می کند که حوادث آینده را بخوبی می داند و به احوال یکایک اطرافیاننش واقف است، اما مصلحت نمی داند که پرده را بالا زند:

«به خدا سوگند می توانم به یک یک شما خبر دهم که از کجا آمده اید، به کجا می روید و چه ها می کنید. ولی می ترسم درباره من به رسول خدا (ص) کافر شوید (مرا بر او بستری دهید). من این خبرهای غیبی را به خواص اصحاب خود که به کفر و عُلو کشیده نمی شوند، خواهم رساند.»<sup>۳</sup>

سپس سوگند یاد می کند که آنچه می گوید، صحیح است و آن ها را از پیامبر (ص) فرا گرفته است. هموست که خیر از عاقبت امر خلافت به علی (ع) داده است و خیر از آنان که به ضلالت می رسند و آن ها که نجات می یابند و به بهشت می روند. از آثار همین علم است که با صراحت می فرماید: از وقتی که حق را یافته ام، لحظه ای در آن شک و تردید نکرده ام: «مَا شَكَّكَتُ فِي الْحَقِّ مَدَّ أَرْتَهُ»<sup>۴</sup>.

آن گاه که یکی از کارگزارانش مرتکب خلاف شده بود و اموال مردم را به نفع خود تصرف کرده بود، او را نصیحت بلیغ می کند و سپس، از عاقبت شوم این کار آگاهش می سازد که اگر اموال مسروقه را به صاحبانش برنگرداند با شمشیر غضب









# از نگاه هنرمند

محیط و جغرافیا و تاریخ دور شده‌ام، اما هنوز هم آن لحظه‌ها و آن محیط برایم الهام‌بخش است و تلاش می‌کنم که با آثارم آن لحظه‌ها تثبیت شود:

فرض نقشی است کز ما بازماند

که هستی را نمی‌بینم بقایی

علی زاده می‌گوید: «اکنون بسیاری از آن لحظه‌ها فرو ریخته‌اند و بسیاری از حصارهای ذهن گریخته‌اند، اما در چنبره رنگ و بوم برایم جاودانه و همیشگی محفوظ مانده‌اند. زیرا در میان آن‌ها سادگی، صداقت، پاکی، محرومیت و تلاش خستگی‌ناپذیر انسان‌ها در کنار طبیعت بکر و رنگین و متنوع، از دیگر موضوعات پررنگ‌تر و واضح‌تر است.»

علی زاده سعی دارد، طبیعت را همان‌طور که هست بر بوم نقاشی منتقل کند. از همین رو می‌گوید: «شیوه نقاشی من، بازنمایی است که البته مورد انتقاد بسیاری از دوستان نیز قرار گرفته است و می‌گیرد. ولی من اعتقاد دارم که نقاش در آغاز باید بتواند، بر ابزارش تسلط پیدا کند و طبیعت اطرافش را خوب ببیند و دقیق بشناسد. سپس شیوه بیانی خود را که نزدیک‌تر به آن فضا و حال و هوا باشد، بیابد؛ آن‌هم نه از روی تقلید، بلکه آگاهانه و با شناختی دقیق. این امر تنها با تلاش بسیار و تمرین‌های شبانه‌روزی میسر است... من احساس می‌کنم هنوز هنرآموزم و سرسپار استادی که از او تعلیم بگیرم.»

مهدی علی زاده، در مورد هنرهای تجسمی در ایران امروز معتقد است: «روشن است که هر تحول و انقلاب اجتماعی با خود تحولات هنری را به دنبال خواهد داشت و این رویکرد و رخداد را، در تمامی زمینه‌های ادبی، نمایشی و تجسمی و بشری شاهدیم. در این سال‌ها، شور و شوق فراوانی در زمینه همه هنرها، از جمله نقاشی به چشم می‌خورد. اکنون آن‌ادا و اطوارهای غریبه با سنت و ملیت و مذهب که در عرصه‌های هنرهای تجسمی به چشم دیده می‌شد، دیگر رنگ و بو و بهایی ندارد. امروز اشتیاق به هنر را در نسل خود شاهدیم که البته باید سمت و سو و جهت درستی بیابد.»

مهدی علی زاده که فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است، تاکنون نمایشگاه‌های متعددی برگزار کرده و همواره خوش درخشیده است.

سال هاست که دانش‌آموزان سال اول راهنمایی، تصویری زیبا و دلپذیر از بسکی از نقاط دیدنی ایران، یعنی «ماسوله» را، روی جلد کتاب فارسی خود مشاهده می‌کنند. این تصویر، یک تابلوی نقاشی، اثر نقاش معاصر، مهدی علی زاده است. علی زاده نقاش که طبیعت است می‌کوشد طبیعت زیبا و پاک کوهپایه‌ها و کوه‌دامن‌های سرزمین ایران را، که همگی سرشار از مضامین پاک و بی‌آلایش است، به تسخیر هنر خویش درآورد و عرصه نازده‌ای را بر چشم بینندگان آثارش بگشاید. شاید تصور شود، آفرینش‌های این هنرمند همان عکسی برداری است که با دست و رنگ و قلم انجام می‌شود؛ اما در حقیقت چنین نیست. علی زاده، با استفاده از هارمونی (هماهنگی) رنگ‌ها، ترکیب‌بندی خوب و صداقت و صمیمیت در آثارش، بحق چیزی فراتر از عکس را به تماشا می‌گذارد.

مهدی علی زاده در سال ۱۳۳۳، در شهرستان بابل متولد شده است. او در مورد فعالیت‌های هنری خود می‌گوید: تا آن‌جا که ذهنم باری می‌کند و گذشته‌ها را در خاطر مرور می‌کنم، همه یادآور انس و الفتی است که با نقاشی داشته‌ام. شاید پررنگ‌ترین لحظه‌های کودکی و نوجوانی ام، لحظه‌های نقاشی‌ام باشد؛ لحظه‌های پراکنده‌ای که از روزهای آن، فقط دستنمایی علاقه‌مند و سری شورمتد را به یاد دارم و دیگر هیچ. ذهنیتی پالایش نیافته، خطوط و رنگ‌هایی رام‌نشده و طبیعتی بکر در پیش رو که صفحه خیال را به هزارتوی فرم‌ها و رنگ‌هایش فرا می‌خواند. کم‌کم این شورها سمت و سو گرفت. در چهارده سالگی با استاد محمدرضا بحیبایی آشنا شدم که اکنون مقیم فرانسه است و اسم و رسمی دارد و در کار خود استاد است. نزد ایشان به فراگیری اصول نقاشی مشغول شدم. محیط روستایی و سرسبز زادگاهم و فطرت پاک و بی‌آلایش روستاییان، آن‌چنان مجذوبم می‌کرد و آن‌چنان زیبایی‌هایش در نهانخانه دلم می‌نشست و نقش می‌گرفت که آرزو داشتم، آثارم ثبت لحظه لحظه زندگی آن‌ها باشد؛ زندگی‌ای که سرشار از طراوت و لطافت و پاکی است. از همین رو، نقاشی از این موضوعات همیشه برایم جذاب و دوست‌داشتنی و سرشار از خاطره و سرور بوده و هست... و امروز، با آن‌که سال‌هاست از آن



believed that the earth was too important to move. They said that it must be the centre of the universe. Galileo got into trouble and he had to say that he was wrong; but he knew that he was right.

Galileo made many other experiments, and he also made some telescopes. When he pointed a telescope at the moon, he saw some hills there. He also saw some of the millions of stars in the universe- more than anyone had ever seen. He thanked God, who let him see these wonderful things.

In 1637 Galileo's eyes failed, and then he could not see anything through his telescope. Five years later he died. The world then lost a great man; but in the same year (1642) another great scientist, Sir Isaac Newton, was born in England.

## EXERCISES

1. Put one of the given words in each space: scientist; science; university; tower; lean.

(a) Do not \_\_\_ out of the window; you may fall.

(b) Peter is studying science at the \_\_\_.

(c) He knows nothing about \_\_\_ but he can speak persian.

(d) Sir Isaac Newton was a famous \_\_\_.

(e) The Babylonians built a high \_\_\_ in that place.

2. Put the right word in each space:

(a) Please wait \_\_\_ six o'clock.

(b) Peter went \_\_\_ school when he was a boy.

(c) The scientists climbed \_\_\_ the top of the mountain. They wanted to measure the pressure \_\_\_ the air there.

(d) The big electromagnet pulled the iron \_\_\_ itself.

(e) Paper falls quickly \_\_\_ a vacuum.

(f) The earth is not the centre \_\_\_ the galaxy.

(g) The captain pointed his telescope \_\_\_ the distant ship.

(h) These two astronomers were born \_\_\_ the same year.

(i) Every planet moves \_\_\_ the sun.

3. Put *who*, *whom* or *which* in each space:

(a) Copernicus was a man \_\_\_ had studied the planets.

(b) The earth is a planet \_\_\_ moves.

(c) The earth is a planet \_\_\_ we know well.

(d) The scientist \_\_\_ you visited knows nothing.

(e) The radio set \_\_\_ he bought is very small.

4. Notice: *Nobody could read it until he died.*

Complete these sentences:

(a) The astronomer waited until...

(b) The balloon began to fall as soon as...

## PENDULUMS

(c) While the car was moving...

(d) When the eclipse started...

(e) After the hemispheres were placed together, von Guericke...

5. Notice: *The earth was too important to move.*

This means: The earth was so important that it did not move.

Change these sentences. Use TOO + TO in the place of SO + THAT:

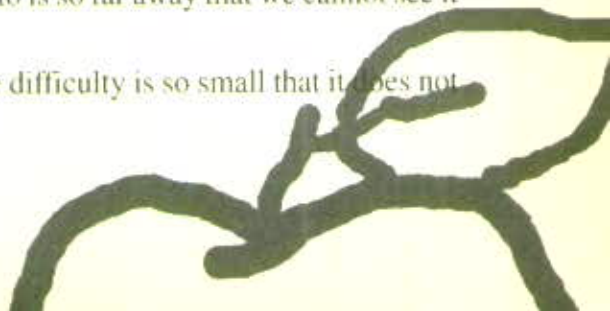
(a) The metal was so strong that it did not break.

(b) The current was so small that it did not blow the fuse.

(c) The electromagnet was so heavy that we could not carry it.

(d) Pluto is so far away that we cannot see it easily.

(e) The difficulty is so small that it does not matter.







Long ago a Greek,

Democritus, said that all things in a vacuum fall at the same speed. He had not got a vacuum, but he was right. The air makes a difference. If a heavy weight and a piece of paper fall together through the air, the heavy weight reaches the ground first. The air has some resistance, and it makes the paper fall slowly; but if there was no air, the paper would fall quickly.

Aristotle said that heavy things fall faster than light things; but he was wrong.

Most of the later scientists believed Aristotle. This remained true until the time of Galileo, the Italian scientist. Galileo (1564-1642) did not believe him. He went to school at Vallombrosa, which is a place near Firenze (Florence), Italy. He tried to Learn science there, but he did not like it. He went to the university of Pisa to continue his studies.

There is a famous tower at Pisa. It does not stand straight up, but leans a little more each year. Some scientists believe that it will soon fall down.

Galileo climbed to the top of the Leaning Tower, and from there he dropped two weights.

One of them was heavier than the other, but they reached the ground at the same moment.

The scientists who were watching were very surprised. This did not agree with Aristotle's rule.

Galileo believed that scientists ought always to make experiments. He said that they ought not only to sit in universities and talk; they ought to do something. They ought to watch the results of their experiments, and describe them honestly. Then they could learn more about science.

Many people of that time believed that the earth never moved. The other planets and the sun appeared to move round the earth, and they believed that the earth was the centre, of the universe. **Ptolemy** had taught this many years before, and it appeared to be true. Nobody knew then that the earth was an unimportant planet.

Copernicus (1473 - 1543) was an astronomer and a scientist who had studied the planets and the stars. His ideas were new. He said that the earth moved round the sun, and that it was not the centre of everything. He put these ideas into a book, but he hid the book. Nobody could read it until Copernicus died.

Many years later Galileo read it and believed it. He said that the earth was moving round the sun, and this made a lot of people angry. They

امروز کا کھیل



معرفی یک پروژه:

تأثیر آب

بر فشار تورمی (تورژانس)

در گیاهان



اشاره:

تمام روش های نوین آموزش و تدریس علوم بر فعال بودن دانش آموزان در فرایند یادگیری تأکید دارند. اکنون ثابت شده است که هرچه دانش آموز در هنگام یادگیری فعال تر و مشارکت بیش تری داشته باشد، تأثیر آموزش بیش تر و پایداری آموخته ها در ذهن او افزون تر و حصول اهداف حیطه مهارت ها و نگرش ها، آسان تر خواهد بود. یکی از روش هایی که بر اساس فعالیت دانش آموز شکل می گیرد، اجرای پروژه توسط دانش آموزان است. در به کارگیری این روش، علاوه بر درک ساختار دانش توسط دانش آموزان، می توان به تحقق اهداف دیگری مثل استقلال و خودآموزی، مسؤلیت پذیری و احساس تعهد، و علاقه مندی به کار امیدوار بود.

آنچه که در ادامه می آید، معرفی یک پروژه است. همان گونه که ملاحظه خواهید کرد، در این پروژه، علاوه بر توضیح مراحل انجام کار برای فعال ساختن ذهن دانش آموز و ایجاد تفکر، جست و جوی رویکردها و طراحی آزمایش های جدید نیز پیش بینی شده است.

استحکام ساقه ها، ریشه ها و برگ های گیاهان ناشی از تراکم آب (فشار تورژمنانس) در سلول های این اندام هاست. فشار تورمی (تورژمنانس) سبب می شود که برگ ها و ساقه های جوان به صورت افراشته قرار گیرند و هنگامی که آن ها را خم کنیم، مجدداً به حالت قبلی خود برگردند. به این ترتیب استقامت بسیاری از بخش های گیاه نیز نتیجه استحکام ناشی از پرآب بودن سلول های این بخش هاست.

در این پروژه، تغییرات فشار تورمی ناشی از افزایش و یا کاهش تراکم آب در سلول های گیاهی، و عوامل مؤثر در جذب آب، مثل نوع سلول، دما و نفوذپذیری غشای سلول، و نیز تأثیر فشار تورمی روی حرکت گیاهان مورد بررسی قرار می گیرد.

هدف: نمایش تأثیرات فشار تورمی در سلول جانوری

مواد لازم:

- استکان

- سرکه سفید

- تخم مرغ خام

- یخچال

- بشر مدرج ۲۵۰ میلی لیتری

- آب مقطر

### روش اجرا

۱. استکان را از سرکه پر کنید.
۲. انتهای پاریک تر تخم مرغ را روی استکان حاوی سرکه قرار دهید، به طوری که مقداری از آن در سرکه فرو رود.
۳. استکان همراه تخم مرغ را، برای جلوگیری از فساد، در یخچال بگذارید.
۴. پس از ۲۴ ساعت، تخم مرغ را از سرکه بیرون بیاورید و سرکه آن را دور بریزید.
۵. با دقت تخم مرغ را درون بشر قرار دهید، طوری که پوسته آن ترک نخورد.
۶. بشر را از آب مقطر پر کنید.
۷. بشر را در یخچال بگذارید.
۸. تخم مرغ را طی هفت روز مورد مشاهده قرار دهید.

### نتایج

بخشی از پوسته تخم مرغ که در تماس با سرکه بوده است، متورم می شود و سرانجام می ترکد. ترک های پوسته تا حد سطح تماس پوسته با سرکه ادامه می یابد و این بخش از پوسته، از تخم مرغ جدا می شود.

### چرا؟

تخم مرغ یک سلول است و توسط غشای سلولی احاطه شده است. این غشا، ورود و خروج مواد را به درون تخم مرغ کنترل می کند.

به غشاهایی که در عبور دادن مواد از خود دارای قدرت انتخاب هستند، نیمه تراوا می گویند. منافذ موجود در این گونه غشاها، به مولکول های کوچک آب اجازه عبور می دهند. اما مولکول های بزرگ تر، مثل چربی ها و پروتئین ها، نمی توانند از آن ها عبور کنند. عبور مواد از غشای نیمه تراوا (اسمز) وقتی عملی می شود که تراکم آب در یک طرف غشا، با طرف دیگر متفاوت باشد.

هنگامی که پوسته متورم شده، درون محلولی «هیپوتونیک» (محلولی با تراکم آب بیش تر و یاریق تر) قرار گیرد، می ترکد. توجه داریم که آب درون بشر (آب مقطر)، نسبت به مایع موجود در تخم مرغ، هیپوتونیک است. هرچه آب بیش تری از میان غشای درون تخم مرغ راه یابد، فشار درون سلول در اثر زیادی مولکول های آب





بالا می‌رود. این فشار که در اثر آب اضافی ایجاد شده است، فشار تورمی نامیده می‌شود.

اکنون اگر آب درون تخم مرغ افزایش یابد، فشار ایجاد شده بر اثر انبساط پوسته غشایی، پوست سخت تخم مرغ را نیز می‌شکند. در حالت اخیر، جثتی از پوسته غشایی نازکی که فاقد پوسته آهنکی محافظ است، تحت تأثیر فشار به وجود آمده، منسط می‌شود و یک برجستگی به وجود می‌آورد و سر انجام می‌ترکد.

### جست‌وجوی رویکردهای جدید

۱. هرگاه تخم مرغ در محلول هیپرتونیک گذاشته شود، چه تغییری در شایع پیش می‌آید؟

آزمایش را تکرار کنید. این بار به جای آب مقطر، از محلول آب نمکی که از حل کردن یک قاشق غذاخوری نمک (۱۵ میلی‌لیتر) در ۲۵ میلی‌لیتر آب به دست آمده است، استفاده کنید. پیشنهاد می‌شود، برای نت توضیحات، نمودارها و مشاهده‌های انجام شده، هنگامی که تخم مرغ در محلول هیپرتونیک و یا هیپوتونیک قرار می‌گیرد، از یک جدول استفاده کنید.

۲. هرگاه مقدار بیش‌تری از غشای تخم مرغی که در محلول هیپرتونیک گذاشته شده است، در معرض آب قرار گیرد، آیا باز هم متورم شدن تخم مرغ ادامه می‌یابد و می‌ترکد؟

آزمایش اصلی را تکرار کنید. این بار تمام نخم مرغ را، ۲۴ ساعت در سرکه سفید قرار دهید تا تمام پوسته خارجی آن در سرکه حل شود. حجم تخم مرغ را قبل از گذاشتن در سرکه و پیش از گذاشتن در آب اندازه بگیرید. بعد از گذاشتن تخم مرغ در آب، حجم آن را هفت بار در هفت روز اندازه بگیرید تا هنگامی که غشای ترکد. از این اندازه‌گیری‌ها می‌توانید برای تعیین تغییر اندازه سلول در اثر اسمز و ادامه ورود آب به درون آن، حتی در طول یک روز، استفاده کنید.



### آزمایش طراحی کنید

۱. تأثیر فشار تورمی در ستون‌های گیاهی چیست؟

فشار تورمی را در سلول‌های گیاهی، با قطع کردن چند شاخه از گیاهان مختلف، مثل گل‌ها، با گرفتن بشک دهند. شاخه‌ای را در یک لیوان حاکی و شاخه‌ای دیگر را در لیوانی که تا نیمه از آب مقطر پر شده است، بگذارید. لیوان‌ها را مدت ۲۴ ساعت در دمای اتاق قرار دهید. پس از گذشت این مدت، تغییرات ظاهری آن‌ها را بررسی و مشاهده کنید. عکس‌هایی از شاخه‌ها، قبل و بعد از آزمایش، برای نشان دادن تغییرات فشار نوزامس ناشی از کسب یا دفع آب از سلول‌ها، تهیه کنید.

۲. چگونه فشار تورمی بر حرکت گیاهان تأثیر می‌گذارد؟

حریان آب به درون گلبرگ‌های گیاه نیلوفر، فشاری تولید می‌کند که ست‌ها و گسترده شدن گلبرگ‌ها را می‌شود.

یک لیوان ۱۵۰ میلی‌لیتری از یک روزنه بریزید، دو انتهای نوار روزنه را به شکل گلبرگ در آورید. آن‌ها را به طرف مرکز لیوان نوا کنید، به طوری که به صورت قوس قرار گیرند. روزنه‌ها را تا شده را مطابق شکل در طرف ای قرار دهید. توجه کنید چه اتفاقی می‌افتد؟

۳. دما چه تأثیری در سرعت و میزان جذب آب توسط سلول‌ها دارد؟

در سه بشر به ترتیب، آب سرد، معمولی و گرم بریزید. در هر بشر مقداری کشمش و یک دماسنج بگذارید.

توجه: آب را داغ نکنید، چون سنت بازه شدن دیواره سلول‌های کشمش‌ها می‌شود.

با وزق‌الومیسی، بالای بشرها را بپوشانید. اندازه کشمش‌ها را، نازمنی که دمای آب در هر سه طرف یکسان شود، مشاهده کنید. برای تعیین تأثیر دما بر سرعت و میزان جذب آب توسط کشمش‌ها، از مشاهدات خود استفاده کنید.





نظم مرغوب از ۱ ساعت ماندن در سبزه سفید

گول پیکر با انتهای درختان کوچک تر، نتیجه فرایندهای تعرق، خاصیت لوله های موئین و چسبندگی و پیوستگی بین مولکول های آب است. درباره حرکت آب به طرف بالا که در برابر نیروی کشش جاذبه زمین انجام می گیرد، بیش تر تحقیق کنید.

۲. پاسخ های واقعی در جانوران، به ارتباط درونی نیاز دارد. در جانوران بزرگ تر، سیستم عصبی مسئول ارسال پیام هایی است که سبب حرکت ناشی از انقباض و انبساط ماهیچه ها می شود. گیاهان سیستم عصبی و سلول های ماهیچه ای ندارند بنابراین پاسخ های سریع، غالباً در بین گیاهان دیده نمی شود. با وجود این، برخی از گیاهان، مثل گیاه حساس، هنگامی که لمس شوند، پاسخ سریع می دهند. این پاسخ، هنگامی که تحریک از میان ساقه گیاه عبور کند، ظاهر می شود و در نتیجه، برگ ها به صورت حرکت موجی از انتها تا ابتدا تا می شوند.

درباره حرکت های سریع گیاهان تحقیق کنید. علت حرکت سریع برگ ها در گیاه حساس چیست؟ در گیاهان عصب وجود ندارد، اما هیچ جریان الکتریکی نیز در آن ها دیده نمی شود. آیا حرکت های گیاهان ناشی از حرکت های «گرایش» یا «تنجشی» است؟

زیر نویس :

۱. گرایش (تروپسم) و تنجش (ناستی)، از حرکت های موجود در گیاهانند. این حرکات، تحت تأثیر محرک های خارجی، مثل نور و ضربه، انجام می شوند. از انواع گرایش، «نورگرایی» و «زمین گرایی» گیاهان و از انواع تنجش، جمع شدن برگ های گیاه گل ایریشم و گل حساس را می توان نام برد که اولی در شب ها و دومی بر اثر ضربه، انجام می گیرد.

• کارشناس زیست شناسی و معاون دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی  
 ضمناً آزمایش نمایش فشار تورمی در سلول جانوری را خانم بریسا سندسی اجرا و آقای مهدی محسنی آهویی عکاسی کرده اند.

۴. غشای پلاسمایی سلول، تا زمانی که سلول زنده است، نیمه تراوا است، آیا هنگامی بافت های گیاهی کشته شوند، باز هم همین طور است؟

این موضوع را با استفاده از دو چغندر تازه نشان دهید، یکی از چغندر ها را رنده کنید و بچوشانید. دومی را در یک ظرف آب قرار دهید، چغندر تازه، حتی وقتی رنده شود، مایعات درونی خود را حفظ می کند، اما بیش تر مایع رنگی درون چغندر، به دلیل کشته شدن سلول ها در آب داغ، از آن خارج می شود.

### کسب واقعیت های جدید

۱. فشار اسمزی می تواند آب را کمی درون ساقه ها به جریان اندازد، اما هزاران کیلو آبی که به بالای درختان گول پیکری مثل سکویا می رسد، و حتی مقدار آبی که به گلبرگ های گیاه نیلوفر می رسد، به فشاری بیش از فشار اسمزی نیاز دارد. گیاهان آب را به درون خود نمی کشند و یا تلمه نمی کنند، اما آب، درون ساقه گیاهان به طرف بالا جریان می یابد. حرکت آب به طرف نوک درختان



نظم مرغوب از آب مطهر

آموزش زیست شناسی

# نامه‌ای از یک دانش‌آموز

چندی پیش، در گروه جغرافیای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف، نامه‌ای از یک دانش‌آموز سال سوم راهنمایی به دستم رسید. از بخش «جغای»، از نواح شهرستان سبزوار. در این نامه، حام سمانه خسرو شیری، از یکی از مدارس جغای، مطالبی را از کتاب جغرافیای استان خراسان که در سال دوم متوسطه این استان تدریس می‌شود، مطرح کرده بودند. و از ما خواسته بودند که در مورد وضعیت محل زندگی خود، از طریق کتاب جغرافیای استان خراسان، مطالبی در کتاب درسی بنویسیم. ولی من از ایشان خواستم، در مورد شهرستان خود، برای مجله رشد، راهنمایی اطلاعاتی بویسند و برای ما بفرستند. به هر حال، پس از مدتی این دانش‌آموز علاقه‌مند، مطالبی را در مورد محل زندگی خود برای ما ارسال کردند که ما نیز عیناً آن را برای شما نقل می‌کنیم. دبیران محترم توجه داشته باشند که یقیناً، در هر کلاسی تعدادی دانش‌آموز مانند «سمانه خسرو شیری» حضور دارند که می‌خواهند، پیرامون شهر و یا مکان زندگی خود برای کلاس و با ثبت در جایی، مطالبی را بیان کنند. این فرصت را برای آنها فراهم کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

جغای یکی از بخش‌های هفتگانه شهرستان سبزوار است که از شمال به شهرستان اسفراین، از غرب به شهرستان جاجرم و از جنوب به بخش داورزن و از جنوب غربی به شهرستان شاهرود و از شرق به بخش جوین محدود می‌شود. این شهر در عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۰ دقیقه و طول جغرافیایی ۵۷ درجه و ۴ دقیقه واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۰۰ متر و مساحت تقریبی آن ۲۳۲۵/۵ کیلومتر مربع است.

تاریخ جغتایی به دوران قبل از اسلام می‌رسد. در آن زمان نام جغتای «قارزی» بوده است و مردم آن زرتشتی بودند. ولی در سال ۲۹ هـ.ق، کاروانی از آن جا عبور کرد و اهل کاروان مردم جغتای را به دین اسلام دعوت کردند و مردم هم به دین اسلام گرویدند. زبان مردم جغتای ترکی است و تا این زمان هم در بین مردم رایج است. بخش جغتای آثار تاریخی بسیاری دارد. از جمله منار مسجد خسرو شیر، بقعه سلطان سیداحمد رضا علوی و... از مشاهیر بخش جغتای می‌توان از



عظاملک جوینی، شمس‌الدین محمد جوینی، احمد سبیلی جغتایی، و ابن‌بمین فرمود نام برد.

بخش جغتای در بین دو رشته کوه در شمال و جنوب قرار دارد. رشته کوه شمال به نام «هرده جوین» با ارتفاع ۱۳۵۳ متر و رشته جنوبی به نام کوه‌های جغتای با ارتفاع ۲۳۸۵ متر. جمعیت کل بخش جغتای ۴۵ هزار نفر است. جغتای در حدود ۵۰ روستا دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: خسرو شیر، دستوران، منیدر، ابوچناری، و... جغتای از نظر معادن بسیار غنی است. کوه‌های جغتای دارای معادن کرم است و حدوداً ۹۰ درصد کرم استان خراسان را تولید می‌کند. به خاطر فراوانی کرم در جغتای، دومین کارخانه فرکریم ایران در جغتای در دست ساخت است و در سال ۱۳۸۳ مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

جغتای مردمی چون گرم و مهبان نواز دارد و مهم‌ترین محصولات صادراتی آن گردو، بادام، خشکبار و هندوانه است. محصولات لبنی آن عبارتند از: ماست، کره، پنیر، و کمه.

\*\*\*

منابع:

همایشی که در جغتای برگزار شد و کتاب جغرافیای جغتای

سمانه خسرو شیری با همکاری حام طلفت جغتایی و با همکاری دوست عزیزم سیمه جاویدمهر

در وصف جغتای

خوشای شهر جغتای که در روی زمین

گر بهشت است همین است و گرنه خود نیست

روستای یگانه است و ز کوه استوار

ز شهیدان گلگون کفن

قنوات و چشمه‌ها و رودهایش

کرده سرسبز و خرم بوستانش

ذره ذره سنگ‌هایش

چو دری گرانقدرند

مردانی در خود پرورش داده

همانند عظاملک و هلالی

سمانه خسرو شیری

امروز  
دانش‌آموز  
است





انتشار ویژه نامه فلسطین را ما پیش از آن که آتش انتفاضه مسجدالاقصی (انتفاضه دوم) در چند ماه اخیر شعله ور شود و بار دیگر شورش مردم فلسطین بالا بگیرد، در برنامه سالانه مجله پیش بینی کرده بودیم؛ و حال که، انتشار آن با انتفاضه همزمان شده است، آن را فرصت مغتنمی می دانیم که سبب خواهد شد مخاطبان مجله به این موضوع جدی تر نگاه کنند و بیشتر بدان بیندیشند.

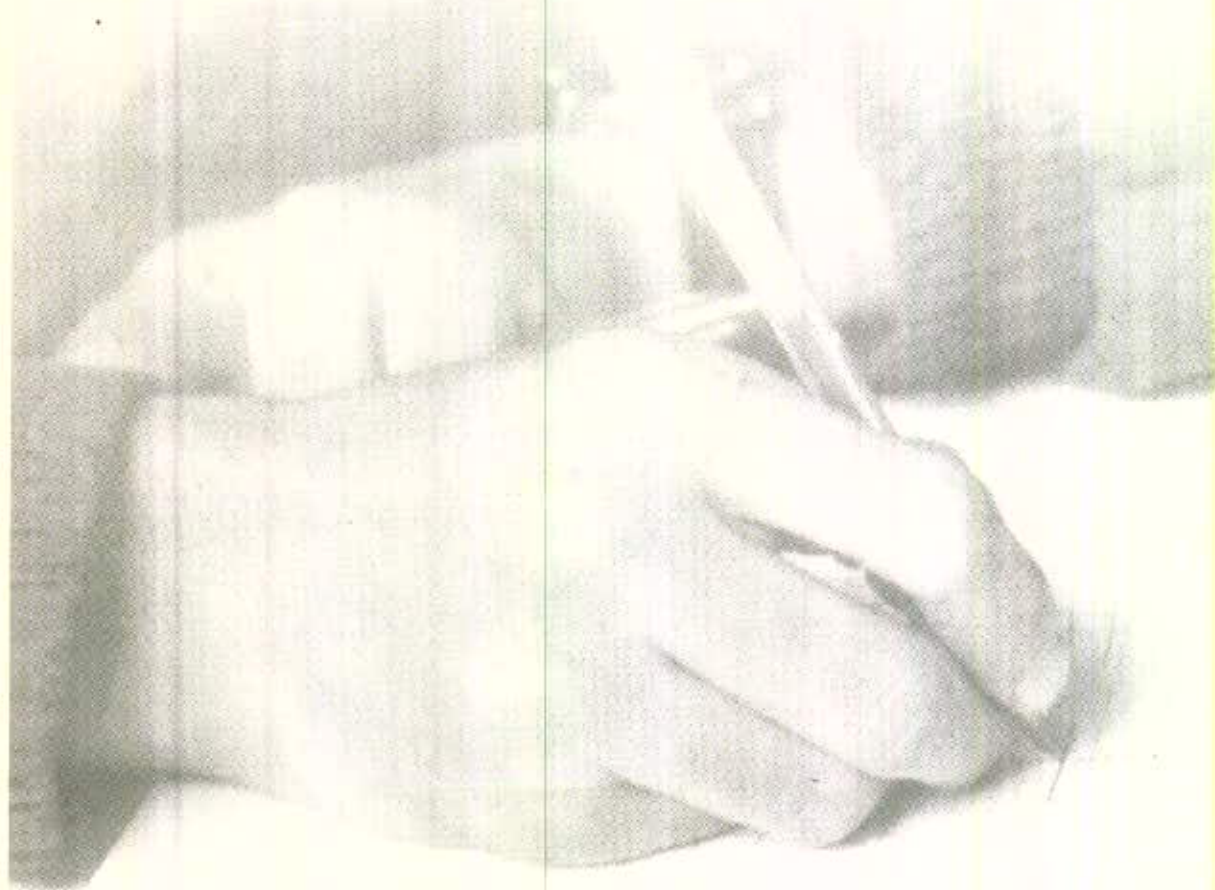
فصد ما از انتشار این ویژه نامه صرفاً سیاسی نیست بلکه بیشتر قصد آموزشی

داریم. مسئله فلسطین در چند دهه اخیر، بویژه پس از انقلاب اسلامی، از مسائل اساسی و استراتژیک ما بوده و با سرنوشت سیاسی - اجتماعی مردم و دولت ما پیوند داشته و حتی به کتاب های درسی راه یافته است؛ با این حال بسیاری از ما، حتی معلمان و صاحبان فکر و اندیشه، از چند و چون این قضیه کمتر اطلاع دارند و غالباً درست نمی دانند که این معضل بزرگ جهان، جهان اسلام، خاورمیانه و کشورهای عربی از ابتدا چه فراز و نشیب هایی را طی کرده تا به امروز رسیده است. یا نمی دانند که اصولاً مختصات تاریخی و جغرافیایی فلسطین چیست؟ کرانه باختری کجاست؟ نوار غزه چیست؟ چرا

مسئله فلسطین به مسائل لبنان گره خورده است؟ فلسطین را چگونه تقسیم کردند؟ شخصیت های مؤثر در این ماجرا چه کسانی بوده و هستند؟ سازمان های فلسطینی چه می کنند و ده ها سؤال دیگر از این قبیل؛ و روشن است که تا کسی در این مورد اطلاعات کافی نداشته باشد نخواهد توانست سلباً یا ایجاباً، این مسئله بزرگ تمامی قرن بیستم، و شاید قرن بیست و یکم را، درک کند و آن را جزء نگرش ها و بینش های خود قرار دهد.

بر این اساس، و بویژه در جهت پاسخ گویی به نیاز معلمان علاقمند به مسئله فلسطین، بویژه معلمان تاریخ، این ویژه نامه تهیه شد و امیدواریم در همین حد اندک مورد توجه خوانندگان عزیز قرار گیرد.

سردبیر



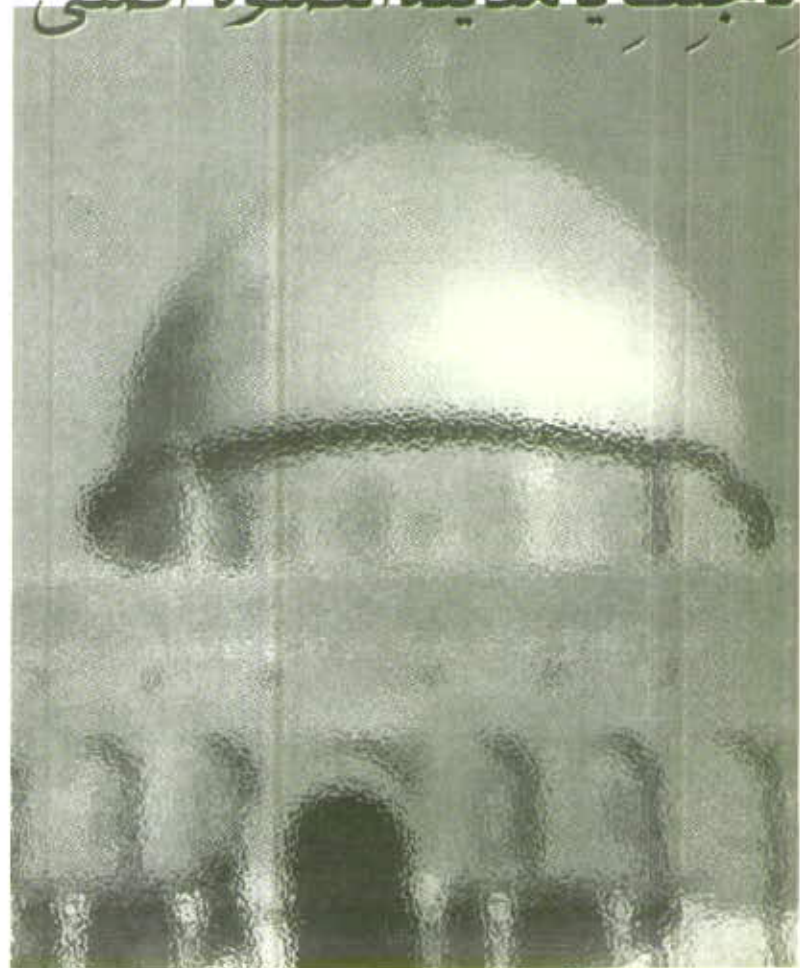
به خاطر تو ای شهر نماز، نماز می گزارم  
 به خاطر تو ای شهر نماز، نماز می گزارم  
 به خاطر تو، ای روشنایی منازل  
 ای گل شهرها  
 ای قدس، ای قدس، ای قدس  
 ای شهر نماز  
 نماز می گزارم  
 \*  
 نگاه ما هر روز به سوی تو پر می کشد  
 در رونق های معابد می گردد،  
 کلیساهای کهن را در آغوش می گیرد،  
 و اندوه از مساجد می زاید.

ای شب معراج  
 ای گذرگاه آبان که به آسمان رفتند  
 نگاه ما هر روز به سوی تو پر می کشد  
 و من نماز می گزارم  
 \*  
 آن کودک زاغه نشین و مادرش مریم  
 دو چهره گریبانند  
 می گریزند، می گریزند  
 به خاطر آنهایی که از وطن دفاع کردند  
 و بر دروازه شهر شهید شدند  
 صلح در سرزمین صلح به شهادت رسید  
 و عدالت بر دروازه ها به خاک افتاد

آنگاه که شهر قدس سقوط کرد  
 عشق از زمین رحمت برست  
 و جنگ در دل جهان آینه گریزد  
 \*  
 آن کودک زاغه نشین و مادرش مریم  
 دو چهره گریبانند  
 و من نماز می گزارم  
 \*  
 خشم خروشان می آید  
 خشم خروشان می آید  
 و من سزای ایمان دارم که  
 خشم خروشان می آید  
 اندوه را برپا خواهم گذاشت  
 خشم خروشان از هر طرف می آید  
 چون سپاهی هول انگیز می آید  
 و چونال نور خدا همگن می آید  
 می آید، می آید



# لِأَجْلِكَ يَا مَدِينَةَ الصَّلَاةِ أَصْلِي\*



دروازه شهرها هرگز قفل نخواهد شد  
 و من به نماز می روم  
 درها را خواهم کوبید  
 و آنها را خواهم کشتود  
 و تو ای رود آرین  
 چهره مرا با آب های مقدست خواهی شست  
 و تو ای رود آرین  
 آثار گامهای وختنشان را محو خواهی کرد  
 خشم خروشان می آید  
 خشم خروشان می آید  
 زور درهم خواهد شکست  
 خانه مال ماست  
 قدس از آن ماست  
 به دست خود روشنایی را به قدس باز خواهد گردانید  
 به دست ما صلح به قدس باز خواهد آمد  
 به دست ما صلح به قدس باز خواهد آمد  
 باز خواهد آمد  
 باز خواهد آمد  
 باز خواهد آمد

\* این شعر (سه بار) که شاعر آن را تعجب و استعجاب  
 بر روی این شعرهای سروده شده در «دستار سلطان سلیمان»  
 تا آنگاه که سقوط کرد، خواننده با لذت احاطه می کند و  
 احساس می کند که این شعرها را در این زمین و این  
 شده است. آنچه خواننده از این شعر است





# نامها و وقایع مبارک



بسم الله الرحمن الرحيم

من در طی سالهای دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت های اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی معبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.\*

\* پیام امام برای اعلام روز قدس، (تاریخ ۵۸/۵/۱۶، صحیفه، ج ۸، ص ۲۲۹).





# فلسطین از اعلامیه «بالفور» تا امروز

نوشته: سیمورس هشاریان

اشاره:

از تولد کشوری به نام «اسرائیل» در سرزمین «فلسطین»، حدود ۵۳ سال می‌گذرد. از ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ که به کمک قدرت‌های بزرگ جهانی، فلسطین به اسرائیل تبدیل شد و سیل آوارگان از این خطه اسلامی به سرزمین‌های مجاور سرازیر شد، منطقه خاورمیانه شاهد بروز حوادث تلخی بوده است. از آن زمان تاکنون بسیاری از مسائل بین‌المللی حل شده ولی مسأله فلسطین هنوز به عنوان بحث روز قابل طرح است.

می‌خواستند، با این تصرفات، اعزات را به مرگ بکشاند تا به تن ارضی شوند. دیگر از نبودن موجودیت اسرائیل سخن نگویند و هرگز درباره‌ی دریا ریختن صهیونیست‌ها، اشاره‌ای هم نداشته باشند.

رژیم «تل‌آویو»، آن قدر به قطع‌مه‌های شورائی امید در مورد تخلیه سرزمین‌های جدید اشغال‌شده‌ی تو جعی کرد که مصر و سوریه را دچار ساخت، در اکتبر ۱۹۷۳، برای بازپس گرفتن صحرائی سینا و منطقه جولان، تا اسرائیل نجات کند. کسک‌های بی‌حد نظامی آمریکا به اسرائیل، مصر و سوریه را مجبور به قبول آتش‌بس کرد. در این مرحله، اسرائیل به مقصود خود در میبده بود. مصر و سوریه دیگر از نبودن اسرائیل سخن نمی‌گفتند. بلکه صحرائی سینا و ارتفاعات جولان را طلب می‌کردند. در چنین شرایطی، آمریکا با تعجب استفاده

اسرائیل از این جهت خود را و از این معرکه کرد و قوای زرهی به ساحل شرقی کنال سوئز فرستاد که موضوع سرزمین‌های اشغالی در ۱۹۴۸، کاملاً به دست فراموشی سپرده شود و به‌طور کلی مسکوت نماید. همچنین، جنگ پنجم ژوئن ۱۹۶۷، از این رو شعله‌ور شد که صهیونیست‌ها مناطق جدیدی چون، ارتفاعات جولان، منطقه غربی رود اردن و صحرائی سینا را به اشغال خود در آورند و این سرزمین‌ها به منزله خط حائل بین اعزات و اسرائیل باشند.

از ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۳، رژیم اشغالگر قدس، چندین جنگ را بر اعزات تحمیل کرد تا موجودیت خود را تثبیت کند. جنگ ۱۹۴۸ برای این بود که: اولاً، اسرائیل در برابر اعزات از خود قدرت نشان دهد. ثانیاً، اعزات واقعاً تقسیم فلسطین در ۱۹۴۷ را فراموش کنند. در جریان ملی شدن «کنال سوئز»، جمال عبدالناصر با فرانسه و بریتانیا جنگ داشت، اما ژنرال موشه دایان، وزیر دفاع





کرد و بین انور سادات، رئیس جمهور مصر و بگین، نخست وزیر اسرائیل میانجی شد و طرفین در کمپ دیوید آشتی کردند. متعاقب آن، قرارداد صلحی بین مصر و اسرائیل منعقد شد.

به علت وابستگی پاره ای از گروه های چریکی به جناح های مارکسیستی جهاسی و کم رنگ شدن حیثیت مبارزاتی آن ها، مردم سرزمین های اشغالی نهضت های جدیدی چون انتفاضه و حماس را ایجاد کردند و سه مبارزات خود بر ضد اشغالگران، حتی به وسیله «فلما سنگ» (تیر کمان قله سنگی)، آن قدر ادامه دادند که اسرائیل مجبور شد، حکومت خودگردان فلسطین را در مناطق «غزه» و «اریحا» و بخش هایی از منطقه غربی رود اردن، به رسمیت بشناسد. کمپ دیوید دوم در اوایل سال ۲۰۰۰، بر سر پس دادن شرق «بیت المقدس» به عنوان پایتخت حکومت خودگردان به ریاست عرفات، به شکست انجامید. اکنون همه صهیونیست ها می خواهند که شهر قدس پایتخت صهیونیست ها باشد.

به انگیزه وجود چنین زخم کهنه ای در خاور میانه، وضعیت فلسطین را از اعلامیه بالفور تا کنفرانس های سازش در مادرید، اسلو و هریلند، مورد بررسی قرار می دهیم.

### بخش اول: فلسطین

از دکترین «تئودور هرسل» تا وعده «الفور» در سال ۱۸۹۶، یک یهودی مجاز ساکن

اتریش، به نام تئودور هرسل<sup>۱</sup> (۱۹۰۴-۱۸۶۰)، مسأله صهیونیسم را به صورت سیاسی مطرح کرد و در کتاب خود به نام «کشور یهود» چنین نوشت: «شهرت تاریخی ما ملت یهود، با وجود انحطاطی که پیدا کرده ایم، مهم تر از آن است که به دلخواه این و آن نابود شویم. مسأله یهود موضوعی است ملی و موقعی حل خواهد شد که در شمار مسائل سیاسی جهان درآید و دولت های بزرگ برای حل آن راه چاره ای بیندیشند.» با توجه به این نظریه بود که صهیونیسم وارد فرهنگ سیاسی جهان شد.

### صهیونیسم

«صهیونیسم» یعنی گرایش به این طرز فکر که کلیه یهودیان جهان، با توجه به خصوصیات ملی و مذهبی خویش، در اطراف کوهی به نام «سیون» (صهیون) واقع در «قدس» و به قول آن ها «اورشلیم»، اجتماع کنند و در سراسر فلسطین دولتی تشکیل دهند و حقوق ساکنان بومی و اولیه آن جا را از هر نظر نادیده انگارند. در این شیوه فکری، فقط یهودیانی که در اطراف کوه صیون و سراسر فلسطین اجتماع می کنند، حق حاکمیت دارند؛ نه اقوام بومی و مذاهب دیگر.

بروز و اشاعه این عقیده توسط تئودور هرسل باعث گردید که مهاجرت به سرزمین فلسطین آغاز شود. تئودور هرسل که واژه «صهیونیسم» را در فرهنگ سیاسی وارد کرد، در سال ۱۸۹۷ روزنامه ای به نام

دی ولت منتشر می کرد که در واقع ارگان رسمی و ناشر افکار صهیونیستی بود. در همین سال، نخستین کنگره صهیونیست ها در شهر «بال» واقع در سویس تشکیل شد. در این کنگره، از دولت عثمانی که حاکم بر تمام جزیره العرب و سرزمین فلسطین بود، درخواست گردید که برای اسکان یهود امتیازاتی قائل شود. در روزنامه دی ولت و کنگره های مختلف صهیونیست ها، این طرز تفکر رواج می دادند که مایهودیان، بندگان برگزیده خداوندیم و تاریخ قوم یهود از تاریخ بشریت جداست. افسانه سازی درباره «ارض موعود» و خیلی از مسائل دیگر، هسته تلخ میوه صهیونیسم را که نژادپرستی است، ترویج می داد.

بعد از کنگره بال، مهاجرت تدریجی به فلسطین آغاز شد. در سال ۱۹۰۳ که تزار روسیه دستور تعقیب فراماسونرهای یهودی را صادر کرد، مهاجرت به ارض موعود قوت گرفت. در ۱۶ مه ۱۹۱۶، قبل از آن که لرد بالفور بیاتیه خود را صادر کند، بین فرانسه و انگلستان بر سر تقسیم منطقه عربی خاور میانه قراردادی به نام سایکس-پیکو<sup>۲</sup> منعقد شد. به این ترتیب که سرمارک سایکس<sup>۳</sup> نماینده انگلستان یا ژرژ پیکو<sup>۴</sup>، نماینده فرانسه توافق کردند که بعد از اتمام جنگ جهانی اول، سوریه و لبنان سهم فرانسه و متقابلاً عراق، ماورای اردن و بنادر «حیفا» و «عکا» و بالاخره، «سرزمین فلسطین» به انگلستان واگذار شود.



لرد بالفور



لرد بالفور



تئودور هرسل

## بیانیه بالفور<sup>۱</sup>

در ۲ نوامبر ۱۹۱۷، وزیر خارجه انگلیس، لرد جیمز بالفور<sup>۲</sup> (۱۸۴۸-۱۹۳۰)، خطاب به لرد لیونل والنتر روجیلد<sup>۳</sup> (۱۸۴۸-۱۹۳۷)، نامه‌ای به این شرح نوشت که در واقع به مسئله تعیین فلسطین به عنوان سرزمین یهودیان بود.<sup>۴</sup>

لرد روجیلد عزیز

برای من مایه کمال خرسندی است که به نام دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان، پشتیبانی خود را از آرمان صهیونیست‌های یهودی که در جلسه هیئت دولت مورد تصویب قرار گرفته است، به شرح زیر به شما ابلاغ کنم:

دولت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا، به موضوع تأسیس میهن ملی یهودیان در فلسطین، با نظر مساعد می‌نگرد و برای رسیدن به این مقصود بیش‌ترین کوشش‌های خود را به کار خواهد برد. ولی واضح است که هیچ‌گونه اقدامی علیه حقوق مدنی و مذهبی مردم غیریهودی فلسطین نباید به عمل آید. البته بند دوم از بیانیه به مسئله وعده سرخ‌رمنی بود که هرگز عملی نشد؛ زیرا همان‌طور که می‌دانیم، صهیونیسم بر اساس نژادپرستی و تفوق‌سامی نژادان یهودی بر سایر ادیان است. اما به سیاستگری است که مفاد این اعلامیه را به اطلاع اتحادیه صهیونیست‌ها برسانید.

والنتر روجیلد که لرد بالفور، وزیر خارجه انگلستان درباره اسکان یهودیان در فلسطین، خطابه فوق‌رایه او نوشت، در حقیقت عامل سوق دادن دولت انگلیس به سمت پشتیبانی از صهیونیسم و یهودیان اروپای شرقی و غربی بود. اصولاً خانواده «روچیلد» گرداننده لژهای «فراماسوئری»<sup>۵</sup> در اروپا و باعث گسترش صهیونیسم شدند و از آن‌جا که از پشتیبانی مالی قوی برخوردار بودند، در کار خویش توفیق یافتند. خانواده روجیلد در شمار یهودیان ثروتمند انگلیسی و فرانسوی بودند که در کشورهای اروپای غربی، بویژه فرانسه و انگلستان، صاحب

بانک‌های عمده و قطب‌های اقتصادی مهم بودند. یکی از روچیلدها، به نام ادموند روجیلد<sup>۶</sup> (۱۹۳۴-۱۸۴۵)، با اختصاص مبلغ هفتاد میلیون فرانک طلا به کانون‌های صهیونیستی در اروپا، وسائل مهاجرت یهودیان و اسکان آن‌ها را، پس از جنگ جهانی اول، در سرزمین فلسطین فراهم ساخت.

این سرمایه‌گذاری‌ها به ایجاد شرکتی به نام «شرکت اسکان یهود» به منظور جذب کمک دیگر سرمایه‌داران اروپا و آمریکا منجر شد تا وسائل خرید زمین و مخارج اسکان یهودیان را در فلسطین فراهم نمایند. بانکداران خاندان روجیلد، بعد از اعلامیه بالفور، کمک‌های نقدی خود را در زمینه مهاجرت یهودیان افزایش دادند. علاوه، از ۱۹۱۷ تا ۱۹۶۷ نیز فرزندان ادموند روجیلد، کمک‌های مالی خود را به صهیونیست‌ها تا حدی افزایش دادند که در پایان جنگ ژوئن ۱۹۶۷، بانک سرادان روجیلد مبلغ چهارصد میلیون فرانک، به عنوان هدیه پیروزی، برای دولت اسرائیل فرستاد.

## بخش دوم:

### نقش سران عرب در تشکیل دولت اسرائیل

در سال ۱۹۱۶، سرهنگ لورنس<sup>۷</sup> که نام اصلی اش توماس ادوارد لارنس<sup>۸</sup> بود و از جاسوسان انگلیسی محسوب می‌شد و در «حجاز» به لورنس عربستان شهرت یافت، وظیفه اصلی خود را که شورانیدن اعراب علیه سلطه عثمانی بود، آغاز کرد. او برای رسیدن به این هدف، شریف حسین، جد خاندان سلطنتی اردن و عراق را که در آن زمان شریف مکه نیز محسوب می‌شد، واداشت که با سرهنری مک ماهون<sup>۹</sup> کمیسر عالی بریتانیا در قاهره مکاتبه کند و متعهد شود که علیه عثمانی‌ها قیام کند. دولت انگلستان در عوض، حکومت منطقه «هلال حاصل‌خیز» (هلال الخصیب)<sup>۱۰</sup> را که مرکب از سرزمین‌های عراق، سوریه، لبنان، اردن و

فلسطین است و روی هم «سوریه کبیر» نام خواهد گرفت، بین فرزندان او، یعنی «عبدالله» و «فیصل» تقسیم خواهد کرد و این مشروط به آن باشد که شریف حسین از ورود یهودیان مهاجر به خاک فلسطین ممانعت نکند.

پس از پایان جنگ جهانی اول و بیرون راندن عثمانی از بلاد عربی، کشورهای ایران، فرانسه و انگلستان طبق قراردادهای سری و علنی که با یک‌دیگر امضا کرده بودند، سرزمین‌های عرب را بین خود تقسیم کردند؛ ولی شریف حسین و فرزندان او این موضوع بی‌اطلاع بودند. در سال ۱۹۱۶، یعنی همان‌سال که انقلاب عربی علیه عثمانی آغاز شد، ژنرال نوری سعید که ابتدا در ارتش ترکیه خدمت می‌کرد و سپس به سازمان جاسوسی بریتانیا وابسته شد و در هندوستان انجام وظیفه می‌کرد، با عجله خود را به حجاز رساند و ضمن تماس با سرهنگ لورنس و شریف حسین، گفت‌وگوهای با فیصل، فرزند شریف حسین انجام داد. چون نوری سعید در بغداد به دنیا آمده بود، به فیصل پیشنهاد کرد که علیه عثمانی قیام کند تا پادشاهی سوریه و یا عراق را از حاکم انگلیسی‌ها، برای خود تضمین کند. فیصل به قول نوری سعید اعتماد کرد و نامبروهایش با نر که‌ها جنگید.

در سال ۱۹۱۹، نوری سعید، امیر فیصل، فرزند شریف حسین را با خود به کنفرانس صلح ورسای برد و در حاشیه این گردهمایی او را واداشت که در ۳ ژانویه ۱۹۱۹ با جیم وایزمن<sup>۱۱</sup> قراردادی را به امضا برساند. طبق این قرارداد، سلطنت او بر عراق مشروط بر آن بود که فیصل همه امکانات لازم برای مهاجرت یهودیان را به فلسطین فراهم آورد. از این جهت بود که امیر فیصل، به نام ملک فیصل اول، در ۲۳ اوت ۱۹۲۱ رسماً پادشاه عراق شد و نوری سعید از آن زمان تا سال ۱۹۵۸ که رژیم پادشاهی توسط کودتای ژنرال قاسم سرنگون گردید، یعنی در مدت





۳۷ سال، چهارده بار نخست وزیر و وزیر دفاع عراق شد.

برادر دیگر فیصل، یعنی امیر عبدالله نیز با سپردن چنین تعهداتی، در ۲۷ مارس ۱۹۲۱ تحت نظر بریتانیا به امارت اردن رسید و قیمومیت انگلستان را بر فلسطین پذیرفت. بی جهت نبود که بعد از قتل نوری سعید و خاندان سلطنتی عراق در جریان کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸، عصمت اینونو، سیاستمدار ترک، ضمن مصاحبه ای گفت: «دور از انصاف است که اعراب ترک ها را متهم کنند که در ایجاد کشور اسرائیل به انگلستان کمک کرده اند. این رهبران عرب، مانند نوری سعید، ملک عبدالله، فیصل اول و سایر زمامداران عرب بودند که در پایه ریزی رژیم صهیونیستی مستقیماً دست داشتند و در این زمینه، به انگلستان تعهداتی سپردند. نوری سعید که بیش از همه به انگلستان خدمت کرده بود، با چنین سرنوشتی رویه رو شد که جسدش را مثله کردند و تکه های آن را با اتومبیل روی زمین ها کشاندند.»

### بخش سوم:

### زمینه سازی برای اسکان یهودیان در فلسطین

در همان سالی که بالفور اعلامیه معروف خود را منتشر کرد، دکتر حیم وایزمن، رئیس کارگزاری یهود که ضمناً استاد «دانشگاه منچستر» بود، در لندن با بالفور و لوید جرج، وزیر خارجه و نخست وزیر بریتانیا، در جهت

جلب نظر سرمایه داران یهودی آمریکا مذاکره کرد، به اتفاق آن ها، به ایالات متحده رفت و با براندیس، مشاور ویلسون، ریاست جمهوری ایالات متحده ملاقات کرد. در آن جا با رؤسای جوامع یهودی آمریکا برای سرعت بخشیدن به مهاجرت یهودیان به فلسطین تماس گرفت و پس از اطمینان از همکاری دولت ایالات متحده، به انگلستان برگشت. سپس، به بهانه زیارت اماکن مقدسه یهودیان، وارد فلسطین شد و اولین سنگ بنای دانشگاه «عبری» را در «قدس» که صهیونیست ها به آن اورشلیم می گویند، بر زمین نهاد.

در سال ۱۹۱۸، در دست یک سال بعد از اعلامیه بالفور، آمار رسمی که کارگزاری یهود از جمعیت فلسطین گرفت، نشان داد که رقم یهودیان بومی در این سرزمین در برابر اعراب مسلمان و مسیحی بسیار ناچیز است؛ با این حال مسلمانان و مسیحیان با یهودیان همزیستی مسالمت آمیز دارند. بعد از قرارداد سان رمو<sup>۱</sup> که در ۲۴ آوریل ۱۹۲۰ بین فرانسه و انگلستان بسته شد، بر اجرای قرارداد «سایکس - پیکو» تأکید شد و فلسطین رسماً از جانب جامعه ملل تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. برای آن که آمار ساکنان یهودی در برابر مسلمانان و مسیحیان بومی ناچیز جلوه نکند، دولت انگلستان یک یهودی صهیونیست به نام سر هربرت ساموئل<sup>۲</sup> (۱۸۷۰ - ۱۹۶۳) را به عنوان اولین کمیسر عالی فلسطین تعیین کرد و درهای

کشور را به روی مهاجران یهودی از لهستان، روسیه و آمریکا گشود. تحت حمایت «هربرت ساموئل» بود که «کارگزاری یهود»، یعنی هسته اصلی تشکیل دولت اسرائیل، تحت ریاست وایزمن، در فلسطین اعلام موجودیت کرد.

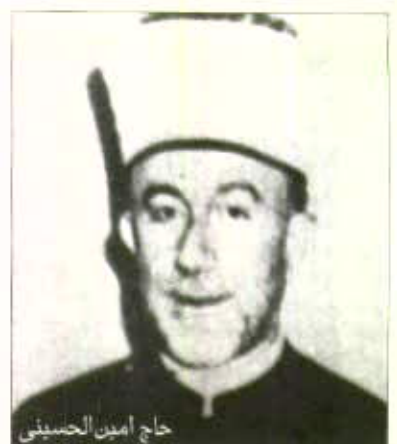
در ابتدای تصدی هربرت ساموئل، آخرین آمار نشان می داد که جمعیت یهود نسبت به اعراب ساکن در فلسطین ۸ درصد است. یهودیان فقط مالک ۲/۵ درصد از اراضی فلسطین بودند. به عبارت دیگر، ۹۲ درصد از مردم فلسطین عرب و صاحب ۹۷/۵ درصد از این سرزمین بودند. در آن برهه زمانی، کل یهودیان ساکن در این منطقه ۵۶ هزار نفر بودند. از آن به بعد، با سرعت بخشیدن به مهاجرت صهیونیست ها به فلسطین، کل جمعیت یهودیان تا ۱۹۴۷ به هفتصد هزار نفر رسید. سازمان های صهیونیستی جهانی از مکانیزم های ضد انسانی برای اشغال کل سرزمین فلسطین استفاده نمودند. بدین ترتیب که به کمک «هاگانا» (ارتش سری یهود) و «آرگون» (سازمان تروریستی یهود)، به روستاهای مسلمان نشین هجوم می آوردند، دست به قتل عام ساکنان آن ها می زدند و زمین های آن ها را تصرف می کردند. پس از آن که صهیونیست ها با قصد تصرف تمام سرزمین فلسطین از نقاط مختلف دنیا به این خطه مهاجرت کردند و با اعمال تروریستی کوشیدند که آمار جمعیت خود را بالا ببرند و



بگت



عزالدین قسام



حاج امین الحسینی

اعراب را در اقلیت قرار دهند. قیام‌های مردمی آغاز شد و کسانی چون عبدالقادر حسینی، حسن سلامه و بالاخره، شیخ عزالدین قسام به فعالیت‌های مسلحانه علیه نفوذ صهیونیست‌ها در سرزمین خود دست زدند. عزالدین قسام، حبش مسلحانه خود را از شهر اجدفا آغاز کرد و عده زیادی از انگلیسی‌ها را شورشور کرد. در ۱۹ نوامبر ۱۹۳۵، عزالدین قسام به اتفاق یاران خود طی بمباران هوایی بریتانیا به شهادت رسیدند.

پس از شروع جنگ جهانی دوم در ۱۹۳۹، سران صهیونیست در آمریکا دولت را مجبور کردند که مسائل اسکان یهودیان اروپا را در فلسطین فراهم کند. در این سال، دیوید بن گوریون، رئیس کارگزاری یهود که در فلسطین مستقر شده بود، اعلام کرد که سران فلسطین باید به یک کشور یهودی تبدیل شود. در ۳۱ اوت ۱۹۴۵، «ترومن»، رئیس جمهور آمریکا از دولت بریتانیا خواست که وسائل مهاجرت یک صد هزار یهودی را از سراسر دنیا به فلسطین فراهم آورد. از آن جا که دولت انگلستان قصد داشت که قبل از به پایان رسیدن دوران قیمومیت آن کشور بر فلسطین، نظام صهیونیستی را در آن جا مستقر سازد، لذا قبل از تقسیم فلسطین، ارتش بریتانیا که در این سرزمین مقیم بود، کتبه سلاح‌ها و مهمات خود را در اختیار «آرگون» (سازمان سرورستی یهود) و «هاگانا» (ارتش سری یهود) قرار داد. این سازمان‌ها، با تجهیز شدن به سلاح‌های پیش‌تر، تجاوز به روستاهای عرب نشین را از سر گرفتند. در یکی از همین هجوم‌ها بود که دهکده دیر یاسین با تمام جمعیت، به وسیله یگین نابود شد. ولی حاج امین الحسینی که مفتی اعظم فلسطین بود، برای حفظ جان خود احتیاط را از دست نمی‌داد. اگر او نیز مانند عزالدین قسام دست به مبارزه می‌زد، شاید می‌توانست از آدم‌کشی‌های صهیونیست‌ها

جلوگیری کند، اما چنین نکرد.

### بخش چهارم: از اولین جنگ

#### اعراب و صهیونیست‌ها تا جنگ اکتبر

در مقابل فجایعی که در روستاهای غرب نشین فلسطین توسط صهیونیست‌ها به وقوع می‌پیوست، اعراب از خود واکنش نشان می‌دادند و به یهودیان حمله می‌کردند. دولت بریتانیا، در ظاهر برای پایان دادن به کشتار در فلسطین و در باطن برای تشکیل دولت اسرائیل، مسأله فلسطین را در نوامبر ۱۹۴۷ به سازمان ملل متحد ارجاع داد. در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، این قدرت‌های عضو شورای امنیت به تقسیم فلسطین رأی دادند؛ به این ترتیب که منطقه اشغالی اسرائیل در حدود ۲۰۶۷۳ کیلومتر مربع، یعنی در حدود ۷۸ درصد از خاک فلسطین بود. کرانه عربی روز اردن، شامل شهرهای جنین، نونکره، نابلس، قفلیبا، رام‌الله، بیت لحم و الخلیل سهم اردن شد، ولی بخش عربی بیت المقدس به صهیونیست‌ها تعلق گرفت. نواز غزه نیز سهم ملک فاروقی، پادشاه مصر شد. پس از این تقسیم بود که ملت‌های عرب خواهان جنگ با دولت جدید، اسرائیلی شدند.

در ۲۹ نوامبر، یعنی روزی که شورای امنیت رأی به تقسیم فلسطین داد، ۷۵ هزار نفر فلسطینی از سرزمین خود آواره شدند و در کشورهای سوریه، اردن، لبنان و یاریکه غزه در چادرهایی اسکان داده شدند. در حالی که میلی‌آوارگان، کشورهای عربی را در سختی معیشت قرار داده بود، دولت‌های عضو شورای امنیت رژیم جدیدالولاده اسرائیل را به رسمیت شناختند و بدین گونه وعده بالغور تحقق یافت. تحت فشار امت عربی بود که پاره‌ای از سران عرب خود را در ظاهر آماده جنگ کردند. در جبهه شرقی، فرماندهی ارتش اردن که در اصطلاح به آن «ژبوان عرب» می‌گفتند، به عهده سرهنگ سر جان باگوت گلوب<sup>۱</sup>، معروف به گلوب پاشا، افسر انگلیسی بود و

او کاری کرد که ارتش‌های عربی در این جبهه شکست خوردند. در این جبهه سرانازان عراقی نیز می‌جنگیدند. مصححک است که در آن زمان، افرادی چون نوری سعید و عبدالاله در عراق، سرسبز در بریتانیا بودند و فرستادن چند واحد نظامی به جبهه فلسطین، همه عادی داشت. در جبهه غربی نیز وضعیت بهتری حاکم بود. فاروقی، سرسبز ده‌دیگر انگلستان، بر مصر حکومت می‌کرد. با این اوصاف، تنها جنگ معلوم است. شکست اعراب و قبول ارتش‌ها در ژوئیه ۱۹۴۸، مذاکرات صلح در حریره<sup>۲</sup> و دوم<sup>۳</sup> در میان ۱۹۴۹، و سرخوردگی اعراب بر اثر ضعف و وابستگی رژیم‌های حاکم بر این کشورها.

#### تجاوز ۱۹۵۷ به مصر

در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۶ که جمال عبدالناصر کمال سوئی را ملی اعلام کرد و دست‌فراسه و انگلستان را از آن کتفه نمود، دولت‌های فرانسه و انگلستان در صدد حمله به مصر برآمدند و برای این اقدام تسال سفارتخانه‌ای بودند. گیموله، نخست‌وزیر فرانسه و ایلن، نخست‌وزیر بریتانیا، از سن گوزیوئل، نخست‌وزیر اسرائیل خواستند که از طریق «استان قوای خود را به داخل کانال سوئز برساند تا آن‌ها بتوانند با آمادگی خاطر از طریق اسکندریه» و «پرت سعید» به مصر حمله کنند و منطقه کانال را به اشغال خود درآورند. ژنرال موشه دایان، وزیر دفاع و فرمانده ارتش صهیونیستی، از ۲۱ اکتبر



ناصر





۱۹۵۶ پیشروی در صحرای سینا را آغاز کرد و پس از اشغال باریکه غزه، قوای خود را به ساحل شرقی کانال سوئز رساند.

در ۴ نوامبر ۱۹۵۶، دولت های انگلستان و فرانسه به بهانه برقراری نظم در منطقه کانال، در پرت سعید قوای هواپرد پیاده کردند. اما اولتیماتوم دولت شوروی به فرانسه و انگلستان و اسرائیل در اواخر نوامبر همان سال باعث شد که هر سه کشور قوای خود را از مصر خارج کنند. این واقعه، اولین پیروزی برای اعراب محسوب می شد.

### تشکیل سازمان های مقاومت فلسطین

از سال ۱۹۵۶ به بعد، دولت اردن تصمیم گرفت که آب رود اردن را به جای آن که به «بحر الميت» می ریزد، به داخل کشور اردن بکشد و این کار انجام نمی شد، مگر با تغییر مسیر این رود. دولت اسرائیل نیز می خواست که به کرانه غربی رود اردن حمله کند و ضمن از بین بردن اردوگاه های آوارگان فلسطین، به نهر اردن دست یابد. به این دلیل، گه گاه حملات مرزی از داخل اسرائیل به مرزهای منطقه غربی صورت می گرفت. دولت های عرب در برابر این گونه تجاوزات، عکس العمل شدید نشان نمی دادند و حتی باره ای از آن ها به این امر راضی بودند که آوارگان فلسطینی از بین بروند تا بار تکفل آن ها کاهش یابد. این امر در لبنان بیش تر مشاهده می شد، زیرا اسکان سرمایه داران کاباره دار که جناح حاکم را در

لبنان تشکیل می دادند، راضی به اسکان آوارگان فلسطینی در کشورشان نبودند و وجود فلسطینی ها را باعث از بین رفتن امنیت اقتصادی خود می دانستند. از این جهت، فلسطینی ها در فکر ایجاد سازمان هایی برآمدند تا رأساً مدافع حقوق از دست رفته خود باشند.

در راستای چنین سیاستی، در سال ۱۹۶۵ «سازمان آزادی بخش فلسطین»<sup>۱</sup>، به ریاست احمد شوقیری<sup>۲</sup> تشکیل گردید. این سازمان توانست در درون سرزمین های اشغالی از طریق پایگاه هایی که در سوریه و منطقه غربی رود اردن در داخل اردوگاه های فلسطینی داشت، عملیاتی انجام دهد. استمرار این گونه عملیات باعث شعله ور شدن جنگ ژوئن ۱۹۶۷ شد، زیرا مصر به بهانه دفاع از سوریه و اردن به ارتش خود آماده باش جنگی داده بود. سازمان آزادی بخش فلسطین در ابتدا، جنگ رهایی بخش خود را چنان آغاز کرد که اسرائیل را از درون و برون لای منگنه فرار داد. این عمل وقتی کاملاً به تحقق می رسید که کشورهای عربی، در برابر جنگاوران فلسطینی، همان نقشی را ایفا می کردند که ویتنام شمالی برای رزمندگان ویتنام جنوبی. چرا چنین نشد؟ پاسخ این سؤال را یک دانشجوی مصری در جواب یک خبرنگار آمریکایی در کالیفرنیا چنین داد: تل آویو، سایگون هست، ولی دروغا که قاهره، دمشق و بغداد، هانوی نیستند. [این مصاحبه بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ انجام شده است.]

احمد شوقیری خیلی زود جای خود را به یاسر عرفات<sup>۳</sup> (ابوعمار) داد.

یاسر عرفات، در سال ۱۹۶۸، توانست در شورای مرکزی نهضت مقاومت فلسطین احمد شوقیری را کنار زند و خود ریاست این سازمان را بر عهده بگیرد. عرفات که قبلاً سازمان الفتح را ایجاد کرده بود، در رأس سازمان آزادی بخش فلسطین قرار گرفت و بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷، اولین عملیات را در منطقه کرامه بر ضد اسرائیل رهبری

کرد. در سال ۱۹۶۷، اسرائیل ضمن تصرف بخش غربی رود اردن، از نواح جولان، منطقه سینا، باریکه غزه و شرق بیت المقدس، منطقه کرامه را نیز در چند مایلی رود اردن در شمال پل «آلن بی» اشغال کرده بود.

در اوایل آوریل ۱۹۶۸، یک اتوبوس اسرائیلی در صحرای «نقو»<sup>۴</sup> (نقب) منفجر شد. ارتش اسرائیل رد پای این حادثه را در منطقه کرامه تعقیب کرد و در ۲۱ مارس ۱۹۶۸، نظامیان اسرائیلی در منطقه کرامه پیاده شدند و با فلسطینی ها درآویختند. در این معرکه ۲۴ ساعته، ۴۵۰ جنگاور فلسطینی در برابر یک لشکر کامل زرهی اسرائیل به ظرفیت ۱۲ هزار نفر ایستادگی کردند و آن ها را بسختی شکست دادند و با فرود آوردن تلفات سنگین، واپس راندند. ضربت چنان تند و چالاک بود که اسرائیلیان پشت سر خود راهم نگاه نکردند. این تنها نبردی بود که ارتش اسرائیل کشتگان خود را از آوردگاه گردآوری نکرد و فرار را بر قرار ترجیح داد. پیروزی مذکور به این دلیل به دست آمد که سیزده گروه کماندویی با یک دیگر متحد بودند. در بطن سازمان الفتح، گروه «العاصفه» (طوفان) وجود داشت که به منزله ارتش نیروی الفتح محسوب می شد و ریاست آن با خلیل الوزیر، ملقب به ابوجهاد بود که در اواخر آوریل ۱۹۸۸، در تونس توسط تروریست های اسرائیل به قتل رسید.



## جبهه خلق برای آزادی فلسطین<sup>۲۵</sup>

این سازمان به ریاست جرج حبیش، در سال ۱۹۶۷ تشکیل شد. حبیش ابتدا جزو PLO و از همکاران عرفات بود ولی به سبب داشتن خط مشی مارکسیستی لیبرالی راه خود را جدا کرد. معاونت این سازمان با



جرج حبیش

بسام ابو شریف بود.

## جبهه خلق برای آزادی فلسطین، فرماندهی کل<sup>۲۶</sup>

به فرماندهی احمد حر تیل که از مبارزان جبهه خلق برای آزادی فلسطین اشعاب کرده است و از ایدئولوژی چپ پیروی می کند، این سازمان در سال ۱۹۶۹ به وجود آمد.

## الصاعقه<sup>۲۷</sup>

این سازمان، در سال ۱۹۶۷ به رهبری



این نمبر به یادبود قتل عام دهکده دیر یاسین

۱۹۶۸ منتشر شد.

زهیر محسن به وجود آمد و به صورت یک واحد ارتشی پیش قراول عمل می کرد و از ضد اطلاعات ارتش سوریه دستور می گرفت.

## جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین<sup>۲۸</sup>

به رهبری نایف حواتمه. این سازمان



نایف حواتمه

چپگراست و از تشکیلات جرج حبیش جدا شده است.

## جبهه مبارز خلق<sup>۲۹</sup>

به رهبری سیمر عوشه<sup>۳۰</sup> در سال ۱۹۶۷ تأسیس شد.

این سازمان ها به اتفاق جبهه آزادی بخش فلسطین به رهبری طلعت یعقوب، شورای انقلابی الفتح به رهبری ابو موسی، جبهه آزادی بخش فلسطین شایحه ابو العباس، و سه اتحادیه دیگر، جمعاً سیزده سازمان و گروه سیاسی نظامی را تشکیل می دادند. یکی از دلایل این که با سر عرفات، با داشتن حفظ مشی چریکی و مبارزاتی، به گفت و گوهایی مبارز کشانده شد، آن بود که بخش اعظم سازمان آزادی بخش فلسطین را گروه های چپ مارکسیستی تشکیل می دادند و در زمان قدرت شوروی سابق، خود را فدای بده و بیستان های سیاسی بین شرقی و غرب می کردند. از آن جا که شوروی و کوبا و سایر کشورهای سوسیالیستی آن ها را از نظر بودجه و اسلحه تغذیه می کردند، گه گاه به فعالیت هایی دست می زدند که مورد نظر مسکو با پکن بود و حبشی به ضرر مردم

فلسطین تمام می شد.

## جنگ ۷ روزه<sup>۳۱</sup>

از اوایل سال ۱۹۶۷، چلیدن سار هوایمهای اسرائیلی برای کوبیدن مواضع چریک های فلسطینی در سوریه و بخش عربی رود اردن، به فضای این دو کشور تجاوز کردند. اسرائیل به بخش غربی رود اردن چشم دوخته بود. زیرا:

اولاً، به آب رود اردن احتیاج داشت. ثانیاً، با تسخیر این منطقه می توانست پایگاه های چریک های فلسطینی را نابود کند.

جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر، در اواخر ماه مه ۱۹۶۷، کلبه قوای موشک انداز و زرهی خود را به قصد حمله به اسرائیل وارد صحرای سینا کرد. در بمبادا ۵ ژوئن (خامس من حیران)، اسرائیل به کمک ناوگان ششم آمریکا در مدیترانه پیشدستی کرد و در ارتفاع سینا پیس، به وسیله هوایمهای مبارز که از سطح مدیترانه پرواز می داد، در ساعت ۱۶ بمباران همه فرودگاه های مصر را در حالی بمباران کرد که هوایمهای مصری روی باند فرودگاه آماده پرواز بر فراز خاک اسرائیل بودند. همین استراتژی را در مورد سوریه و اردن نیز به کار برد و در همان ساعت، هوایمهای اردن و سوریه را در باند فرودگاه نابود کرد. اعراب، در ۱۱ ژوئن، به آتش بس سنگینی تن دادند. بویژه مصر که همه نیروهای مکانیزه اش در صحرای سینا بدون پوشش هوایی ماند و بدون آن که تواند عملیاتی انجام دهد، به دست اسرائیلی ها افتاد. این بار اسرائیل ارتفاعات جولان مشرف بر دمشق، ناحیه غربی رود اردن و صحرای سینا را ناسا ساحل شرقی کانال سوئز تسخیر کرد. شورای امنیت، به اشاره از قدرت ها وارد صحنه شد و در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷، قطعنامه ۲۴۲ خود را صادر کرد. این قطعنامه به طرفین توصیه می کرد که آتش بس را رعایت کنند و نیروهای خود را به پشت مرزهای قبل





از جنگ ژوئن بازگردانند، به حاکمیت یک دیگر احترام بگذارند و ضمناً، آزادی کشتیرانی در همه آب‌های منطقه مراعات شود. بیچاره آوارگان فلسطینی که از کرانه غربی رود اردن رانده شده بودند، بخشی از آنان به خاک اصلی اردن و بخش دیگر روانه لبنان شدند در حالی که در لبنان، فالانژیست‌ها برای آن‌ها دندان تیز کرده بودند و در شهرهای اردن نیز، ارتش اردوگاه‌های آن‌ها را در محاصره گرفته بود. قطعنامه ۲۴۲ اجرا نشد، زیرا قوای متجاوز همچنان در مواضع خود مانده بود. دکتر گونار یارینگ<sup>۳۱</sup>، سفیر سوئد در مسکو، از جانب دبیرکل مأمور شد تا در مصر و اسرائیل طرفین را به اجرای مقررات قطعنامه ۲۴۲ راضی کند، ولی موفق نشد. دو طرف آلوده جنگ فرسایشی در منطقه کانال سوئز شدند. مصر که از جنگ برق‌آسای ژوئن ۱۹۶۷ رسته بود، دچار جنگ فرسایشی شد. بخش غربی کانال سوئز مدام بمباران می‌شد. ناصر به شوروی رفت، اما دست خالی بازگشت؛ گویی که شوروی و ایالات متحده با یک دیگر ساخته بودند تا جمال عبدالناصر، دوست چوئن لای (نخست‌وزیر چین) را در قاهره دق مرگ کنند. ناگهان ویلیام راجرز،

وزیر خارجه آمریکا، در ژوئن ۱۹۷۰ به خاورمیانه آمد و طرح صلح گام‌به‌گام را به ناصر ارائه داد و او نیز از ناچاری پذیرفت. این پذیرش به ملک حسین چراغ سبزی داد تا با فلسطینی‌های مسلح که در امان، جرش، زرقاء، اجلون و سایر شهرهای اردن زندگی می‌کردند، هرگونه که می‌خواهد، رفتار کند. در اوایل سپتامبر، ملک حسین با عرفات و چریک‌هایش اتمام حجت کرد که یا اسلحه خود را تحویل دهند، یا از اردن خارج شوند.

چریک‌های فلسطینی ناچار به عکس‌العمل شدیدی دست زدند. در ۷ سپتامبر ۱۹۷۰، بسام ابوشریف، معاون جرج حبش، به همراه چریک‌هایش، پنج قروند هواپیمای جموجت مسافربری متعلق به کشورهای آمریکا، اسرائیل، سوئیس و انگلیس را ربودند و در بیابانی در دشت زرقاء، در بیابان‌های اردن به زمین نشانند و پس از پیاده کردن مسافران، همه هواپیماها را منفجر کردند. در ۹ سپتامبر ۱۹۷۰، ملک حسین کابینه جدیدی به ریاست وصفی التل روی کار آورد و به کمک ژنرال زیدبن شاکر و ژنرال جالس المجالی، در مدت ۶ روز، ۲۰ هزار چریک فلسطینی را به قتل رساند. این بار چریک‌ها و آوارگان

فلسطینی، به علت بی‌خانمانی راهی جنوب لبنان شدند؛ ولی برادرکشی در امان همچنان ادامه داشت. جمال عبدالناصر دچار دردسر جدیدی شد که به مرگ او منجر شد. ناصر برای جلوگیری از گسترش این بحران، ضمن دعوت از ملک حسین و عرفات جهت شرکت در گفت‌وگوهای آشتی در قاهره، از سران عرب نیز دعوت کرد که خود را با عجله به قاهره برسانند. در ۲۶ و ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۰، ناصر در حضور سران عرب با حسین و عرفات بسیار چانه‌زده و در شامگاه ۲۸ سپتامبر، وقتی که از آشتی عرفات و حسین فراغت حاصل نمود، سکنه قلیی او را در ربود. چریک‌های فلسطینی و مردم مصر در مرگ ناصر به سوگ نشستند. ابوخالده (عبدالناصر) در گذشت، در حالی که همه فریاد می‌زدند «لایموت ابداً عبدالناصر» (عبدالناصر هرگز نمی‌میرد).

### جنگ رمضان و گرایش به سازش

در تشییع جنازه ناصر، الیوت ریچاردسون، نماینده آمریکا شرکت کرد. سادات که جانشین ناصر شده بود، وارث مصیبت‌هایی بود که قابل جبران نبود. او ضمن مصاحبه‌ای گفت که اسرائیل و آمریکا موقعیتی ایجاد کرده‌اند که به مصر فشار آید و تسلیم شود. سادات می‌خواست به هر قیمت که شده، صحرای سینا را پس بگیرد. او با حافظ اسد تماس گرفت و مقرر شد که دو کشور، برای پس گرفتن سرزمین‌های خود، متفقاً با اسرائیل بجنگند. در چهارشنبه ۲۲ اوت ۱۹۷۳، هشت افسر مصری و شش افسر سوری از باشگاه افسران در اسکندریه به مقر فرماندهی نیروی دریایی در کاخ «رأس التین» رفتند. مهم‌ترین این افسران عبارت بودند از: مارشال اسماعیل علی، فرمانده کل نیروهای مسلح مصر، ژنرال سعدالدین شاذلی، رئیس ستاد ارتش مصر، ژنرال عبدالغنی جمسی و بالاخره، ژنرال مصطفی طلاس، وزیر دفاع سوریه. چند شب قبل از اجرای عملیات «بدر»



در سال ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد به تقسیم فلسطین رای داد و کرانه‌ی غربی رود اردن و نوار غزه را به فلسطینی‌ها و بقیه این سرزمین را به یهودیان واگذار کرد. اما در جنگ‌هایی که طی بیست سال بین اعراب و اسرائیلی‌ها روی داد، اسرائیل نه تنها سهم فلسطینی‌ها بلکه صحرای سینا (مصر) و بلندی‌های جولان (سوریه) را نیز اشغال کرد. البته بعداً در قرارداد اصلی، از صحرای سینا عقب‌نشینی کرد.



که فراز بود، دهم رمضان برابر با ششم اکتبر اجرا شود. التوسعات سفیر شوروی در قاهره را احضار کرد و ضمن یادآوری قرارداد دوستی بین مصر و شوروی، اضافه کرد: آقای سفیر! به پروتف بگو که طرف چندروز آینده، پیمان شوروی و مصر به صورت واقعی و عملی از مایش خواهد شد. ۱

حدود ساعت ۲ بعد از نیمه شب ششم اکتبر ۱۹۷۳ که برابر با روز عید «کیبور»<sup>۲۴</sup> در اسرائیل بود، ارتش مصر با ۵۰۰ تانک و با استفاده از پل‌های پیش ساخته روسی از کانال سوئز، گذشت. نیروهای مصری «خط دفاعی بارلو»<sup>۲۵</sup> را در اختیار گرفتند و ۲۰ مایل در صحرای سینا پیشروی کردند. نیروهای سوریه نیز شهر «قنيطرة»<sup>۲۶</sup> در نزدیک جولان را از اسرائیل پس گرفتند. اما اسرائیلی‌ها توانستند از طریق جنوب کانال سوئز، مانند گردن شتری، پس از گذشتن از ادریاچه تلخ، بخشی از ارتش مصر را در داخل مصر به محاصره خود در آورند.

قطعه‌نامه ۳۳۸ شورای امنیت که در ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ صادر شد، به طرفین تکلیف کرد که عملیات جنگی را فوراً متوقف سازند و در اجرای قطعه‌نامه ۲۴۲ بکوشند. فول آتش پس در جبهه مصر سبب شد که اسرائیلی‌ها دوباره قنيطرة را از سوریه پس بگیرند. سوریه از ورود به این جنگ چیزی عایدش نشد و سادات نیز فقط توانست قوای مصر را به آن سوی کانال سوئز هدایت کند که این کار را برای ارتش مصر پیروزی بزرگی می‌دانست. پس از این مرحله بود که سادات در اکتبر ۱۹۷۵، به واشنگتن رفت و پس از مذاکرات زیاد، سران آمریکا به اسرائیل توصیه کردند که بخش عظیمی از سینا را تخلیه کند. به این خاطره، در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۶، مصر توانست بخش اعظم منطقه سینا را از اسرائیل پس بگیرد. اما حافظ اسد که در اکتبر ۱۹۷۵ برای مسأله جولان به مسکو رفته و با پادگورنی ملاقات کرده بود، دست خالی از آن کشور بازگشت.

## بخش پنجم:

### روند صلح و سازش بین اعراب و اسرائیل

سادات می‌خواست به هر نحو که شده، همه صحرای سینا را از اسرائیل پس بگیرد و چنانچه لازم شود، با آن کشور صلح کند. او حتی می‌خواست، عرفات و مبارزان‌های چریکی را وادار سازد تا با اسرائیل کنار بیایند. در سال ۱۹۷۶، در جراید قاهره جست و گزینته این مطالب نوشته می‌شد که در ۱۹۲۹، سران اردن و اسرائیل محرمانه با یکدیگر تماس گرفتند و در ۱۹۶۳، تماس‌های محرمانه‌ای بین ملک حسین و فرستادگان اسرائیل در لندن انجام شد. همچنین درباره گفت و گوهای ملک حسین با خاتم گلدامایر، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در پاریس به سال ۱۹۶۵، اشاراتی داشتند. روزنامه‌ها سپس جوی ایجاد می‌کردند که مردم مصر آماده شنیدن تماس‌های مصر و اسرائیل باشند. سادات شخصاً چندین بار، ضمن مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران آمریکایی گفته بود: «مصر بدون درآمد نفت، از زمان جمال عبدالناصر تاکنون، سیه خود را مسیر دفاع از منافع اعراب کرده است و بحر عربستان سعودی که در زمان فیصل، جریان نفت خود را به روی جهان عرب بست و کمک‌هایی به مصر کرد، از هیچ کشور عربی کمکی نگرفته است. پاره‌ای از سران عرب نیز با فرستادن چند گروهان به ساحل کانال، فقط از نظر نمادین خود را مدافع مصر جلوه داده‌اند. از این پس، مصر برای صلحی شرافتمندانه کوشش خواهد کرد. ما مانند ملک حسین و پاره‌ای از رؤسای عرب، محققانه با دشمن ملاقات نمی‌کنیم. ملک حسین در دسامبر ۱۹۶۷، طی دیدار محرمانه با آبا ایان، وزیر خارجه اسرائیل، به توافق‌هایی رسیده بود و با این که مناطق غربی رود اردن در اشغال اسرائیل بود، در جنگ رمضان دوشادوش مصر و سوریه شرکت نکرد.

## سادات و صلح با اسرائیل

بعد از آن که سه‌درخواست هنری کیسینجر، وزیر خارجه و مشاور امنیتی نیکسون، مقامات اسرائیل قبول کردند که نیروهای خود را تا سر حد قابل قبول از جانب مصر، از صحرای سینا عقب‌نکشند، سوریه نیز پذیرفت که نیروهای خود را به پشت خط



کیسینجر

آتش پس ۱۹۶۷ هدایت کند. وقتی که جیمی کارتر به ریاست جمهوری انتخاب شد، سه توصیه او و مشور امنیتی اش، یعنی سایروس ونس<sup>۲۷</sup>، مصر توانست نقاط پیش نوری از سینا را از اسرائیل پس بگیرد. در ۲۹ ژوئن ۱۹۷۷، رهبران ۹ کشور عضو جامعه اروپا



کارتر

درباره موضوع صحرایی سینا، باریکه غزه و ساحل غربی رود اردن جلسه‌ای تشکیل دادند و مقامات واشنگتن را مطلع کردند که بهتر است، در ملاقات یکجانبه<sup>۲۸</sup> و کارتر این موضوع مطرح شود؛ زیرا اهم مورد توجه فلسطینی‌هاست و هم دولت مصر





در ژوئیه ۱۹۷۷، بگین به واشنگتن رفت و با کارتر پیرامون منطقه سینا، باریکه غزه و ساحل غربی رود اردن مذاکره کرد. در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۷، سادات وارد «اورشلیم» (قدس) گردید و در «کنست» (پارلمان اسرائیل) سخنرانی کرد و نظرات خود را درباره صلح در خاورمیانه ابراز داشت. همزمان با این تلاش‌ها برای نزدیکی مصر و اسرائیل، لبنان در آتش جنگ داخلی می‌سوخت و فلاترزیست‌ها، به رهبری پیرحمیل، به اردوگاه‌های فلسطینی حمله می‌بردند. سلیمان فرنجه، رئیس جمهور لبنان، به علت آن که از نیروهای شبه نظامی مخالف فلسطینی‌ها پشتیبانی می‌کرد، مورد بغض فلسطینی‌ها قرار گرفت و کاخ او به وسیله چریک‌های فلسطینی محاصره شد. ارتش سوریه که پشتیبان فرنجه بود، برای سرکوب فلسطینی‌ها وارد لبنان شد و ضمن شکستن محاصره کاخ ریاست جمهوری در ژوئیه ۱۹۷۶، به اردوگاه تل زعتر که ویژه پناهندگان فلسطینی بود، یورش برد و هزاران زن و بچه و پیر و جوان را به دار عدم فرستاد. می‌بینیم که در منطقه‌ای مثل «هلال حاصل خیز»، در یک گوشه‌اش فلسطینی‌ها را می‌کشند و در گوشه‌ای دیگرش، دولتی که انگیزه همه فعالیت‌هایش را آزادی فلسطین قلمداد می‌کرد، با قاتلان فلسطینی‌ها مجبور به آشتی می‌شود. این وقایع اگر شواقی واشنگتن و مسکو در آن وجود نداشت تحقق نمی‌یافت.

### اجلاس کمپ دیوید<sup>۳</sup>

قبل از آن که سادات و بگین به کمپ دیوید آمریکا بروند، در ۲۵ دسامبر ۱۹۷۷، با یک دیگر در «اسماعیلیه»، درباره سرنوشت باریکه غزه (نوار غزه) به مذاکره نشستند. در این زمان، کارتر پیامی به کنفرانس اسماعیلیه فرستاد و طی آن، از طرفین خواست که درباره اعطای نوعی «خودگردانی»<sup>۴</sup> به فلسطینی‌ها، تصمیم بگیرند. سادات در جواب کارتر، ضمن پیامی گفت که باید نظر فلسطینی‌ها را

مستقیماً از طریق رهبران آن‌ها پرسید. بعد از این مذاکرات بود که به دعوت کارتر، رئیس جمهور آمریکا، انور سادات رئیس جمهور مصر و بگین نخست وزیر اسرائیل به آمریکا رفتند و از ۵ تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸، دو موافقتنامه امضا کردند. موافقتنامه اول درباره قالب طرح کلی صلح در خاورمیانه بود و موافقتنامه دوم، حول رابطه صلح آمیز بین اسرائیل و مصر دور می‌زد. در موافقتنامه اول قید گردیده بود که ظرف پنج سال، تکلیف قطعی صلح در خاورمیانه روشن شود. ضمناً در جریان این کنفرانس، کارتر از بگین درخواست کرد همچنان که بن گوریون در سال ۱۹۵۷ همه نواحی صحرائی سینا را تخلیه کرد، او نیز چنین کاری انجام دهد. ضمناً به توصیه کارتر، در موافقتنامه دوم بین سادات و بگین قید گردید که در آینده نزدیک درباره خودگردانی کامل داخلی فلسطینی‌ها در منطقه غزه و کرانه غربی رود اردن، به فلسطینی‌ها امتیازاتی داده شود. پس از این موافقتنامه بود که اکثر کشورهای عربی رابطه خود را با مصر قطع کردند و عرفات گفت که هدف کمپ دیوید خسته کردن اعراب است. مقدمات انعقاد قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل فراهم شد و در ۲۶ مارس ۱۹۷۹ در حضور کارتر، قرارداد صلحی بین مصر و اسرائیل توسط انور سادات و بگین با حضور ۱۶۰۰ تن از شخصیت‌های داخلی و دیپلمات‌های خارجی مقیم واشنگتن به امضا رسید. طبق این قرارداد مقرر شد که نیروهای اسرائیلی به کلی از منطقه سینا عقب نشینی کنند.

### عکس العمل اعراب و فلسطینی‌ها در برابر توافق مصر و اسرائیل

اکثر کشورهای عرب سفیران خود را از مصر احضار کردند و در سرزمین‌های اشغالی، بویژه غزه و کرانه باختری و اکثر کشورهای عرب، تظاهراتی علیه سادات صورت گرفت و کشورهای عربی مقرر سازمان اتحادیه عرب را به تونس انتقال دادند و عملاً مصر در انزوا قرار گرفت.

در مصر، «جهاد اسلامی» صریحاً مخالفت خود را با قرارداد مصر و اسرائیل نشان داد؛ به طوری که در ۶ اکتبر ۱۹۸۱ سادات، که به مناسبت پیروزی ارتش مصر بر اسرائیل در جریان جنگ اکتبر ۱۹۷۳ در یک رژه نظامی شرکت کرده بود به دست ستوان خالد اسلامی ترور شد و



بلافاصله، حسنی مبارک به جای او به ریاست جمهوری رسید. فلسطینی‌هایی که در جنوب لبنان بودند، با حمله سرگرد شورشی، سعد حداد و فلاترزیست‌ها روبه‌رو شدند. این جنگ خانگی در لبنان، فقط یک هدف را دنبال می‌کرد: بیرون راندن



فلسطینی‌ها از تنها سرزمینی که همسایه‌ی موطن آنان بود. در ۴ ژوئن ۱۹۸۲، ارتش اسرائیل به بهانه جلوگیری از اشغال لبنان توسط فلسطینی‌ها و به حمایت از فلاترزیست‌ها، از زمین و هوا و دریا به لبنان یورش برد، ولی چریک‌های فلسطینی تا ۲۱





ژوئن ۱۹۸۲، در جنوب لبنان مقاومت کردند. نتیجه حملات جون آمیز اسرائیلیان به لبنان، کشته و مجروح شدن ۷۲ هزار فلسطینی، تخریب ۳۸ روستا و ویران شدن ۳۰ تا ۴۰ درصد شهرهایی بود که فلسطینی‌ها در آن مقاومت می‌کردند.

در چنین وضعیتی، هیچ‌یک از کشورهای عربی، به فلسطینی‌هایی که در لبنان لنگدکوب می‌شدند، کمک نمی‌کردند و فقط در شعارهای خود، روش سادات را محکوم می‌کردند. در اواخر ژوئن ۱۹۸۲، عرفات و سران سایر سازمان‌های چریکی فلسطینی و حش عظیمی از جنگاوران این سازمان مجبور شدند تا از طریق دریا به تونس کوچ کنند و پاره‌ای از آسان به حرطوم، الجزایر و سایر بلاد دوردست عربی مهاجرت نمایند. از آن جا که با کوچیدن فلسطینی‌ها به تونس و قطع مرادات سیاسی با مصر و اردن، بیم آن می‌رفت که این سازمان نیز به انزوا کشیده شود، در آوریل ۱۹۸۶، با پادر میسائی شاذلی بن جدید در الجزایر، سران سازمان‌های دیگر فلسطینی دوباره خود را زیر چتر سازمان الفتح به ریاست عرفات قرار دادند. در جریان کنفرانس تونس، در نوامبر ۱۹۸۶، کسانی چون ابو موسی رهبر قیام الفتح، نایف حواتمه رهبر جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، سمیر غوشه رهبر جبهه مبارز خلق و بالاخره، جرج حبش رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین، ضمن آشتی دوباره با یاسر عرفات، به او پیشنهاد کردند که به ملک حسین و حسنی منار که نزدیک‌ترین جلوی زبان‌های پیش‌تر را که اسقلاب فلسطین را تهدید می‌کند بگیرد. چون در ۹ ژوئیه همان سال ملک حسین دستور بستن ۲۵ دفتر صاف (سازمان آزادی بخش فلسطین) را در اردن صادر نمود و به ابو جهاد که در آن زمان معاون یاسر عرفات بود اخطار کرد که هر چه زودتر خاک اردن را ترک کند، ابو جهاد به تونس رفت و در ۱۹۸۸، به دست کماندوهای اسرائیلی ترور شد.

از آن پس، عرفات سفرهای متعددی به قاهره و امان انجام داد و پیرامون سرنوشت فلسطینی‌ها با آن‌ها مذاکره کرد. در سال ۱۹۸۷ که کشورهای عربی دوباره با مصر روابط دیپلماتیک برقرار کردند، مرکز اتحادیه عرب در قاهره مجدداً فعال شد. عرفات بارها به قاهره سفر کرد و در جریان ملاقاتی، با حافظ اسد نیز آشتی نمود. اما با تمام سیاست‌نازی‌هایی که از جانب عرفات و رهبران عرب اعمال می‌شد، مردم کرانه باختری، و غزه و طرفداران فلسطینی‌ها در جنوب لبنان، دو جنبش مردمی و عظیم برپا ساختند که هدفش تنها مبارزه با اشغالگران بود. این جنبش‌ها عبارت بودند از: «انتفاضه» که در حکم جنبش، تکلیف و حرکت مردمی است و پیر و جوان و حتی کودکان در آن شرکت داشتند و سلاح آن‌ها «قلما سگ» بود. و دیگری به رهبری شیخ احمد یاسین به نام «حماس» (حرکت مسلمین فلسطین) که رهبر آن سال‌ها در زندان اسرائیل به سر می‌برد و در اثر مبارزات طرفدارانش و انتفاضه مردم مناطق اشغالی، آزاد گردید و در همه جا و همه وقت، مذاکره با اسرائیل را محکوم می‌کرد. اما از آن جا که هر یک از کشورهای عربی در این برهه از زمان به فکر بازگرداندن سرزمین‌های خویش بودند، عرفات نیز به گرفتارن بخشی از سرزمین‌های سابق فلسطین راضی شد. او استدلال می‌کرد که مصر فقط سبباً را طلب می‌کرد و بالاخره با مذاکرات سازش آن را گرفت. سوریه هم فقط صحبت از ارتقاعات جولان می‌کند. پس حبش فلسطین نیز باید به فکر خود باشد. از این جهت، عرفات نیز به گفت‌وگوهای سازش کشانده شد.

#### از گفت‌وگوهای مادرید تاکنون

بالاخره، پس از ماه‌ها تماس بیس و اشنگتن و مسکو و مسافرت‌های عرفات به قاهره، دمشق و امان، کنفرانس مادرید در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ تحت نظر و اشنگتن و مسکو تشکیل شد و برای اولین بار، صهیونیست‌ها

و فلسطینی‌ها را بر سر میز مذاکره نشانیدند. این کنفرانس ابتدا با سخنرانی قلیلیب گونزالس، نخست‌وزیر اسپانیا و میزبان کنفرانس آغاز شد و سپس، جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، میخائیل گورباچف، رهبر شوروی و بالاخره نماینده جامعه اروپا، درباره اهمیت صلح در حاور میانه صحبت کردند. اسحاق شامیر، نخست‌وزیر اسرائیل و نمایندگان اردن، مصر، لبنان، سوریه، الجزایر، لیبی، مراکش، موریتانی، تونس و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، مانند عربستان، بحرین، امارات متحده عربی، کویت، عمان و قطر نیز شرکت داشتند. در این اجلاس، نماینده سوریه خواستار ارتقاعات جولان شد. این کنفرانس را اثر قدرت‌ها نه راه‌اندختند تا در آینده نزدیک بتوانند، عرفات و مقامات اسرائیل را مستقیماً در مقابل یکدیگر بر سر یک میز بنشانند. در این کنفرانس، نماینده اسرائیل گفت که ما هرگز ارتقاعات جولان را به سوریه پس نمی‌دهیم. فلسطینی‌ها نیز از مناطق غربی رود اردن و نوار غزه صحبت کردند. مردم فلسطین، بر خلاف خواسته‌های سران عرب و رهبران فلسطین، روز ۱۳ اکتبر ۱۹۹۱ یعنی روز تشکیل این کنفرانس را چهارشنبه سیاه نامیدند.

#### کنفرانس اسلو

در ۲۹ اوت ۱۹۹۳، پس از ماه‌ها مذاکرات محرمانه، عرفات و مقامات تل‌آویو توافق کردند که: اولاً، موجودیت یک‌دیگر را شناسایی کنند. ثانیاً، منطقه غزه در شرق صحرای سینا و منطقه اریحا در منطقه غربی رود اردن را، به انضمام شهرهایی که اسرائیل در ۱۹۶۷ از اردن جدا کرده است، به حکومت خودگردان فلسطین واگذار نماید. این شهرها عبارت بودند از: جنین، تولکرم، نابلس، رام‌الله، الخلیل، بیت‌لحم. در این توافق مناطقی که نباید حکومت خودگردان به رهبری عرفات کاملاً اشغال کند، مشخص نشد. تا آن‌که در ۴ مه





۱۹۹۴، بین اسحاق رابین، نماینده اسرائیل و عرفات توافقی به امضا رسید که ارتش صهیونیستی هفتاد درصد از نوار غزه و اریحا در کرانه باختری رود اردن تخلیه کند، اما سی درصد از مناطق حکومت خودگردان تحت اشغال ارتش اسرائیل قرار گیرد. ارتش اسرائیل، به این علت سی درصد از مناطق فوق را در اشغال خود گرفت که در مواقع حساس و در صورتی که فلسطینی‌ها یا طرفداران حماس یا انتفاضه قصد بیرون کردن کامل اسرائیلی‌ها را داشته باشند، آن‌ها بتوانند با محاصره شهرهای کرانه غربی رود اردن و غزه، قیام فلسطینی‌ها را در نطفه خفه کنند. پس از این توافق بود که اسحاق رابین اعلام کرد، اسرائیل هرگز ارتفاعات جولان را به سوریه پس نخواهد داد. عرفات در ۱۴ مه ۱۹۹۴ برای تشکیل دولت خودگردان به اریحا رفت.

در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۴، ملک حسین و اسحاق رابین با حضور رئیس جمهور آمریکا بیانیه‌ای را به امضا رساندند که بر طبق آن، دو کشور اردن و اسرائیل به خصومت ۴۶ ساله خویش پایان دادند. منابع مطلع می‌گویند، علت آن که اسرائیل از تخلیه کامل کرانه غربی و باریکه غزه خودداری کرده است و گام به گام و مرحله به مرحله، با عرفات قرارداد متعقد می‌نماید این است که مبادا روزی نیروهای حکومت خودگردان منطقه غربی بخش جنوبی صحرائی نقو (نقب) را اشغال کند و از آن جا خود را به باریکه غزه برساند، و ارتباط اسرائیل را با «بندر ایلات» به طور کلی قطع کنند. در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۸، وقتی مقامات اسرائیل با عرفات در مریند، مرحله بعدی تخلیه مناطق حکومت خودگردان را امضا می‌کردند، ملک حسین که بر اثر بیماری سرطان چندان فاصله‌ای با مرگ نداشت، خود را به مریند رساند تا مذاکرات اسرائیل - عرفات به شکست منتهی نگردد.

از آن جا که دولت اسرائیل از تخلیه مناطقی از غزه و اریحا خودداری کرد، بار

دیگر در اسلو اجلاسی تشکیل شد. در ۱ نوامبر ۱۹۹۹، اجلاس سه جانبه کلیتون، باراک، نخست وزیر اسرائیل و عرفات، رئیس حکومت خودگردان در اسلو گشایش یافت ولی به نتیجه قطعی نرسید. در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۰، کمپ دیوید دوم با شکست روبه رو شد، زیرا اسرائیل:

اولاً، هنوز پاره‌ای از نقاط حساس را که تحت سلطه حکومت خودگردان قرار دارد تخلیه نکرده است.

ثانیاً، با درخواست عرفات مبنی بر این که بیت المقدس شرقی پایتخت دولت خودگردان باشد، موافقت نمی‌کند.

کلیتون، رئیس جمهور آمریکا و باراک، نخست وزیر اسرائیل نتوانستند یاسر عرفات را قانع کنند که از بیت المقدس صرفه نظر کند. بدین سبب، عرفات دست خالی به غزه بازگشت و در نتیجه، در مناطق اشغالی غرب رود اردن و حتی نوار غزه، طرفداران حماس و انتفاضه تظاهراتی به راه انداختند. مقامات تل آویو نیز این امر را بهانه کردند و همچنان در اطراف شهرهای الخلیل، رام الله و بقیه شهرهای غرب رود اردن و نوار غزه مواضع خود را تقویت کردند. میانجیگری کلیتون در مورد رابطه سوریه و اسرائیل نیز با موفقیت همراه نبود. حافظ اسد که به بیماری سرطان مبتلا بود، می‌خواست قبل از مرگش ارتفاعات جولان را از اسرائیل بگیرد. به این منظور، در ۲۷ مارس ۲۰۰۰، در حالی که شدت بیمار بود، در ژنو با کلیتون مذاکره کرد، ولی چون به نتیجه نرسید، بقیه مذاکرات را به فاروق الشرع، وزیر خارجه کشورش سپرد. این مذاکرات نیز که مدت‌ها با وساطت کلیتون بین باراک و فاروق الشرع انجام گرفت، به نتیجه نرسید؛ زیرا مقامات اسرائیل بارها اعلام کرده‌اند که ارتفاعات جولان:

اولاً، برای آن‌ها اهمیت استراتژیک دارد و مشرف به راه دمشق است،

ثانیاً، بخش عظیمی از مناطق مسکونی واقع در دامنه این ارتفاعات، از آب

ارتفاعات جولان استفاده می‌کنند، و به این نحو، مسأله جولان برای سوریه لاینحل باقی مانده است.

حادثه‌ای که در ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۰ رخ داد و مردم مسلمان را به مبارزه شدید با صهیونیست‌ها تحریک کرد، آن بود که اربیل شارون وارد مسجد الاقصی شد و این امر در حالی صورت گرفت که انتفاضه، حماس، عرفات و کلیه رهبران سازمان‌های چریکی فلسطین خواستار آنند که بخش شرقی بیت المقدس پایتخت فلسطینی‌ها شود. اسرائیلی‌ها تظاهرات مردم را در نواحی اشغالی، بویژه در قدس شریف، به خاک و خون کشیدند؛ به طوری که مقامات واشنگتن نیز از بی‌احتیاطی حکومتگران تل آویو عصبانی شدند. آیا با وجود این تشنجات و عمیق‌تر شدن شکاف بین فلسطینی‌ها و رژیم اسرائیل، عرفات خواهد توانست باز دیگر با صهیونیست‌ها بر سر یک میز بنشیند یا آن که کلیه توافق‌های گذشته با اسرائیل، کان‌لم‌یکن تلقی خواهد شد؟

ولی با تعجب می‌بینیم که رهبران عرب درباره این واقعه سکوت اختیار کرده‌اند و پاره‌ای از آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که بین باراک و عرفات گفت و گوهایی انجام شود. اگر هم در اکثر کشورهای عربی، در مخالفت با اقدامات صهیونیست‌ها، تظاهراتی صورت می‌گیرد، این خواست دولت‌هایشان نیست، بلکه برخاسته از جوشش‌های مردمی است. کارشناسان مسائل خاورمیانه بر این عقیده اتفاق نظر دارند که اسرائیلی‌ها عمداً دست به تشنج آفرینی زدند تا اولاً، یاسر عرفات دیگر از تشکیل کشور فلسطین سخنی به میان نیاورد؛ ثانیاً، هرگز از بخش شرقی بیت المقدس، به عنوان پایتخت فلسطین، مطلبی عنوان نکنند.

زیرنویس:

زیرنویس‌ها در دفتر مجله موجود است.





ناجی العلی، کاریکاتورست فلسطینی، از هنرمندانی است که در مقاومت فلسطینی تأثیر بسیار به جا گذاشته اند و طرح‌های پرچم و منحصر به فردش توجه هر بیننده را به خود جلب می‌کند. ناجی در شجره جلیلی، یکی از روستاهای فلسطین - به دنیا آمد. پانزده ساله بود که اسرائیلی‌ها او و خانواده‌اش را از خانه و کاشانه خود راندند. آن‌ها به لبنان آمدند و در اردوگاه عین الحلوه در ضیعا ساکن شدند. ناجی در طرابلس (لبنان) درس خواند و یک سال هم در فرهنگستان هنرهای لبنان تحصیل کرد که به خاطر دستگیرهای مکرر او تحصیلی نامرتب بود. ناجی، چنان که خود گفته است، از سال ۱۹۶۳ به طور اتفاقی، مطبوعات کویت از بناط پیدا کرد و از آن پس احساس کرد که می‌تواند احرف و احرف خود را که همان احرف فلسطین بود، از طریق صرح‌ها و کاریکاتور، هایل بیان کند. شروع به کار کرد و به تدریج به هنرمندی پرآوازه تبدیل شد.

ناجی العلی در تمام سال‌های مبارزه در معرکه‌ها حضور داشت، اگر چه با تفنگی نچنگید ولی به قلمش چندان سیردی را سا صهیونیست‌ها، از یک طرف، و رژیم‌های فاسد منطقه، از طرف دیگر، آغاز کرد که توجه جهانی را به خود جلب کرد. او عاقبت جان بر سر ایس کرد. گذشت در واقع ناجی العلی تنها نسی است که توانسته است به مؤثرترین وجهی، فداجه فلسطین را با همه زوایای آن، آوارگی‌ها، اردوگاه‌ها، جنایات صهیونیست‌ها، جنایت رژیم‌های عربی، توطئه قدرت‌های سرنگ، فضائی مسموم جهانی نسبت به فلسطین و... به تصویر بکشد. وی در کار خود حسارتی بی‌مانند داشت تا جایی که گاهی مسئولان روزنامه‌های آزاد نیز او را ناس نمی‌آوردند. ناجی العلی هنگامی که از لبنان رانده شد و بیروت را ترک کرد به کویت رفت. اما در کویت نیز او را نتوانستند تحمل کنند و لاجرم وی را به دوستش «احمد مظفر» شاعر سررز و

در تبعید عراقی اخراج کردند. ناجی به لندن رفت و در روزنامه انقیس مشغول به کار شد تا این که در ۳۱ تیرماه ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) او را دانشمندان اورا به ضرب گلوله از پلانی در آوردند.

یکی از ویژگی‌های شاخص ناجی العلی این است که در همه کاریکاتورهای وی، به جای امضاء، تصویر کودکی دیده می‌شود. کودکی که دست‌های خود را به پشت گرفته و پشت به صحنه ایستاده و ناظر صحنه‌ها و وقایع است. ناجی العلی، که خود نام این کودک را «حنظله» نهاده بود، او را سمبل فلسطین می‌دانست. اگر چه در این باره خودش سخن بگوید: این کودک خیلی رودر وجودم شکل گرفت. به هنگام کار در مطبوعات کویت، ولادتش در دهه ۶۰ بود. من او را به اسم «حنظله» ای از عین الحلوه به خوانندگان عرضه کردم. سیاسی است! حویشش خوبش من و به مثابه گوی می‌لاد و نوعی اعلان است، و نیز پیمانی با خواننده



# «ناجی العلی»

## و «حنظله»





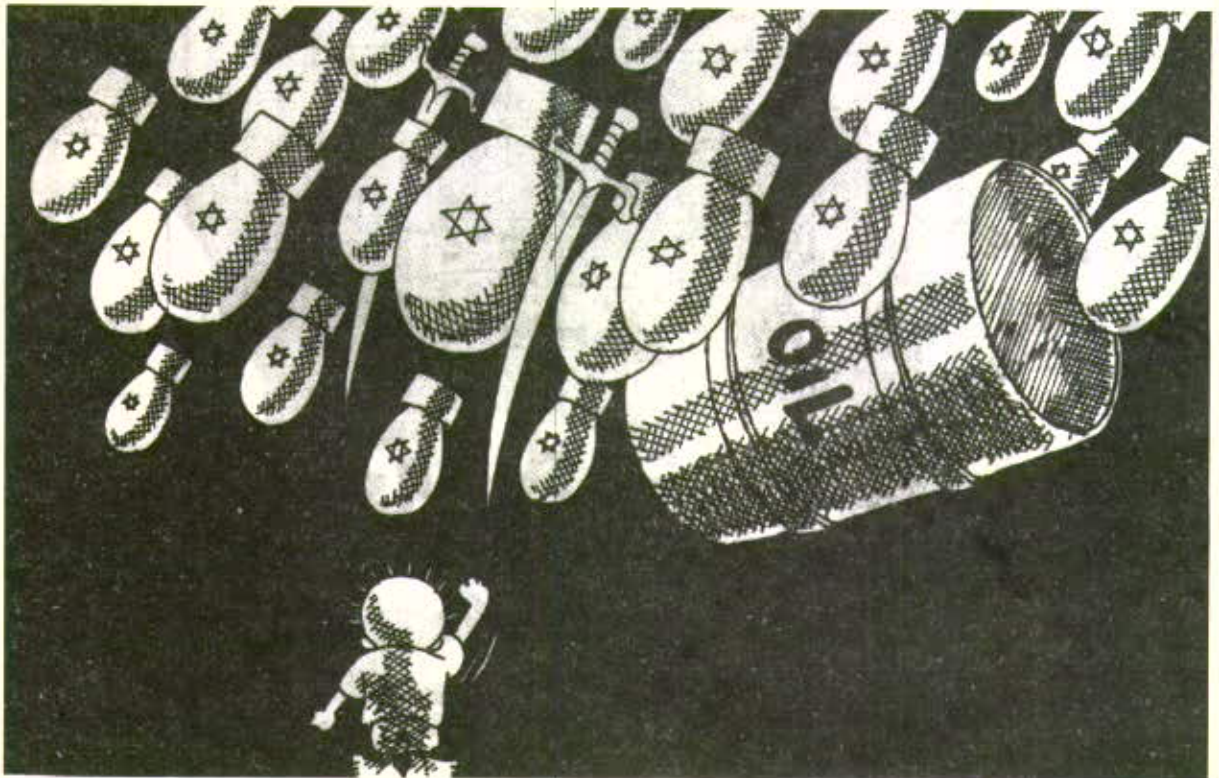
# Camp david



مینی بر این که حنظل به طیفه و اردو گاهش وفادار خواهد ماند. دلیلش این بود که من از سقوط در جامعه مصرفی کویت می ترسیدم. چرا که پی برده بودم که ده ها تن از دوستانم در بیابان کویت و جامعه مصرفی آن غرق شده اند. احساس می کردم که این کودک شکل شمایل مقدس را دارد که روحم را حفظ می کند و پیوند عاطفی ام را با مردمی که به آنها وابسته ام تقویت می کند. به همین خاطر هر روز صبح آن طرح را می کشیدم تا روحم را از سرگردانی در بیابان پاسداری کند. \*

ناگفته نماند که درباره زندگی و هنر ناحی العلی ، پس از مرگش ، فیلمی ساخته شد. این فیلم از سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز نمایش داده شده است .

\* نوشته حاضر با استفاده از ماهنامه کیهان فرهنگی (مرداد ۱۳۶۶) تنظیم شده است .



نام کتاب: تاریخ یک ارتداد

(اسطوره های بنیان گذار سیاست اسرائیل)

نویسنده: روزه گارودی

مترجم: مجید شریف

سال انتشار: ۱۳۷۵

ناشر: رسا

ماجرای اشغال سرزمین فلسطین به دست صهیونیست ها و آوازی مینوی ها انسان بی پایه ایکی داستان است بر آب چشم و اندوهی است بی پایان. چند سال پیش «روزه گارودی» (رچاء فارودی)، که سابقاً عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه بود و اکنون به اسلام روی آورده است، در یک اقدام شجاعانه دست به انتشار کتابی در فضای ماهیت و مبانی بنیادی دولت اسرائیل زد و نشست رسوایی صهیونیست ها را از پام انداخت. صهیونیست ها، که در مضوعات غربی نفوذی فوق العاده دارند، ناب یاور دند و با سر و صدای بسیار و سه دادگاه کشیدن «گارودی» سعی در اختفای حقیقت کردند و مؤسسات انتشاراتی معروف از انتشارات کتاب او خودداری ورزیدند. تا این حال، صدای «گارودی» به مخاطبان خود رسید و وجدان های بیدار را به چالشی تازه در این باب فراخواند. در ایران نیز این کتاب خیلی رودر ترجمه شد و در دسترس علاقه مندان قرار گرفت.

«گارودی» کتاب خود را با عنوان «اسطوره های بنیان گذار سیاست اسرائیل» منتشر کرد که در ترجمه فارسی، عنوان دیگری نیز بر آن افزوده شده و با نام تاریخ یک ارتداد نشر یافت. مؤلف حرف اصلی یا هدف اصلی خود از انتشار کتاب را چنین بیان می کند: «من دفاع دیگری از خود ندارم؛ جز آن که سفارش کنم که بخوانند آنچه را که نوشته ام و نخواهند اند. من که همواره فلسفه، تاریخ و الهیات را نه همچون یک شغل آزاد، که به منزله یک کاری به خاطر انسان علیه تمام باب گریسی ها تلقی کرده ام، از مارکس در برابر یک اتحاد شوروی و در برابر حزبی که او را به سنگواره بدل می نمودند (و مراد ۱۹۷۰ بیرون زاندند)، از

عیسی در برابر هر الهیات مسلطه و آزادی کشی - از اسلام در برابر اسلام انگاری و حیات شهزادگان و امیران، و از پیامبران بزرگ یهود در برابر صهیونیسم فیله می، دفاع به عمل آورده ام.»

وجه بارز کتاب «گارودی» در این کتاب، این نیست که به موجودیت اسرائیل عقیده ندارد و خواستار نابودی آن است (او قبلاً نیز در جایی گفته بود که اسرائیل را حداقل باید چون طفل حرامزاده ای دانست که دیگر نموند شده است و کشتن او زیان نیست)، بلکه این است که می خواهد پرده از روی پندار یا ترویرهایی، و به قول خودش اسطوره هندی، سردار که صهیونیست ها آن ها را استسک و خود دولت اسرائیل و اشغال سرزمین دیگران و حقانیت ادعاهای دیگر می کنند. این وجه یا جوهری است که تاکنون کمتر کسی بدان پرداخته است و بهتر بگویم اصلاً بدان نپرداخته است.

«گارودی» در سه بخش عمده کتاب به سه مقوله می پردازد و هر مقوله را تحت عنوان یک اسطوره در می آورد: اسطوره های خداشناختی، اسطوره های قرن بیستم و اسطوره های سیاسی (عنوان دقیق بهره برداری سیاسی از اسطوره). اسطوره های خداشناختی، سه اسطوره است: اسطوره وعده، اسطوره قوم برگزیده و اسطوره یوشع. این سه اسطوره به رغم صهیونیست هف منشأ و مبدأ توراتی دارد و در واقع، از اعتقادات الهی یهودیان سرچشمه می گیرد. «گارودی» می گوید این ادعای یک قرائت ناب گرای صهیونیسم سیاسی قلمداد کند. او در مقابل به قرائت یهودیان معتقد به معنویت اشاره می کند که اسرائیل را مرادف صهیونیسم، که پرورده سیاست جهانی است، نمی دانسد. «گارودی» از قول «رتسی المربرگر»، یکی از رؤسای اتحاد برای یهودیت، نقل می کند که: «هیچ کس مجاز نیست ادعا کند که استقرار کومونی دولت اسرائیل تحقق یک پیش بینی پیامبرانه توراتی است... سیاست فعلی اسرائیل معنای روحانی اسرائیل را از میان برده یا دست کم

تیره و تار کرده است.»

اما در اسطوره یوشع، «گارودی» به تحقیق در مبانی نژادپرستانه صهیونیسم می پردازد و ریشه آن را در تورات موجود (که به اعتقاد ما اصالت ندارد) می یابد. به نوشته تورات، یوشع، جانشین موسی، کسی بود که در فتوحات خود همه چیز و همه کس را قلع و قمع می کرد و جز یهودی هیچ جنسده ای را باقی نمی گذاشت و این (به زعم تورات) خواست خدا بود که این قوم برگزیده غالب و چیزی شود. «گارودی» عقیده دارد سیاست امروز صهیونیست ها در قلع و قمع و قتل عام مردم فلسطینی، چیزی جز این اندیشه توراتی نیست که به دست اسرائیلیان صهیونیست، به ویژه از سال ۱۹۷۵ به بعد به شدت اجرامی شود.

در بخش دوم، «گارودی» چهار مقوله را که ده ها سال است به مثابه یک واقعیت به خورد مردم جهان داده شده است، اسطوره یا پندار قلمداد می کند و برای اثبات آن ها می کوشد. این چهار مقوله یا اسطوره عبارت است از: اسطوره فاشیسم ستیزی صهیونیستی، اسطوره دادرسی نورنبرگ، اسطوره شش میلیون (یهودی در کوره های آدم سوزی) و اسطوره «یک سرزمین بدون مردم برای یک مردم بدون سرزمین».

این موارد را با نقل قول هایی از کتاب درباره هر یک مختصر می کنیم.  
در ۱۹۴۱، اسحاق شامیر، اتحادی یا هیتلر، با آلمان نازی، علیه بریتانیای کبیر را قویاً توصیه نمود (ص ۷۵).

اگر قادر باشم ده هزار نفر را از میان پنجاه هزار نفری که می توانستند در ساختن کشور و در سوزایی ملی سهم باشند نجات دهیم یا این که یک میلیون از یهودیت را که وزن مرده ای بر دوش ما خواهند شد، باید خود را محدود بنمایند و ده هزار نفر را نجات دهیم که می توان نجات داد، حتی اگر یک میلیون به حال خود زها شده ما را متهم کند یا علیه ما فراخوان صادر نمایند (ص ۷۸)، نقل از کمیته نجات آنس یهود





اسطوره شش میلیون یهودی قلع و قمع شده به صورت دگمی درآمده است که تمامی اخذی ها و زیاده روی های دولت اسرائیل را در فلسطین، در تمام خاور نزدیک، و در ایالات متحده، و از طریق ایالات متحده، در کل سیاست جهانی با قرار دادن آن ها بر فراز هر قانون بین المللی توجیه و تقدیس می کند. دادگاه نورنبرگ این رژیم را رسمیت بخشیده است و این رژیم زان پس بی وقفه، آرای عمومی را در مطبوعات، کتب یا شفاهی، در ادبیات و سینما و حتی در متون درسی دست کاری کرده است (ص ۱۱۸)

... در ۱۹۸۲ ... «ریسمون آرون» و «فرانسوا فوره» ناچار شدند اعلام کنند: با وجود عالمانه ترین پژوهش ها، هرگز نتوانسته اند فرمانی از هیتلر مبنی بر قلع و قمع یهودیان پیدا کنند (ص ۱۲۱)

... در سفر پیدایش نوشته است: «این به اعقاب توست (ابراهیم) که این سرزمین را می دهم، از رود مصر تا شط بزرگ، شط فرات». از آن زمان به بعد هر آن صهیونیستی حتی اگر لایک یا بی خدای باشند ... اعلام می کنند که فلسطین را خداوند به ما داده است. [در حالی که] آمارها، حتی اعلام شده از جانب دولت اسرائیل، نشان می دهد که فقط ۱۵٪ اسرائیلیان مذهبی هستند ... (ص ۱۸۹)

روژه گارودی در ابتدای بخش سوم می پرسد: «چگونه است که چنین اسطوره هایی (پندارهای موهوم) توانسته اند

نزد میلیون ها آدم خیر خواه، باورهای برانگیزند که به آسانی توان ریشه کن کرد؟» آن گاه خود چنین پاسخ می دهد: «با ایجاد گروه های فشار قدر قدرت که قادرند عمل سیاسیون را به خود منعطف سازند و افکار عمومی را شکل دهند»

«گارودی» پس از بحثی خواندنی درباره گروه فشار در ایالات متحده، به نقل از یک نشریه وابسته به سازمان صهیونیستی جهانی، گوشه ای از نقشه های اسرائیل برای نسل های ۸۰ (میلادی) را چنین بازگو می کند:

«مصر به عنوان یک پیکره تمرکز یافته نقداً یک جنازه است ... باید تقسیم آن هدف سیاسی ما باشد. کشورهایی چون لیبی، سودان و ... همان تجزیه و انحلال را خواهند دید ... تقسیم لبنان به پنج استان ... تجزیه و تلاشی سوریه و عراق به مناطقی که بر مبنای معیارهای قومی یا مذهبی تعیین می گردند، باید در دراز مدت یک هدف مقدم برای اسرائیل باشد که نخستین مرحله آن نابودی قدرت نظامی این دولت هاست ... عراق ... انحلال آن برای ما مهم تر از سوریه است ...» (ص ۲۸۸)

در پایان کتاب، «روژه گارودی»، برای این که راه را بر هر گونه سوء تفاهمی از سوی خواننده و به ویژه خوانندگان متدین کتاب ببندد، در بخش «نتیجه گیری» در مورد اسطوره توضیح می دهد که: «اسطوره های بزرگ، حماسه انسان شدن آدمی را نشانه گذاری می کنند؛ یعنی از طریق گزاره هنر نمایی های یک ایزد یا یک نیای افسانه ای، برهه های مهم خیزش انسان را بیان می نمایند». سپس اضافه می کند: «مطالعه این

کتاب، اسطوره های بنیانگذار سیاست اسرائیل، نباید هیچگونه آشفتگی پدید آورد، نه مذهبی، نه سیاسی. نقد تفسیر صهیونیستی از تورات به هیچ روی مستلزم کم بها دادن به کتاب مقدس و آنچه او نیز پیرامون حماسه انسان شدن و خداگونه شدن آدمی آشکار کرده است نیست ... آنچه ما طرد می کنیم، قرائت صهیونیستی قبایلی و ناسیونالیستی از این متون است که ایده عظیم اتحاد خداوند با انسان با همه انسان ها و حضور او در همه را تقلیل می دهد و از آن شوم ترین ایده تاریخ بشری را بیرون می کشد: ایده قوم برگزیده از سوی خدای جانب دار و جزئی» (ص ۲۷۴).

باری، کتاب «روژه گارودی» را می توان نقطه عطفی در مطالعات و تحقیقات سال های اخیر در زمینه صهیونیسم دانست. مطالعه ای که چون دیگر مطالعات، تنها به جنبه های سیاسی و احیاناً اجتماعی موضوع نمی پردازد؛ بلکه با کاوش در عمق اعتقادات و باورهای قوم یهود و سپس پیوند آن با امپریالیسم جهان به سرکردگی غرب، پرده های تازه ای از این تراژدی غمناک معاصر را بالا می زند و نشان می دهد که چگونه امکان دارد اندیشه های ارزشمندی را، که به هر روی حاصل تجربه های تاریخی و معنوی تمام یا بخشی از بشریت است، دست مایه عظیم ترین جنایت های تاریخ قرار داد، چنان که سالیاتی دراز است بر مردم مسلمان فلسطین اعمال می شود.\*

جعفر ربانی

\* این نقد قبلاً در مجله رشد معلم، شماره ۳۸ به چاپ رسیده است و اکنون بار دیگر در اینجا نقل شد.



# تاریخ یک ارتداد



بروس محمد شرف



# چرا انتفاضه مسجد الاقصی (دوم) آغاز شد

سرزمین‌های بشری را به اسرائیل ضمیمه نمائیم و می‌تیم شهر که ساری را برای یهودیان جهان، در منطقه غزه - اریحا گسترش دهیم و بناها را ترویج دهیم. حماس سخن گفته بود: از بیت المقدس شرقی بازگردید کرد و علی رغم احساسات مسلمانان وارد مسجد الاقصی شد. اسحاق عیسی او سنان بکر محالمت عیسی به مسلمانان فلسطین بود. آری - شارون عامل انفجار شبکه بیروت گردید - حمله عسومیه از بیت المقدس تا یوار غزه علیه اسرائیل چنان بالا گرفت که صهیونیست‌ها از زمین و هوا مردم خشمگین را گلوله باران نمودند. آن‌ها بچه‌هایی را می‌کشند که سلاحی به جسم قلعه سنگ نداشتند. در نتیجه عده زیادی به شهادت رسیدند که از میان آن‌ها بچه‌هایی بودند که در آغوش پدر و مادر خویش آرام گلوله قرار گرفتند. اوضاع در سرزمین‌های اشعالی در غزه، جنین، بیت لحم، اریحا، فلطین، رام الله و آن قدر بحرانی شد که طوق نومیه شیخ احمد یاسین رئیس حماس - خالد مشعل و ابو مرزوق اعضای دفتر سیاسی حماس - رجباً اعتراضتفاضة\* دوام را اعلام نمودند. پس از این اعلامیه بود که فلسطینی‌ها از مسجد الاقصی تا در یک عده یک پارچه به مبارزه علیه اشغالگران پرداختند. در واقع همه مناطق غربی رود اردن تا یوار غزه دچار

موجودیت دولت مستقل فلسطین را به بعد از ماه سپتامبر موقوف کرده است. از جانب دیگر در ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۰ یازاک و عرفات در تل اویو ملاقات کردند. عرفات دانستند همیشه از ناکامی می‌خواست که اولاً تکلیف شهرک‌های یهودی نشن در داخل قدس و حکومت خودگردان را معوض کند. ثانیاً فوای نظامی خود را از منطقه غربی رود اردن و یوار غزه خارج نماید. ثالثاً بخش شرقی بیت المقدس را به عنوان پایتخت حکومت فلسطین به رسمیت بشناسد. ثالثاً که کلینتون - رئیس جمهور آمریکا - به طرفین توصیه کرده بود که به تحوی به توافق برسند و نسی سازا که در این از مواضع حدود عقب نشینی نکرد و این گفتگوها به بن بست کامل رسید. پس از آن که مردم کرانه باختری و یوار غزه از موضوع و گذار نکردن بخش شرقی بیت المقدس به فلسطینی‌ها آگاه شده، احساساتشان چنان جریحه دار شد که یک پارچه، مانند شبکه بیروتی، آماده انفجار گردیدند و فقط حرفه‌ای لازم بود که این انفجار صورت بگیرد. در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ آرل شارون رهبر حزب دست راستی لیخود (یکپارچه)، صهیونیست لهستانی الاصلی که تا به روز تشکیل حکومت اسلامی در بوینی به اروپا بیعت اعلام خطر کرده و در زمان تصدای وزارت دفاع و خارجه خود گفته بود که ما نباید

با سر عرفات زمانی اعلام کرده بود که در ۱۳ سپتامبر سال ۲۰۰۰ موجودیت دولت مستقل فلسطین را اعلام خواهد کرد. و این به این معنا بود که دولت خودگردان از وضعیت یک نام و دو هوا خارج می‌شود. زیر اهدا ره جشن‌های مختلف فلسطینی به ویژه حماس (جشن مقاومت مسلمانان فلسطین) به عرفات یادآور می‌شود که این چه نوع دولت خودگردانی است که در قلمرو خود حق حاکمیت ندارد؟ آنها می‌گویند اولاً واحدهای نظامی اسرائیلی به بهانه حفظ شهرک‌های صهیونیست‌نشین در اطراف شهرهای کرانه باختری رود اردن و یوار غزه مستقر شده‌اند. ثانیاً هر زمان که سربازان اسرائیلی اراده کنند می‌توانند خانه‌های مسکونی فلسطینی‌های ساکن در شهرهای کرانه باختری و یوار غزه را با دستاویز حمله به بیروه‌های اسرائیلی، با ایولدوزها در چند ثانیه ویران کنند و آیا چنین عملاتی نقص حاکمیت دولت خودگردان نیست؟ از این جهت بود که جوانان فلسطینی، خصوصاً طرفداران شیخ احمد یاسین رهبر روحانی حماس، بنا هر که نه توافق عرفات با مقامات اسرائیلی مخالفت می‌کردند. اما عرفات تحت فشارهای سیاسی واشنگتن مجبور گردید که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۰ اعلام کند که طبق تصمیم شورای ملی فلسطین، اعلان





نکاتی شدید شد. زیرا این بار مردم فلسطین می خواستند علاوه بر گرفتن انتقام خون عزیزان خود، جواب دهن کجی کسی را بدهند که در ۱۹۸۲ در اردوگاه های صبرا و شتیلا در لبنان، کشتار بی رحمانه ای از فلسطینی ها به عمل آورده بود. همه می دانند که شارون سال ها قبل از این با سگیس در کشتار روستائیان فلسطینی همکاری کرده بود.

شدت بحران به حدی رسید که کلیتوتون احساس کرد که در زمینه روند صلح و میانجی گری بین عرفات و باراک هر چه را که رشته است در حال پنبه شدن است. لذا او ترتیب اجلاس هفت نفره (هفت جانبه) شرم الشیخ را در مصر فراهم نمود. این اجلاس در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۰ در شرم الشیخ با شرکت حسی مارک رئیس جمهور مصر، کلیتوتون رئیس جمهور امریکا، یاسر عرفات رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، باراک نخست وزیر رژیم صهیونیستی، ملک عبدالله دوم پادشاه اردن، کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد و خاویر سولانا نماینده اتحادیه اروپا تشکیل شد. در جریان این کنفرانس یاسر عرفات و باراک هر یک به نوبه خود طرف دیگر را به تعلیق روند صلح تهدید می کردند. این اجلاس فردای همان روز به بن بست رسید و کلیتوتون و کوفی عنان با پادرمیانی بین عرفات و باراک نتوانستند فقط یک بیانیه سه ماده ای به این شرح صادر نمایند:

- ۱- طرف های فلسطینی و اسرائیلی آشکارا خواهان پایان بخشیدن به خشونت اند.
- ۲- امریکا به کمک اسرائیل و دولت خودگردان فلسطین یک هیئت حقیقت یاب به منطقه اعزام خواهد نمود.
- ۳- برای رسیدن به یک صلح قطعی به ریشه منازعات پرداخته شود و سعی گردد تا قطعنامه های شورای امنیت که بعد از جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ و اکتبر ۱۹۷۳ صادر شده است اجرا گردد. اما همه محافل سیاسی می دانستند که حقیقت چیست و ریشه



مسامحه در برابر اسرائیل خجل و از موقعیت خود بیم ناک بودند در این اجلاس به شرکت کردند. چند سخنرانی شدیدالحن ایراد شد. اما بیانیه نهایی کج دار و مریز آن ها که قبلاً توسط سرهنگ قزافی فاش گردیده بود، نشان داد که تا چه اندازه فلسطینی ها تنها هستند. بعد از این اجلاس بود که فقط عمان، مغرب و تونس روابط خود را با اسرائیل قطع نمودند.

## بن بست گفتگوهای واشنگتن - تشکیل کنفرانس سران اسلامی و چشم انداز آینده

به علت آن که از ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا اوائل نوامبر کنفرانس های شرم الشیخ و قاهره ره به جایی نبرد و بحران در منطقه هر روز ابعاد وسیع تری به خود می گرفت، کلیتوتون رئیس جمهور امریکا از عرفات و باراک دعوت کرد تا به واشنگتن بیایند و او به طور جداگانه با آن ها ملاقات کند. در ۹ نوامبر ۲۰۰۰ با توجه به وضع بحرانی منطقه و این که سراسر کرانه غریبی رود اردن و باریکه غزه را انتفاضة فرا گرفته بود، یاسر عرفات توانست از موضع قدرت از رئیس جمهور امریکا بخواهد که برای جلوگیری از کشتار بیشتر مردم شهرهای کرانه غریبی و منطقه غزه، نیروهای سازمان ملل متحد بین نیروهای اسرائیلی و فلسطینی ها خط حائل ایجاد کنند و باراک قبول کند که منطقه شرقی بیت المقدس پایتخت دولت فلسطین باشد، علاوه بر آن که نیروهای اسرائیلی به تدریج قلمرو و حکومت خودگردان را ترک نمایند. کلیتوتون و باراک با پیشنهاد های عرفات مخالفت کردند. اتفاقاً در همان روز حسین اعبیات عضو سازمان الفتح و یکی از یاران عرفات در حکومت خودگردان توسط یک هلیکوپتر اسرائیلی به رنگبار گلوله بسته شد. با کشته شدن او عرفات در شامگاه پنجشنبه ۹ نوامبر ۲۰۰۰ بعد از آخرین ملاقات با کلیتوتون در حالی که عصبانی به نظر می رسید گفت که صهیونیست ها تاوان قتل حسین اعبیات را به سختی خواهند داد. او سپس واشنگتن را ترک گفت تا در کنفرانس سران

منازعات درکجااست. مضحک است که در بند اول بیانیه که خشونت را نفی می کند در زمان انتشار و بعد از آن سران اسرائیلی دست به شدت عمل زدند و حتی در هنگام انعقاد اجلاس شرم الشیخ، کشتار فلسطینی ها را ادامه دادند. آگاهان به مسائل منطقه عربی خاورمیانه اظهار داشتند که اعلامیه شرم الشیخ در حکم زدن یک «چسب زخم» بر یک جراحت عمیق بود و آن را «دیپلماسی چسب زخم» نامیدند. بعد از پایان اجلاس شرم الشیخ رهبران کلیه جنبش های فلسطینی به اتفاق حماس اعلام کردند که تنها راه رهایی فلسطینی ها، ادامه انتفاضة جدید است. بنسند دوم اعلامیه شرم الشیخ که فرستادن یک هیئت حقیقت یاب را مطرح می کرد بسیار مسخره آمیز بود، چون همه دنیا از حقیقت آگاه بودند و می دانستند که انگیزه سفر «شارون» به شرق بیت المقدس ایجاد بحرانی بود که دیگر: اولاً فلسطینی ها از شرق بیت المقدس به عنوان پایتخت خود یاد نکنند، و ثاباً هرگز به فکر ایجاد دولت مستقل فلسطینی نباشند.

در حالی که کشتار در سرزمین های اشغالی ادامه داشت، سران عرب که پاره ای از آن ها با اسرائیل رابطه سیاسی و تجاری داشتند در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۰ در قاهره اجتماع کردند. آن ها چون از ملل عرب در مورد





خامنه‌ی

که به وسیله اذلق ایشان شش میلیون نفر از آنان را به گوردهای آدم سوزی بفرستد\*\* این سرزمین را به اصطلاح خودشان مائس خویش ساخته اند و هر روز بی سند و مدرکی را اهل بی مظلومیت خود رو می کنند.

زمانی که کورت والدهایم به ریاست جمهوری اتریش رسید نسبی دالمه صهیویست ها چه حربه حساسی با اتریش داشتند که پاره ای از منابع نزدیک به اسرائیل عکس از والدهایم جوان را چاپ کردند که تاس افسری ارتش آلمان هیتلری را اتریش دارد. صهیویست ها اعلام حفر کردند که والدهایم در ارتش هیتلر خدمت کرده و ممکن است که مثلاً به چند نفر یهودی چپ نگه کرده باشد و از این رو ریاست جمهوری او را بر مآل بردند. همه می دانند که در آن زمان یعنی جنگ جهانی دوم اتریش جزء خاک آلمان بود و کلیه آلمان ها و اتریشی هایی که هم اکنون تالای هفتاد سال سن دارند سربازان آلمان و قطعه ارتش آلمان بوده اند و این دلیل جدیتگری آن ها نیست. دادگاه نورمبرگ که در ۱۹۴۶ میل آن آلمان را محاکمه کرد و پاره ای از آن ها را اعدام نمود حتی ارتش آلمان را اجابتکار بدست و فقط سازمان گشتاپو (پلیس سیاسی آلمان) و مأموران (اس - اس) را اجابتکار شد. حتی در صورتیکه والدهایم افسر مساعده و در رده پائین ارتش بوده است و بالاخره دادگاه او را

خواستار قطع رابطه بین اسرائیل و پاره ای از کشورهای مسلمان شد و مصوبات اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی را نیز تصویب نمود ولی کشورهای ترکیه، مصر و اردن از امضای هر گونه قطعنامه که در آن از لزوم قطع ارتباط با اسرائیل شده باشند خودداری کردند و این بزرگترین نکته منفی برای این کنفرانس محسوب می شد. در جریان این گردهم آیی، یاسر عرفات بر شدت گرفتن انتفاضه فلسطینی ها تأکید کرد.

یک روز پس از پایان اجلاس سران کشورهای اسلامی بود که یازاک ضامن مصاحبه ای گفت که اگر احساس کند که با قتل عام حدافیل / ۲۰۰۰ (دو هزار نفر فلسطینی) قادر خواهد بود که به انتفاضه خاتمه دهد، دست به چنین عملی خواهد زد. او سپس دستور داد تا شهرهای واقع در منطقه غربی رود اردن و یوزا غره را از طریق هوا بمباران کردند. متدیلا رهبران حماس نیز تأکید کردند که انتفاضه باید به مبارزه منسحانه تبدیل شود به طوری که به دشمن خسارتی وارد آورد اکنون چشم انداز آینده زاد در کلام آخر می افزایم که فلسطین مال کیست؟

روشن است که فلسطین مال مردم فلسطین است. چه مسلمان و چه مسیحی و چه یهودی. این حکومتگران که از ۱۹۴۷ تاکنون در خاک اصلی فلسطین در تل آویو حکومت تشکیل داده اند هیچ کدام فلسطینی نیستند. همه اوکراینی، روسی، اوکراینی، گوریون، لهستانی، نومی اشکول، اوکراینی - گلدانایر اهل شهر کیف از ایالت اوکراین رومیه، اسحق شامیر، لهستانی، اینها ابتدا به تابعیت یکی از کشورهای عربی درآمد و سپس به قول خودشان به سرزمین موعود مهاجرت کرده اند. آن ها این منطقه را پایگاه خود ساختند که مبادا روزی یاسر دیگر تاریخ برای آن ها تکرار شود. صهیویست ها به این بهانه و دستاویز که دیگر کسانی چون تیراران روسیه باعث آزار یهودیان شوند و کسی چون هیتلر پیدا شود

کشورهای اسلامی در قطر شرکت نمایند. دولت قطر که می بایست میزبان سران کشورهای اسلامی باشد هنوز روابط تجاری و سیاسی خود را با اسرائیل حفظ کرده بود. در این مرحله دولت مردان جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند که در صورت ادامه چنین وضعی رئیس جمهوری اسلامی ایران سید محمد خاتمی، که تا آن زمان ریاست کنفرانس اسلامی را به عهده داشت، در کنفرانس دوحه در قطر شرکت نخواهد کرد. متعاقب این امر و بعهد عربستان سعودی نیز تهدید کرد که به کشوری نخواهد رفت که با اسرائیل هم چنان روابط خود را حفظ کرده است. در اثر تلاش های بی وقفه دولت جمهوری اسلامی ایران، قطر روابط خود را با اسرائیل قطع نمود و وزیر خارجه ایران در ۱۰ نوامبر ۲۰۰۰ به دوحه رفت تا مقدمات انتقال ریاست کنفرانس را از ایران به قطر فراهم نماید. کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در نشست خود در دوحه موفق شده در قطعنامه ای ضمن پشتیبانی از انتفاضه مردم فلسطین، از کشورهای مسلمان که با اسرائیل رابطه دارند بخواهد روابط خود را از هر نوع بوع که باشد با آن دولت قطع نماید. ۵۶ نماینده از کشورهای اسلامی بر این نکته با فشاری کردند که هر کشوری که با اسرائیل رابطه سیاسی دارد اگر سفارتخانه خود را به بیت المقدس منتقل سازد، کشورهای اسلامی بلافاصله رابطه خود را با آن کشور قطع خواهند نمود زیرا اقدس پایتخت آینده دولت فلسطین خواهد بود. بدین وسیله اجلاس دوحه در ۱۲ نوامبر ۲۰۰۰ به بزرگترین خواسته مسلمانان تن داد. در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۰ کنفرانس سران کشورهای اسلامی در دوحه پایتخت قطر با تعلق سید محمد خاتمی آغاز و سپس ریاست کنفرانس به امیر قطر سپرده شد. این اجلاسبه طلی قطعنامه ای که در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۰ صادر نمود، ضمن پشتیبانی از حقوق مردم فلسطین و استعرا از انتفاضه بار دیگر







روزبه کارودی

بی گناه شناخت، روزبه کارودی فرانسوی به همه افسانه سرانسی هائسی که درباره ظلم هائی که از جانب آلمان ها بر یهودیان رفته ایراد گرفته و ارقام پنج یا شش میلیون یهودی را که قربانی شدند اغراق آمیز دانسته است. حال باید خبرنگاری از «باراک و سران صهیونیست» پرسید؛ شما و هم مسلکانتان که مظلوم هیتلر را آن قدر با آب و تاب نقل می کنید و دولت کشور شما در ۱۹۶۰ آدنلف آپشمن را از امریکای جنوبی ربود و به اسرائیل آورده و به جرم کشتار شش میلیون یهودی اعدام کرد، با وجود اعلامیه حقوق بشر، چگونه به خود اجازه می دهید که بگوئید که من اگر تشخیص دهم همه آن هائی که در انتفاضه شرکت کرده اند قتل عام می کنم. آیا این کار جنایت علیه بشریت نیست که جواب قتلوه سنگ را با نفسنگ دورین دارو بمب ناپالم بدهید و فرزند را در آغوش پدر (محمدالدوره) به شهادت برسانید؟ مطمئن باشید اگر چنین کنید تاریخ برای شما و همه افرادی مثل شما تکرار خواهد شد، این جبر تاریخ است چه بخواهید و چه نخواهید. تاریخ برای غاصبان سرزمین فلسطین تکرار خواهد شد. آن ها باید از تکرار تاریخ بترسند. رهبران اسرائیل از بن گوریون تا هر که باشد به کمک اسلحه سو داگران اسلحه و حمایت سیاسی ابر قدرتها در ۱۹۴۸ با عده ای قلیل

از هم نژادان خود بر یکصد میلیون عرب مسلط شدند. اما باید دانست که یک سال، ده سال، صد سال را نمی توان میزان بقای قوم و ملتسی دانست. در همین فلسطین، صلیبی ها صدسال حکومت کردند و با آن که دولت های قدرتمند اروپائی پشت سر آن ها بودند، دست آخر بدست یک کرد مسلمان بنام صلاح الدین ایوبی از این سرزمین بیرون ریخته شدند. انگلیسی ها به مدت دو بیست سال بر هند حکومت کردند. عاقبت در سایه مبارزه و وطن دوستان هندی همه آن ها به بیرون ریخته شدند. خلاصه آن که بقای دولت اسرائیل در فلسطین غیر طبیعی است و به همین جهت غیر ممکن به نظر می رسند. با آن که نیم قرن از حکومت آن ها می گذرد ولی این مدت در برابر اشغال فلسطین توسط اقوام دیگر در طول تاریخ، هیچ است. اسرائیلی ها باید بدانند که همیشه بین دولت های عرب و یا مسلمان اختلاف وجود نخواهد داشت. هیچ زمانی بهتر از امروز پیش نیامده که کشورهای عربی و اسلامی این قدر به یکدیگر نزدیک شوند.

زمانی خواهد رسید که در سایه وحدت مسلمانان و اعراب خواب از چشم صهیونیست ها ریوده خواهد شد، آنان باید از آن بترسند که اگر فرضاً انتفاضه ای هم وجود نداشته باشد زمانی فرا خواهد رسید که رژیم های اردن و مصر یا اسرائیل نه تنها قطع رابطه نمایند بلکه دچار اصطکاک شوند، آن وقت وضع خیلی با امروز تفاوت خواهد کرد. در حال حاضر در مقایسه با سال های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ جمعیت اعراب دو برابر شده و در آینده بیشتر خواهد شد و چنانچه جنگی بین اعراب و اسرائیل شعله ور شود، فرض کنیم که سی میلیون عرب کشته شد ولی با این تلفات از کل جهان عرب چیزی کم نخواهد شد اما اگر چهار میلیون اسرائیلی کشته شود، دیگر کسی از آن ها نخواهد بود که تاریخ برای او تکرار شود.

منابع:

- ۱- دفاع از فلسطین و الجزایر، احمد شوقیری، ترجمه ابراهیم آینی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۱
- ۲- نهضت مقاومت فلسطین، جerald شالیند، ترجمه مهدی خسروی، بی نا، تهران، ۱۳۵۲
- ۳- جنگ رمضان، حسین هیکل، ترجمه کاظم موسائی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۴
- ۴- در خاور میانه چه گذشت، ناصرالدین نشاسینی، ترجمه محمدحسن روحانی، تهران، ۱۳۵۰
- ۵- صد میلیون عرب، تیر عبادی ژاردن، ترجمه حسین مهری، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۵
- ۶- جنگ اعراب و اسرائیل ۱۹۶۷، دمرون، ترجمه ناصر زرافشان، انتشارات سپهر، تهران، ۱۳۵۲
- ۷- جنگ داخلی لبنان، علی اکبر کسمانی، بی نا، تهران، ۱۳۵۵
- ۸- جهان اسلام، مرتضی اسعدی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۵
- ۹- تاریخ خاورمیانه ژورن لیچافسکی، ترجمه دکتر جزایری، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۲۷
- ۱۰- تاریخ معاصر کشورهای عربی، خاورشناسان شوروی، ترجمه دکتر روحانی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۷
- ۱۱- جراید بومیه تهران کیهان و اطلاعات، مهر و آنان ۱۳۷۹
- ۱۲- محله یغما، شماره ۳۵۳، سال بیست و دوم مهرماه ۱۳۴۸ (مقاله ای تحت عنوان: من از تکرار تاریخ می ترسم)

1. The Middle East North Africa  
London 1984-85

- انتفاضه به معنی تکانی است که گنجشک های یال و پر حبس شده به طور ناگهانی به خود می دهند تا با خشک شدن پر و بالشان قادر به پرواز گردند. فلسطینی ها برای جنبش خود از این واژه استفاده کرده اند و می گویند همان طور که گنجشک با یک تکان ناگهانی و شدید خود را از زمین می رهاند و آزاد می سازد ما نیز باید چنین کنیم تا آزاد گردیم.
- چنان که می دانیم این ادعا نیز در سالهای اخیر مورد تردید واقع شده است. مقاله «تاریخ یک ارتداد» را در همین شماره بخوانید.





- ۷. وزن سلاح بدون حشابت: ۵۷۲ گرم
- ۸. وزن سلاح با حشابت خالی: ۶۲۶/۲۰۰ گرم
- ۹. وزن سلاح با حشابت پر: ۶۸۶/۴۰۰ گرم
- ۱۰. وزن حشابت خالی: ۵۴/۱۱۶ گرم
- ۱۱. وزن حشابت پر: ۱۱۴/۲۳۰ گرم
- ۱۲. برد مفید: ۵۰ متر
- ۱۳. وزن یک عدد فشنگ: ۷/۶۳ گرم

#### بربر لوپس

۱. اسلحه‌ای که میسر و بیسوز دارد، با فشار غیر مستقیم اگر چه سلاح می‌شود و اسلحه‌ای نه مستقیم بیسوز ندارد. - فقط مستقیم اگر بیسوز مستقیم می‌شود فشنگ ۳۰۰ میلی جازبی. - مستقیم MP5. - مستقیم برنا، انواع سلاح‌های توری، با فشار مستقیم اگر باروت مستقیم می‌شود. همچنین از میان اسلحه‌هایی که با فشار غیر مستقیم کار می‌کنند سلاح می‌شوند، می‌توان از فشنگ کلاشینکف، فشنگ M1 و توری کلاشینکف نام برد.

۲. کارشناس آموزش دفاعی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

می‌بایست گرفته شود. یعنی هر ادایا کشیدن ماشه به عقب می‌بایست به قبضه طبلانچه‌ای شکل به سمت داخل نیرو وارد شود تا عمل شلیک انجام شود. فشنگه نشانه روی آن شامل انگشک ثابت و ازورنه دیده قابل تنظیم است که تنظیم اول آن توسط کارخانه سازنده انجام می‌گردد. سلاح کمتری لااما تقریباً مدلی کوچک شده سلاح کالیبر ۱۲۵ ساخت آمریکا است که توسط کارخانه‌های اسلحه سازی کشور اسپانیا ساخته می‌شود.

#### مختصات سلاح کمتری لااما

- ۱. کالیبر: ۷/۶۵، میتمبر یا ۳۲/۰۱ اینچ
- ۲. تعداد جاک: ۶ عدد
- ۳. گردش جاک: از راست به چپ
- ۴. طول سلاح: ۱۹ سانتیمتر
- ۵. طول لوله سلاح: ۹/۶۰ سانتیمتر
- ۶. ارتفاع حشابت: ۱۰ سانتیمتر

در این شماره از مجله رشد قصد داریم، مطالبی چند پیرامون نوعی سلاح کمتری برای افزایش معلومات نظامی دلبران آمادگی دفاعی ارائه کنیم. ان شاء الله با پیشنهادات سازنده و ارسال مطالبات، عناوین دیگری رساندن به همکاران از جمله، مستاعدت فرمایید.

#### سلاح کمتری لااما

##### مختصات سلاح

سلاح کمتری لااما، اسلحه‌ای نیمه خودکار است که با فشار مستقیم گز باروت، مستقیم و لوله‌ای با هوا خشک می‌شود. این اسلحه کمتری با حشابت ۸ فشنگی و از پایین تغذیه می‌شود. این سلاح کمتری دارای ضامن قبضه‌ای می‌باشد که هنگام شلیک سلاح همراه ماشه



غلامرضا عاشوری

# LLAMA

آموزش و تالیف  
کتابخانه





# شابک = ؟ ISBN

در پشت جلد یا در صفحه شناسنامه بسیاری از کتاب ها و کتاب های درسی ، معمولاً کلمه «شابک» همراه با چند شماره متفاوت که با خط تیره از هم جدا شده اند، دیده می شود. بسیاری علاقه دارند بدانند این کلمه و این شماره ها چیست و چه معنی دارد؟

شابک، یعنی: شماره استاندارد بین المللی کتاب؛ بنابراین یک شماره جهانی است و هر کتابی که دارای این شماره باشد، در تمام جهان، از طریق شبکه بین المللی کتاب، قابل شناسایی است. حال ببینیم این شماره ها هر کدام به چه معنا هستند.

شابک از ده رقم تشکیل شده است که خود به چهار قسمت با طول های متفاوت تقسیم می شود:

## قسمت اول: شناسه گروه

این عدد که نشان دهنده ملیت، جغرافیا و زبان است، برای ایران ۹۶۴ است. یعنی سه رقم اول شابک در ایران برای هر کتابی همین عدد است.

## قسمت دوم: شناسه ناشر

ناشر خاصی را در یک گروه مشخص می کند و لذا به یک ناشر معین تعلق دارد. مثلاً شناسه «انتشارات مدرسه» ۴۳۶، «نشر سوره» ۵۵۲۵، «نشر نی» ۳۱۲ و «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» ۴۳۰ است.

## قسمت سوم: شناسه عنوان

این قسمت عنوان خاص یا چاپ خاصی از یک عنوان را مشخص می کند. شناسه عنوان فاعداً توسط خود ناشر اختصاص می یابد. ناشرانی که رأساً شناسه های عنوان خود را برمیگزینند، می توانند از آن ها برای شناسایی عنوان های خود در داخل مؤسسه، براساس رده های برنامه ریزی شده، استفاده کنند.

## قسمت چهارم: رقم کنترل

این قسمت شامل یک تک رقم در انتهای شابک است و روش خودکاری برای اطمینان از درستی شابک به دست می دهد. رقم

کنترل یا محاسبه ای که روی نه رقم دیگر انجام می دهند، به دست می آید. این محاسبه معمولاً توسط رایانه انجام می شود و هدف آن، تشخیص خطا در شماره های اختصاص یافته است.

این توضیح را هم بیفزاییم که با داشتن «شابک» بدون آن که نیازی به رویت باشد، سفارش کتاب از هر جای دنیا امکان پذیر است. مبادله، خرید و فروش، بسته بندی برای ارسال یا فروش، فهرست برداری و انبارداری کتاب نیز بسیار تسهیل می گردد، بی آن که حتی احتمال خطا وجود داشته باشد. زیرا شابک نادرست یا تکراری به سادگی و بر اساس رابطه ریاضی موجود بین ارقام آن، با ساده ترین کامپیوترهای شخصی قابل شناسایی است و از ورود آن به کامپیوتر از همان ابتدا جلوگیری خواهد شد. چنانچه در مراحل پیشرفته تر، همراه با درج شابک بر روی کتاب رمز میله ای استاندارد که بر اساس شابک قابل تهیه است چاپ شده باشد خواندن و وارد کردن اطلاعات کتاب به کامپیوتر نیز با سرعت و دقت و با هزینه بسیار اندک امکان پذیر خواهد شد.

شابک ۷-۰۵۰۰۷۴-۰۵-۹۶۴  
ISBN 964-05-0074-7

شابک



شابک میله ای



# جامعه پذیری، نظم و

راهنمایی را، ویژگی‌ها و سازهای اساسی یک شهروند جامعه اسلامی قرار داد تا دانش آموزان پس از پایان این دوره نسبت به نگرش‌های رفتاری شهروندی، شناخت کافی داشته باشند و عطای آن‌ها را جبران کنند.

با توجه به این مهم، بر آن شدیم تا مفهومی بسط‌آمیز از جامعه‌پذیری و عوامل مؤثر در آن اجراء دهیم. بنابراین، دوستان و ...! در چند شماره گذشته شما همکاران عزیز و دبیران محترم علوم اجتماعی گنیه در این شماره، مفهوم جامعه‌پذیری و زمینه تاریخی آن، مراحل جامعه‌پذیری و رابطه جامعه‌پذیری و نظم اجتماعی را مقرر می‌کنیم. در شماره‌های بعدی به عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری و آسیب‌شناسی هر یک از آن‌ها به صورت مبسوط خواهیم پرداخت.

## جامعه‌پذیری

جامعه‌شناسان این اصطلاح را در وصف فرایندی به‌کار می‌برند که مردم از طریق آن، خو گرفتار نهادن در نهادها و اجتماعات را می‌آموزند و در آن جامعه و انتقال فرهنگ آن را از نسلی به نسل دیگر امکانپذیر می‌سازند. این فرایند از دو طریق به‌تصور درآمده است:

۱) جامعه‌پذیری را می‌توان به‌عنوان جذب و ذهنی شدن نهادها و اجتماعات اجتماعی در نظر گرفت.

۲) جامعه‌پذیری را می‌توان به‌عنوان یکی از عناصر تعامل اجتماعی به‌تصور در آورد.

در فرهنگ علوم اجتماعی، «جامعه‌پذیری» در زبان فرانسوی به معنای انتقال فرآیند چیرگی است که در گذشته به صورت خصوصی، خانوادگی و شخصی وجود داشته، به فلسفه اجتماعی، بویژه دولتی، همچنین، به معنای فرایندی است که

به‌صورت کلی می‌توان گفت که مدارس دو وظیفه عمده بر عهده دارند: یکی انتقال معلومات و دانش به دانش‌آموزان و بنا بر آن، در اختیار استعدادهای ذهنی آن‌ها، و دیگری، کمک به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، کمک به جامعه‌پذیری، به‌عنوان یکی از وظایف مراکز آموزشی، اگر بسیار مهم‌تر از انتقال معلومات و دانش تصور نشود، حداقل در همان درجه از اهمیت قرار دارد. زیرا جامعه اینطور دارد که افراد، علاوه بر دانش و مهارت تخصصی خود، از نظر اجتماعی نیز مطلوب باشند. رفتار خود را به نگرش‌های رفتاری و ارزش‌های متداول و مورد احترام جامعه وفق دهند، باید و باید‌های اجتماعی را رعایت کنند و از دست زدن به اعمالی که ممکن است موجب به‌خطر افتادن یا از هم گسختگی زندگی اجتماعی شود، پرهیز کنند.

بنابراین، آموزش و پرورش و مدارس به‌عنوان نهادهای تخصصی خود، تربیت اجتماعی یا جامعه‌پذیری دانش‌آموزان را نیز بر عهده دارند. مهم‌ترین ماده درسی که می‌تواند به این امر جامعه عمل بپوشاند، کتاب‌های تعلیمات اجتماعی هستند که هدف کلی آن‌ها، تربیت اجتماعی دانش‌آموزان است؛ به‌صورتی که دانش‌آموز توانایی لازم را برای ایجاد ارتباط اجتماعی با گروه‌های مختلف به‌دست آورد و نقش مؤثری در گروه‌ها ایفا کند. همچنین، بتواند نهادها و مؤسساتی که افراد جامعه برای تأمین نیازهای خود به آن‌ها مراجعه می‌کنند، از لحاظ لازم و مناسب برقرار کند و بازعات قوانین و مقررات آن‌ها به نیازهای روزمره خود جامعه عمل بپوشاند. به‌علاوه، به‌عنوان یک شهروند، بتواند به نقش خود در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی عمل کند.

بر این اساس، آموزش برنامه‌ریزی گروه علوم اجتماعی در تدوین هدف‌ها، محور عمده تألیف کتاب‌های اجتماعی دوره





# نظارت اجتماعی

هماهنگ باشد.<sup>۱</sup>

این تعریف را بعداً «امیل دورکیم»<sup>۲</sup>، دانشمند فرانسوی به شکل کامل تری ارائه داد. دورکیم از درونی کردن هنجارها سخن گفت و جامعه پذیری را در ارتباطی تنگاتنگ با تعلیم و تربیت مطرح نمود. او همچنین، تعلیم و تربیت را مهم ترین ابزار برای درونی کردن هنجارهای اجتماعی قلمداد کرد. در ابتدای قرن بیستم، بار دیگر اصطلاح «جامعه پذیری» تعریف جامع و کامل تری به خود گرفت و گفته شد: «جامعه پذیری در ارتباط تنگاتنگی با ساختار جامعه، هنجارهای جامعه و ساختار شخصیت انسان قرار دارد.»<sup>۳</sup>

این تعریف جامع و سیستماتیک، قبل از هر چیز مدیون یافته های «فروید» (۱۹۳۹-۱۸۵۶) در روان شناسی بود. از افراد دیگری که کوشش هایش بر حوزه نظریات جامعه پذیری تأثیر نهاد، باید از «جرج هربرت مید»<sup>۴</sup> نام برد.<sup>۵</sup>

## مراحل جامعه پذیری

از دیدگاه «پارسنز»<sup>۶</sup>، جامعه پذیری روندی است که طی آن انسان به مفهوم عام می آموزد که نقش هایش چیست. این نقش ها توسط دیگران برای فرد تعیین می شوند. فرد در فرایند «جامعه پذیری»، مجموعه ای از «بایدها و نبایدها» را می آموزد. در هر صورت، «جامعه پذیری» در یک ارتباط متقابل انجام می گیرد. در چارچوب «نظریه عمومی رفتاری» پارسنز، جامعه پذیری فرایند فراگیری است که هدف آن فراگیری دانش لازم برای انجام رفتار درست است و رفتار درست همان وظیفه ای است که پذیرفته شده است (پارسنز ۱۹۵۱). جامعه پذیری، فراگیری نقش های خویش و درونی کردن ارزش ها و هنجارهای نهادینه شده یک فرهنگ است تا جایی که

بر پایه آن، مجموعه حیات و فعالیت های انسانی در شبکه وابستگی های متقابل اجتماعی جای می گیرند. در زبان آمریکایی، این واژه فرایند تأثیر متقابل بین یک شخص و محیط اجتماعی او را می رساند که نتیجه آن، پذیرش مدل های رفتار اجتماعی در آن محیط و پیدایش نوعی انطباق متقابل بین فرد و جامعه است. در این معنا، اجتماعی شدن، فرایندی است روانی- اجتماعی که بر پایه آن، شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط و مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی، تشکیل می یابد.<sup>۷</sup>

## زمینه تاریخی

جامعه پذیری یا socialization را غالباً به عنوان روندی می شناسیم که طی آن، انسان «اجتماعی شدن» را می آموزد. جامعه پذیری را می توان «راهبری، مراقبت و شکل دادن» انسان دانست که ضرورتاً، از طریق انتظارات و کنترل هایی که دیگران بروی اعمال می کنند، صورت می گیرد. حیوان از بدو تولد باغرایر و رفتاری منحصر به فرد به دنیا می آید؛ یعنی ابزاری به صورت موروثی در اختیار او قرار می گیرد تا امکان بقای حیات او را فراهم سازد. اما در مورد انسان، بشردت «رفتاری» را می شناسیم که به طریق ارثی انتقال یافته باشد. در عوض، برای آن که انسان قادر به ادامه حیات باشد، باید تمامی عمر را با «فراگیری» سپری کند.

اصطلاح جامعه پذیری را برای اولین بار «رُس»<sup>۸</sup>، محقق آمریکایی در قرن نوزدهم به کار برد. او در کار تحقیقی خود، تحت عنوان «کنترل های اجتماعی»، جامعه پذیری را چنین تعریف کرد: «روندی که در آن احساس ها و خواسته های افراد به گونه ای شکل می گیرد که با نیازهای گروه (جامعه) دمساز و



بتوان به انتظارات دیگری پاسخ داد.

در ابتدا جامعه پذیری، انسان هارفته رفته به رنگ نظام و هنگی خود در می آید و تا آن سازگار می شوند؛ به عبارتی دقیق تر، به فرهنگ خود ملحق می شوند. وقتی فرد وسط جامعه پذیری است و فرهنگ خود ملحق گردیده، این توانایی را به دست می آورد تا در انطباق نقش ها یا «نظام وظیفه»، با توجه به ارزش های درونی شده در خود، عمل کند. «جامعه پذیری آن چنان تأثیر عمیقی بر انسان دارد که طبیعت وی، یعنی غرایز فیزیکی او را هم با ارزش های «نهاده شده» جامعه، همسو و سازگار می سازد. پارسیر یا تک به نظریه فریید، جامعه پذیری را به سه مرحله تقسیم می کند که هر مرحله نسبت به مرحله قبل، هم گسترده تر و هم پیچیده تر است:

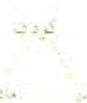
### مرحله اول

در این مرحله، نورادامادر را درونی می کنند. این مرحله شامل اولین ارزش های زندگی انسان است. در این ایام، هنوز نورادامو فیزیکی نیست که مادرش را، یعنی منبع پاسخگویی به نیازهایش، و ذاتی مفصل از خود بداند. به نوجوان این کیفیت، بازسازی اولین مرحله با امر حبه هویت مادری می آید. در ایام نخست زندگی کودک، طبیعتاً رفتار متقابل دو جانبه هم بر اساس نقش آیه و نقش صورت می گیرد؛ زیرا کودک این حدایی را نمی فهمد. او به صورت عام و گسترده برای رفع نیازهایش به مادر وابسته است. خلاصه آن که کودک در این مرحله نظام وابستگی را درونی می کند.

### مرحله دوم

در مرحله دوم، پدربخ کودک شروع به شناسایی نیازهای غیر می خویش می کند و رفته رفته می آموزد که او موجودی مستقل از مادر است. ناشناخت تدریجی این حدایی، رفتار متقابل بین مادر و کودک آغاز می گردد و مادر به طرف مقابل کودک برای ایشای نقش متقابل می شود (و بالعکس). از این جا ارتباط دو جانبه امادر، به کودک، از یک سو موجب تشدید وابستگی کودک به مادر (نظام بیرونی) می شود و از سوی دیگر، کودک نظام بیرونی (مادر) را تا آن جا در خود جذب و درونی می کند که به مرحله خودگردانی برسد. پس با پایان مرحله دوم، دو نظام در کودک درونی شده اند؛ یکی نظام وابستگی، و دیگری نظام خودگردانی.

### مرحله سوم

این مرحله را می توان مثلث رفتاری  نامند. از این سیستم، خانواده به عنوان یک امساخت در خود آگاه کودک جا می افتد و بر این اساس، کودک قادر می شود نقش اعضا را در خانواده تشخیص دهد. کودک در می یابد که نقش پدرش در خانواده نقش

ایزایی است؛ یعنی پدرش پذیرفته است که رابطه خانوادگی را با محیط بیرون برقرار کند. در ضمن، وظیفه شغلی او هم تهیه مایحتاج و رفع نیازهای مادی خانواده است.

نقش نقش مادری، در قریب نیمی است اهمیت روحی و عاطفی برای خانواده است. ساختار این نقش توسط کودک، نقش مادر (نقش عاطفی) درونی می شود. کودک در می یابد که مادر با ایشای نقش عاطفی خویش، کنش و تها و نگرانی ها را اثر مسیر و طریقت خود در هر طرف می کند تا این نهاد را حاکم کند و بدینست. پس از طریق پدر هویت می پذیرد و می آموزد که در آینده، نقش ایزایی خویش را به عنوان پدر بردوش بگیرد. دختر، مادر و بی گزین نقش مادر، هویت می پذیرد و نقش آیه خویش را می آموزد. در پایان مرحله سوم، کودک مجموعاً دو نقش دیگر را پذیرفته است؛ اولی نقش سلی، یعنی وظیفه ای که او در بر سر سلی که به آن تعلیق دارد، و دومی نقش چیست، یعنی آنچه چیست او (مردودنی) را تو طلب می کند.

اجه و در برابر سلی خویش انا خواهد شرد و وظیفه ای که در میان سلی خویش به عهده خواهد گرفت، انعام به طبیعت های درونی شده در مرحله اول و دوم، یعنی وابستگی او خودگردانی او می گردد. اما نقش چیست در کودک (فرد) برای پیوستن به نهاد ایزایی او برای دختر و به نظام عاطفی «مستوار» است. در این حضور مرحله سوم به پایان رسیده است. زیرا نقش ایزایی او هم، دختر چچه مادر و فرزند مقابل به پدر و برادر خویش (مردودنی در خانواده) درونی می کنند. همچنین که پس از چچه هائیز در رفتار متقابل به مادر و خواهر خویش نقش عاطفی را بر می گیرند. در پایان مرحله سوم، کودک چهار نظام وابستگی، خودگردانی، عاطفی و ایزایی مجموعه ای درون انتقال داده است و گویی این چهار نظام، شرط لازم برای ایشای نقش (زندگی اجتماعی) او در هر جامعه، فراهم می آید.

### مرحله چهارم

در بر ماب جمله پای کودک به حوزه جدیدی کشیده می شود. همسالان، و به اصطلاح گروه همسایگی، این امکان را، اختیار و قرار می دهند که بتواند فراتر از خانواده هم قدم ببرد. کودک، به مرحله رفتار گروه همسالان در محیط بیرون از خانواده، در می یابد که عمده آنچه در خانواده وی معنی و تربیت معرفی گردیده است، توان از شر عامه اند. در کنار این اعتبار «عام» او متوجه می شود که بخشی از امور خانه ها هم «خاص» خانواده وی بوده است. در این سیستم است که در نظام «خاص» او ابعاد ایزایی می کند. با ترک نظام عام، وی به این تامل می رسد که آنچه ها و اعتبارهای خویش را تعمیم دهد. مثلاً به این مطلب گاهی می یابد که تنها او نیست که صحبت پدر است بلکه هر یک از همسالان وی نیز پدری دارد و بر این جمعه به پدران او، ذهن وی جلی بر می کشد.

آموزش و پرورش



این توانایی جدید، یعنی شناخت نظام‌های «عام» و «خاص»، بسادگی به نظام‌های چهارگانه قبلی افزوده نمی‌شود؛ بلکه فرد (کودک) آن‌ها را به مثابه ملاک سنجش به کار می‌گیرد و توسط آن‌ها، سیستم‌های چهارگانه قبلی را مورد سؤال قرار داده و شرایط را از یک دیگر تفکیک می‌کند. به عبارت دیگر، «خاص» یا «عام» بودن نقش‌ها را تعیین می‌کند. برای مثال، وی تشخیص می‌دهد که آنچه تحت عنوان «نقش نسلی» فراگرفته است، جنبه «عام» دارد؛ اگرچه نزدیک‌ترین افراد (کودکان) متعلق به نسل او شدت و ضعف دارد. نظام‌های «خاص» و «عام» فرد را قادر می‌سازد تا سیستم‌های قبلی را که درونی کرده است، به منظور ایفای نقش از یک دیگر تفکیک کند تا هر نقش را در جای لازم ایفا کند.

### مرحله پنجم

انتخاب شغل یا فراگیری حرفه از دیدگاه پارسستر، آخرین مرحله جامعه‌پذیری برای انسان است. او در این مرحله متوجه اختلاف بین نقش‌های خویش می‌شود. از یک سو، نقش‌هایی که به او تحمیل شده است («نقش نسلی» و «نقش جنسیتی»)، از سوی دیگر، نقش‌هایی که خود با اختیار و تصمیم فردی آموخته است (شغلی و حرفه‌ای). پارسستر، تمامی نظام‌های بیرونی را - چه آن‌ها که به فرد آموخته شده و چه آن‌ها که با تصمیم فردی توسط خود وی فراگرفته شده است - «نظام‌های بیرونی کیفی» و «نظام‌های بیرونی کار» می‌نامد. با فراگیری حرفه، نظام بیرونی جدیدی درونی می‌شود و به مجموعه نظام‌های قبلی اضافه می‌گردد. با درونی شدن این مجموعه نظام‌های بیرونی، فرد قدرت پنداری می‌کند که در هر شرایطی، نقش در خور آن شرایط را ایفا نماید. در این جا، دیگر ارزش‌های فرهنگی جامعه هم عموماً توسط فرد پذیرفته شده‌اند و انتظارات دیگران، با رفتارهای بهنجار از سوی او پاسخ داده می‌شود؛ یعنی، نیازهای فرد مطابق با کنش دیگران، و کنش وی در جهت رفع نیازهای دیگران است. بدین طریق است که نظام فردی و نظام اجتماعی دست در دست یک دیگر می‌نهند و بدون اختلال عمل می‌کنند.<sup>۱۱</sup>

### جامعه‌پذیری و نظم اجتماعی

اما اجتماعی شدن چه نقشی در هماهنگی جامعه و نظم اجتماعی دارد؟ به بیان دورکیم «قوم جامعه به دو چیز است:

۱. ارزش‌ها و اموری که اگر وجود نداشته باشند، جامعه قوام نمی‌یابد.

۲. تقسیم کار در جامعه.

بنابراین، جامعه هم از جهت این که افرادش باهم شباهت دارند و یک هویت جمعی را تشکیل می‌دهند، به جریان اجتماعی شدن نیازمند است، و هم از جهت این که می‌خواهد هر فردی کاری انجام دهد، در جامعه تقسیم کاری ایجاد می‌کند. اگر جریان اجتماعی شدن بدرستی

انجام نشود، تقسیم کار اجتماع هم دچار اختلال خواهد شد. یعنی، عدم اجتماعی شدن در قسمت اول، هویت جمعی را از بین می‌برد و افراد از جامعه بیگانه می‌شوند. در حالت دوم نیز، افراد کارایی‌شان را از دست می‌دهند؛ یعنی کاری را که برعهده دارند، درست انجام نخواهند داد. چون تکالیفی که باید انجام بدهند، برایشان درونی نشده است. بنابراین، باز هم در جامعه اختلال ایجاد خواهد شد.

اهمیت اجتماعی شدن برای جامعه یا برای نظم اجتماعی در این است که اگر این مکانیسم‌ها از بین برود یا این فعالیت‌ها و فرایندها انجام نگیرد، خودبه‌خود جامعه دچار آسیب‌های بسیار اساسی خواهد شد. البته اگر این انحرافات به وجود بیاید، آشکال مختلفی به خود می‌گیرد. گاهی عدم «درست اجتماعی شدن» موجب می‌شود که افراد از جامعه خود بیگانه شوند. در صورتی که انحرافات اجتماعی در اثر عدم «درست اجتماعی شدن» به وجود آید، جامعه مجبور است از حربه مجازات استفاده کند. اما حتی مجازات نیز برپایه درونی شدن یک سلسله از ارزش‌هاست که می‌تواند اعمال شود. اگر ارزش‌های درونی شده‌ای که به مجازات مشروعیت می‌بخشند، وجود نداشته باشند، مجازات به عنوان یک زور، یک فشار و یک ظلم تلقی می‌شود. پس حتی مکانیزم «کنترل اجتماعی» برپایه و بنیاد «مکانیزم اجتماعی شدن» استوار است؛ یعنی اگر اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری صورت نگیرد، کنترل اجتماعی نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد.<sup>۱۲</sup>

زیرنویس:

۱. محمد مهدی ناصری. خانواده و تعلیمات اجتماعی. رشد آموزش راهنمایی تحصیلی (سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۶). ص ۵۳.
۲. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی. شیوه‌نامه برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای اجتماعی. دوره راهنمایی. ص ۱.
۳. نیکلاس آبرکراسی، استن هیل، برایان اس ترنر. فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه حسن پویان. چاپ اول. (تهران، ۱۳۶۷). ص ۳۶۰.
۴. آل بیرو. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه دکتر باقرساروخانی. چاپ دوم. (تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰). ص ۳۶۳.

5. Ross

6. E. Durkeim 1858-1917.

7. G.H. Mead 1863-1931.

۸. فرهاد مرادزاده. جامعه‌پذیری. رشد آموزش علوم اجتماعی (سال پنجم، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۲). ص ۴ و ۵.

9. T. Parsons 1902-1979.

۱۰. منبع شماره ۸، ص ۱۱ تا ۹.

۱۱. احمد رجب‌زاده. جامعه‌پذیری و نظم اجتماعی. رشد آموزش علوم اجتماعی (سال سوم، شماره ۱۲ و ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۷۱). ص ۲۶ و ۲۷.

• این مقاله از سوی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی در اختیار مجله قرار گرفته است.



با کتاب های رشد در شماره ۲۱ مجله آشنا شدید. این مجموعه را دفتر انتشارات کمک آموزشی منتشر می کند؛ با این هدف که جمع قابل توجهی از مشاهیر ایران را، چه معاصران و چه گذشتگان، به نوجوانان بشناساند. این کتاب ها که در قالب داستان منتشر می شوند، اغلب حجمی کم تر از صد صفحه دارند. در قطع پالتوسی چاپ می شوند، بهای نسبتاً ارزانی دارند و از کاغذ خوب و روی جلد ریبا نیز برخوردارند. از تازه ترین کتاب های این مجموعه، چهار کتاب است: «بیهقی» از داود غفارزادگان، «خواجسته نظام الملک» از فرهاد حسن زاده، «خواجسته نصیرالدین طوسی» از عبدالحی شماسی و «حسین بهراده» به قلم مهدی الماسی

اکنون پنج سال است که مجله ریاضی «برهان» را انتشارات مدرسه برای دانش آموزان دوره راهنمایی چاپ و منتشر می کند. برهان که با همت و تلاش جمعی از دبیران و صاحب نظران ریاضی کشور تهیه می شود، مورد استقبال بسیاری از دبیران و دانش آموزان قرار گرفته است و یقیناً در اعتلای دانش ریاضی در کشور نقشی ارزشمند دارد. در شماره ۱۹ برهان که اخیراً منتشر شد، وعده داده اند که از این پس، برهان را با قطعی متفاوت از آنچه تاکنون بوده، منتشر سازند تا بیش تر به مجله شبیه باشد تا کتاب؛ چنان که اکنون هست.

کتاب کار و خودآزمون هدفدار فارسی سال اول راهنمایی، از کتاب های مناسب به عنوان کتاب کمک درسی یا کمک آموزشی است. این کتاب که تاکنون چندین بار به چاپ رسیده و اکنون با ویرایش جدید و جرح و تعدیل های لازم انتشار یافته است، قالبی تعریف شده و سبکی مشخص دارد. به این ترتیب که برای هر درس، دو دسته سؤال چند جوابی و تشریحی طرح شده و یک دسته از آن، شامل سؤال هایی است که به تکنیک سطح یادگیری (دانش، فهم، تجزیه و تحلیل) از هم جدا شده اند. علاوه بر این، هر درس شامل یک جدول با عنوان «هدف و محتوا» است که توجه به آن، به تعمیق یادگیری کمک می کند. بالاخره باید گفت، مؤلفان این کتاب خود از مؤلفان (سیمنا وزیرنیا) و کارشناسان (حسین قاسم پور مقدم) کتاب های فارسی سال اول راهنمایی هستند و لذا می توان امیدوار بود که کار آنان، به لحاظ ارتباط با متن کتاب درسی، از امتیاز برخوردار باشد.

«شعر به شعر»، حاوی اشعاری از شاعران جهان است که محمود کیانوش آن ها را به شعر فارسی ترجمه کرده و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را انتشار داده است. شعر کوتاهی از این کتاب را از خانم الیزابت فالن، شاعر انگلیسی می خوانیم:

به به بیامادر، بین ماه  
آن جا چه زیبا می درخشد  
پر نورتر از هر چراغی  
در آسمان ها می درخشد

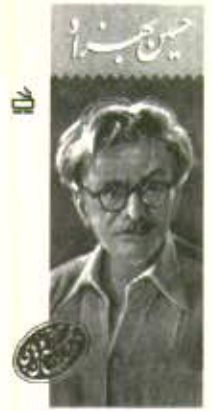
دیدم همین یک هفته پیش  
انگار خیلی زودتر بود  
مثل کمان نازک، خمیده  
کوچک تر و کم نورتر بود

جالا بین خیلی بزرگ است  
یک دایره، مانند بشقاب  
گویم به او در این سیاهی  
زیبایی، ای مهتاب، مهتاب



آموزش راهنمایی  
مجموعه کتابها





کتاب «آنچه معلم علوم باید بداند»، ایده‌های عملی و جالب زیادی دارد که توسط معلمان کشورهای مختلف جهان طراحی شده‌اند، تا آموزش علوم به دانش‌آموزان را آسان کنند. هر معلم علمی که به دنبال ایده‌های نو و پیوند دادن علم به زندگی است این کتاب را با ارزش خواهد یافت.

فعالیت‌های عملی و آزمایشی کتاب، به زمینه‌های زیست‌شناسی، شیمی و فیزیک مربوط است. طراحی آن نیز به گونه‌ای است که به آسانی می‌توان موضوع مورد نظر را در آن پیدا کرد. معلمان دوره دبستان و راهنمایی تحصیلی می‌توانند از این کتاب، به همراه کتاب درسی، استفاده کنند.

در این کتاب، روش استفاده از مواد ساده، ارزان و در دسترس معرفی شده است. البته مطالب مفیدی نیز در زمینه تمرین، تدریس، پرورش ایده‌های تازه و تولید وسایل و ابزارهای جدید در کتاب وجود دارد.

کتاب آنچه معلم علوم باید بداند

- منبعی نو و دارای ایده‌هایی متفاوت با روش سنتی است.
- دربردارنده بخش‌هایی مربوط به تمرین آموزش، ایده‌های علمی آزمایشی و فهرستی از مواد و ابزارهای لازم در کار است.
- دارای کاربردی آسان، تصویرهای فراوان و شیوه انجام آزمایش‌ها و فعالیت‌هاست.
- هم برای معلمان تازه‌کار و هم برای معلمان ورزیده مفید است.



# معرفی کتاب

آموزش و پرورش



# آموزش حرفه و فن و چشم اندازی به آینده

جواد یزدانی\*

می‌کشد. (معافی، ۱۳۷۷، ص ۳۳)

در میان درس‌های آموزش عمومی (دوره راهنمایی تحصیلی)، درس آموزش حرفه و فن بیش از سایر درس‌ها، اهداف فوق‌را محقق می‌سازد.

ماده درسی اشباح حرفه و فن برای اولین بار، به دنبال تصویب طرح مقدماتی اصلاح نظام آموزش و پرورش کشور، در سال ۱۳۴۴ به تصویب رسید. یکی از اهداف دوره سه ساله راهنمایی در این طرح، «تشخیص استعدادها و رغبت‌های فردی دانش‌آموزان در رشته‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و راهنمایی آنان در مراحل بعدی تحصیل به رشته‌های مختلف بر حسب استعداد و احتیاجات کشور» عنوان شده است. این طرح، هدف کلی از طراحی ماده درسی جدید اشباح حرفه و فن را، «شناخت استعداد و رغبت‌های دانش‌آموزان در اشتغال به کارهای مختلف و آشنایی با زندگی واقعی» عنوان کرده است (برنامه تفصیلی دوره سه ساله راهنمایی، ۱۳۴۶، ص ۵۸).

تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد، دبیران حرفه و فن به طور معناداری بیش از سایر عوامل نظام آموزش و پرورش کشور، صلاحیت راهنمایی تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی را دارند و بر گرایش‌های تحصیلی و شغلی آن‌ها تأثیر می‌گذارند. این تأثیر نه دوره متوسطه نیز تداوم می‌یابد. به طوری که فقط «مشاوران مدارس» به طور معناداری بیش از دبیران حرفه و فن بر گرایش‌های تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان دوره متوسطه اثر داشته‌اند (یزدانی جواد، ۱۳۷۸، ص ۷۴-۶۹).

در دستورالعملی که تحت عنوان راهنمایی تدریس و اجرایی برنامه‌های عملی درس شناخت حرفه و فن در مدارس راهنمایی،

آموزش حرفه و فن دوره راهنمایی و چشم اندازی به آینده تربیت شهروندی کارآمد و توانا در حل مسائل فردی و جمعی، از اهداف برنامه ریزی درسی «آموزش حرفه و فن» است. این برنامه، ضمن تأکید بر رفع نیازهای کنونی دانش‌آموزان، چشم به افق‌های دور دارد. حاصل اجرای این برنامه، نه تنها در زمان حال، بلکه طی سال‌های آینده که دانش‌آموزان وارد بازار کار و فعالیت می‌شوند، نمود و تجلی می‌یابد.

برنامه درسی آموزش حرفه و فن به شکلی طراحی شده است که دانش‌آموزان پس از پایان دوره بتوانند:

۱. پیش‌فناورانه کسب کنند.
  ۲. فنون و مهارت‌های اولیه لازم را برای رفع نیازهای زندگی روزمره و احتیاجات فردی و جمعی، به دست آورند.
  ۳. با اصول اولیه طراحی، ساخت و تولید آشنا شوند و از طریق ساخت و تولید بعضی از اشیای ساده، نشان دهند که مهارت‌های لازم را کسب کرده‌اند.
  ۴. با رشته‌های تحصیلی و شغلی به نحوی آشنا شوند که بتوانند رشته تحصیلی و شغلی خود را متناسب با استعداد، رغبت و توانایی‌هایشان برگزینند.
- مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد، اگر نظام آموزش کشور، در اشباح مختلف، اعم از پیشرفته و یا در حال توسعه، آموزش حرفه‌ها، فنون و مشاغل با نام‌های مختلف، در دوره آموزش‌های عمومی مورد تأکید برنامه ریزان آموزشی و برنامه درسی قرار دارد. کشورهای مختلف، به آموزش‌های مقدماتی در ارتباط با فناوری، فنون و مشاغل، به عنوان ابزاری برای خودتکایی و ایجاد زمینه برای ادامه تحصیل در رشته‌های گوناگون و انتخاب شغل آینده نگاه

آموزش حرفه و فن



در سال ۱۳۵۸ توسط وزارت آموزش و پرورش تدوین شده است، اهداف مدارس دوره راهنمایی از تدریس «شناخت حرفه و فن» چنین بیان شده است:

۱. آشنا ساختن دانش آموزان با انواع مشاغل.  
۲. تشخیص میزان رغبت دانش آموزان نسبت به کارهای فنی و حرفه ای.

۳. فراهم آوردن فرصت های آموزشی مناسب به نحوی که دانش آموزان بتوانند، استعداد های خود را در زمینه ها و رشته های مختلف فنی و حرفه ای نشان دهند.

۴. کمک به تشخیص و پرورش ذوق و استعداد دانش آموزان به منظور راهنمایی آن ها جهت انتخاب رشته های مختلف در مراحل بعدی (راهنمای تدریس حرفه و فن، ۱۳۵۸، ص ۱۰).

درس «شناخت حرفه و فن» از سال ۱۳۵۰ رسماً در سه زمینه صنعت، خدمات و کشاورزی در دوره راهنمایی به اجرا درآمد و تا به حال فراز و نشیب های فراوانی را طی کرده است. این درس برای رسیدن به اهداف خود به کارگاه، مواد، تجهیزات و نیروی انسانی کارآموده برای به کارگیری مطلوب این امکانات و تجهیزات و پشتیبانی نیاز دارد. نقش فعالیت های عملی این درس در تربیت شهروندان کارآمد، تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است و در اجرا، عملاً به بخش نظری کتاب درسی محدود شده است. همین امر، برنامه را از اهداف خود دور کرده است.

با توجه به آرمان های ملی در زمینه توسعه و خودکفایی، نتایج مطالعات تطبیقی در زمینه آموزش های فناوری در دوره آموزش های عمومی، و نیاز های جامعه و فرد بر اساس تحولات علمی و صنعتی، برنامه ریزان درسی تصمیم گرفتند، بر اساس آموزش های متناسب با تغییرات علمی و صنعتی تغییراتی اساسی در برنامه درسی شناخت حرفه و فن، ایجاد کنند. به دنبال این تصمیم، دفتر برنامه ریزی و تألیف، از سال ۱۳۶۸ بر آن شد تا به مطالعه ای عمیق و همه جانبه در مورد این درس و تجدیدنظر در برنامه و محتوای آن دست بزنند. محور های اساسی این مطالعه عبارت بودند از:

۱. بررسی وضعیت موجود درس، از نظر امکانات، اجرا و

برنامه درسی و ... در کشور؛

۲. نظرسنجی از دبیران، مدرسان دانشگاه ها و کارشناسان این رشته؛

۳. مطالعه در زمینه آموزش های مشابه این درس در تعدادی از کشورهای جهان؛

۴. نیازسنجی نسبت به محتوای این درس.

به منظور بررسی وضعیت موجود درس «شناخت حرفه و فن» و آشنایی با مشکلات و نیاز های آن در زمینه های مختلف، از سال ۱۳۶۸ سمینارهایی با حضور دبیران حرفه و فن سراسر کشور برپا شد. همچنین، نظرات کارشناسان گروه های آموزشی، کارشناسان رشته های مرتبط، مدرسان مراکز تربیت معلم و دانش آموزان جمع آوری شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. جمع بندی مطالعات انجام گرفته نشان داد، تغییرات اساسی در برنامه ریزی، تدوین و اجرای درس «شناخت حرفه و فن» ضرورتی اجتناب ناپذیر است (راهنمای درسی آموزش حرفه و فن، ۱۳۷۷، ص ۳).

### دلایل تغییر برنامه، محتوا و نام درس شناخت حرفه و فن

۱. کلمه «شناخت» ابتدای نام درس فعالیت های عملی و کارگاهی برنامه را تحت پوشش قرار نمی دهد. همچنین، «شناخت» به تنهایی نمی تواند مهارت های لازم را در دانش آموزان برای رفع نیاز های فردی و اجتماعی ایجاد کند.



۲. اهداف فعلی برنامه، همراه با تغییرات دوره متوسطه تغییر پیدا نکرده است، و ارتباط طولی خود را با دوره متوسطه از دست داده است.

۳. برنامه موجود انعطاف و کارایی لازم را نسبت به شرایط متفاوت منطقه ای و اقلیمی ندارد. در نتیجه، امکان اجرای آن در بعضی مناطق به حداقل ممکن کاهش می یابد و موجب اتلاف فرصت های آموزشی می شود.

۴. محتوای فعلی برنامه، با تحولات آموزش فناوری در جهان



آموزش منطبق بخت و نیازهای حال و آینده دانش آموزان را بر آورده نمی سازد.

۵. محتوای فعلی برنامه، تفاوت های فردی دانش آموزان را نادیده می گیرد و انعطاف پذیری لازم را برای پاسخ به توانایی های فردی دانش آموزان ندارد.

۶. محتوای فعلی برنامه، بویژه در بخش فعالیت های کارگاهی، بر علائق و ویژگی های رشدی دانش آموزان دوره راهنمایی منطبق نیست و از انعطاف لازم جهت انطباق با نیازها و علائق آن ها ناتوان است.

۷. برنامه فعلی، «دانش آموز محور» و «فعالیت محور» است و بر محفوظات تکیه دارد. تدریس آن به روش سخنرانی بیش از سایر روش ها به کار گرفته می شود؛ به طوری که فعالیت های کارگاهی و عملی آن به حداقل کاهش یافته و یا تعطیل شده است.

۸. تازمندی در شیوه ارزشیابی آن موجب شده است که فعالیت های عملی فراموش شود و ارزشیابی فقط بر اساس نتیجه فعالیت متعبر گردد. به عبارت دیگر، در این شیوه ارزشیابی، شیوه فعالیت بدون توجه به فرایند آن متعبر می شود.

۹. محتوای برنامه در طی دوره سه ساله راهنمایی، دارای توانی و تداوم نیست، به طوری که پس از پایان هر سال تحصیلی، محتوای برنامه بدون هیچ گونه پیوندی با محتوای قبلی آغاز، و بدون هیچ گونه پیوند با محتوای سال بعد، پایان می یابد.

۱۰. تخصصی شدن بعضی از مباحث به طوری که با توانایی و نیازهای دانش آموزان منطبق ندارد و تأمین وسایل کارگاهی آن صرف هزینه های زیاد و غیر ضروری را ایجاب می کند.

مجموعه عوامل فوق و دیگر عوامل پندار و پنداری که از مطالعات دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی استخراج گردید، موجب شد راهنمای برنامه درسی کتاب آموزش حرفه و فن تدوین شود و مقدمات تألیف آن فراهم آید.

اولین گام در اصلاح برنامه درسی، انتخاب نامی مناسب برای درس بود. با توجه به رویکردهای اصلی این درس و نظراتی که از آن می رود، انتخاب نام مناسب می تواند، بخشی از مشکلات این درس را مرتفع سازد. استفاده از عنوان «شناخت حرفه و فن» این درس را به سمت بحث های نظری سوق می دهد، به نحوی که دبیران این درس ترجیح می دهند، محتوای آموزشی را به صورت پرسش گزینی و با تأکید بر سوالات متن درس و تکیه بر محفوظات، ارزشیابی کنند. از سوی دیگر، سؤال و لای اجرای، با تأکید بر کلمه «شناخت» بیازی به تأمین وسایل لازم برای فعالیت های کارگاهی و تأمین فضای کارگاهی نمی بیند و تلاش چندانی برای کارگاهی برگزار کردن

این درس از خود نشان نمی دهند.

با توجه به نحو لایحه دبای امروز و دستوردهی فناوری، جایگاه

این درس در برنامه های درسی دوره راهنمایی، نیاز دانش آموزان برای کسب مهارت های مقدماتی و اساسی در رفع نیازهای روزمره زندگی، و نیز، ضرورت ایجاد زیرساختی برای کسب مهارت های بعدی، رشد مهارت های حسی حرکتی دانش آموزان و شکوفایی استعداد های آن ها در حلاقی و فناوری، کلمه «آموزش» جایگزین کلمه «شناخت» شد و برنامه جدید بر اساس این دیدگاه طراحی گردید.

در گزینش و سازماندهی محتوای کتاب جدید آموزش حرفه و فن تلاش گردیده است، موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱. محتوای آموزشی انعطاف باشد، به طوری که با علائق متنوع دانش آموزان، شرایط جمع آوری و منطقه ای و تفاوت های فردی دانش آموزان سازگار باشد.

۲. طراحی فعالیت های عملی، متناسب با امکانات محلی، شرایط جمع آوری و استعداد و توانایی های دانش آموزان انجام پذیرد.

۳. پاسخ به علاقه و نیاز دانش آموزان به فعالیت های عملی، با توجه به تفاوت های فردی صورت گیرد.

۴. طراحی فعالیت های کارگاهی، با استفاده از حداقل امکانات و تجهیزات کارگاهی انجام گیرد.

۵. بر فعالیت های گروهی تأکید شود، به طوری که دانش آموزان برای یادگیری جمعی آماده شوند.

۶. اشکالی بارشده های مختلف تحصیلی نه گمراهی باشند که دانش آموزان نتوانند مسیر آینده تحصیلی و شغلی خود را ترسیم نمایند.

۷. «دانش آموز محور» باشد و توانایی های دانش آموزان را در حلاقی و فناوری شکوفه سازد.

۸. موجب رشد مهارت های حسی و حرکتی دانش آموزان شود.





## ویژگی های کتاب جدید آموزش حرفه و فن

۱. فعالیت محور است و بیش تر فعالیت های آن جنبه کارگاهی دارد.
۲. موجب پرورش مهارت های حسی - حرکتی دانش آموزان می شود.
۳. زمینه های خلاقیت و فناوری را در دانش آموزان فراهم می سازد.
۴. مهارت های اولیه را، جهت رفع نیازهای مختلف فردی و اجتماعی دانش آموزان، در آن ها به وجود می آورد.
۵. دانش آموزان را با رشته های مختلف تحصیلی و شغلی آشنا می سازد؛ به طوری که بتوانند، رشته مورد علاقه خود را انتخاب کنند و آینده شغلی خود را ترسیم نمایند.
۶. موجبات نگرش مثبت را در دانش آموزان، نسبت به کار و تلاش، فراهم می سازد.
۷. بر اساس روش های نوین آموزشی، طراحی و تدوین شده است.
۸. همگام با علوم و فنون جدید است.
۹. «دانش آموز محور» است و از روش های جدید تدریس پیروی می کند.

امید می رود، کتاب جدید «آموزش حرفه و فن»، با ویژگی های فوق و دیگر نقاط قوت پیدا و پنهان آن، بتواند اهداف تعیین شده این درس را محقق سازد و موجبات تربیت شهروندانی کارآمد را فراهم آورد.

### منابع:

۱. آموزش و پرورش. برنامه تفصیلی دوره سه ساله راهنمایی. اداره کل مطالعات و برنامه ها. (تهران، تیرماه ۱۳۴۶).
  ۲. آموزش و پرورش. راهنمای تدریس و اجرای برنامه های عملی درس شناخت حرفه و فن در مدارس راهنمایی. (تهران، شهریور ۱۳۵۸).
  ۳. آموزش و پرورش. راهنمای برنامه درسی طرح جدید برنامه درسی «آموزش حرفه و فن». دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی. (تهران، بهار ۱۳۷۷).
  ۴. محمود معافی. مقایسه تطبیقی برنامه درسی شناخت حرفه و فن در دوره راهنمایی تحصیلی کشور ایران با دروس مشابه در نظام آموزش عمومی چند کشور جهان. دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی. (تهران، ۱۳۷۷).
  ۵. جواد یزدانی (۱۳۷۸) میزان نقش عوامل مختلف (با تأکید بر نقش دبیران حرفه و فن) در گرایش های تحصیلی و شغلی دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر تهران. (پایان نامه کارشناسی ارشد). (تهران، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۸).
- \* کارشناس حرفه و فن



۹. در دانش آموزان روحیه کار و تلاش ایجاد کند، به طوری که کار و فعالیت را موجب دوام و توسعه جوامع بشری بدانند.
۱۰. حس مسئولیت پذیری، نظم، دقت، نظافت و رعایت مسائل ایمنی را، در طول فعالیت های کارگاهی، به دانش آموزان بیاموزد.
۱۱. دانش آموزان را با بعضی از مهارت های زندگی آشنا سازد، به طوری که بتوانند بعضی از مشکلات فردی و اجتماعی خود را حل کنند.

هر برنامه درسی با اجرای عملی در یک کلاس درس حقیقی محک می خورد، صیقل می یابد و نقاط قوت و ضعف آن معلوم می شود. به منظور ارزشیابی برنامه و کتاب جدید «آموزش حرفه و فن»، طرح اجرای آزمایشی این درس، در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ در پنج استان اصفهان، سیستان و بلوچستان، همدان، آذربایجان شرقی، کرمان و مناطق ۵ و ۱۹ شهر تهران، در مجموع در ۴۶ کلاس دخترانه و پسرانه اول راهنمایی، به نسبت مساوی به اجرا درآمد.

از دبیران مجری طرح آزمایشی درخواست شد، پس از پایان تدریس و اجرای هر واحد درسی کتاب جدید «آموزش حرفه و فن»، پرسشنامه نظرسنجی مربوطه را تکمیل و به دفتر برنامه ریزی و تألیف ارسال نمایند.

برای آگاهی از دیدگاه های سایر صاحب نظران، کتاب جدید «آموزش حرفه و فن» برای گروه های آموزشی سراسر کشور، مراکز تربیت معلم و کارشناسان درس های مرتبط ارسال گردید، و گردهمایی هایی با حضور دبیران مجری کتاب های قدیمی حرفه و فن برگزار شد. نتایج کلیه نظرسنجی ها و اظهار نظرها استخراج شد و بر اساس جمع بندی نتایج به دست آمده، کتاب آزمایشی آموزش حرفه و فن مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گرفت.



# دستگاه‌های عدد نویسی

عبدالحسین مصحفی

## کسرهای متعارفی

هر گاه عددی حقیقی در یک دستگاه عددنویسی در پایه B به صورت کسر متعارفی نوشته شده باشد، ارزش آن در دستگاه دهمی برابر است با نسبت حاصل بسط صورت بر حاصل بسط مخرج آن. برای نمونه:

$$\frac{121}{313} = \frac{1 \times 16 + 1 \times 4 + 1}{3 \times 16 + 1 \times 4 + 3} = \frac{21}{55}$$

کسرهایی را هم که با عددنویسی مکانی و پایه کار کردن میسر نوشته شده باشند، می‌توان به صورت کسر متعارفی نوشت و سپس از راه بسط صورت و مخرج، ارزش دهمی آن‌ها را به دست آورد. این روش، بویژه در مورد کسرهای دوره‌ای به کار می‌رود. در دستگاه عددنویسی در پایه ۱۰، هر کسر اعشاری دوره‌ای (ساده) برابر است با کسری متعارفی که صورت آن یک دوره گردش و مخرج آن عددی باشد که همه رقم‌هایش ۹ و تعداد این رقم‌های ۹، برابر با تعداد رقم‌های دوره گردش باشد. در کسر دوره‌ای  $0.\overline{515151}$  دوره گردش ۵۱ و دور رقمی است. پس:

$$0.\overline{515151} = \frac{51}{99} = \frac{17}{33}$$

این قاعده عمل برای دستگاه عددنویسی در هر پایه B صادق است، با این تفاوت که در مخرج کسر به جای هر ۹، بزرگ‌ترین رقم آن دستگاه به کار می‌رود. در دستگاه در پایه  $B=7$ ، بزرگ‌ترین رقم ۶ است، از این رو:

$$0.\overline{2305430543} = \left( \frac{2305}{6666} \right)$$

در دستگاه در پایه ۱۰:

$$\begin{aligned} 17112165165165 \dots &= 17 + \frac{1}{10} + \frac{1}{100} + \frac{1}{1000} + \dots \\ &= 17 + \frac{1}{1000} + \frac{1}{1000} \times \frac{165}{999} = \frac{2163}{999} \end{aligned}$$

## در دستگاه در پایه ۴:

$$\begin{aligned} (11)_{(4)} &= (11)_{(4)} + (1)_{(4)} \times \frac{1}{4} \\ &= 4 + 4 + \frac{1}{4} + \frac{1}{4} \times \frac{2}{4} = 6\frac{2}{4} \end{aligned}$$

## تبدیل پایه

دو دستگاه عددنویسی در پایه‌های ۲ و ۱۶، کسر دهمی کسر ده‌ای در پایه دارند و تبدیل آن‌ها به یک دیگر و در پایه ۱۰ زیاد پیش می‌آید. در این جا، مسأله تبدیل پایه را در حالت کلی بررسی می‌کنیم. در دستگاه عددنویسی مکانی، عددی که در پایه B نوشته شده باشد، در پایه دیگر P چگونه نوشته می‌شود؟ لازم و کافی است که معلوم باشد، رقم‌های دستگاه در پایه P با چه نمادهایی نشان داده می‌شوند و معلوم شود، رقم‌های نشان چند عدد، چگونه به دست می‌آیند. بنابراین که پایه‌ها B و P و همچنین بسط در هر پایه یک عدد، در پایه ۱۰ نمایش داده می‌شوند، کافی است که از برابری بسط‌های دو عدد بهره بگیریم و رقم‌های مجهول را به دست آوریم. برای این کار، صرف نظر از نشانه منفی احتمالی عدد، حالت‌هایی به شرح زیر خواهیم داشت:

حالت یکم: اگر  $B=10$ ، کافی است بسط عدد در پایه B را حاصل آن را به دست آورد. برای نمونه:

$$\begin{aligned} (11)_{(4)} &= \frac{1}{16} + \frac{1}{16} + \frac{1}{16} \times \frac{2}{4} \\ &= \frac{5}{16} \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} (13)_{(4)} &= \frac{13}{4} = 3 + \frac{1}{4} \\ &= 3 + \frac{25}{100} + \frac{1}{100} = \frac{301}{100} \end{aligned}$$

حالت دوم: اگر  $B=10$ ، در حالت کلی فرض می‌کنیم عدد داده







هر یک از رقم های آن به تنهایی به پایه ۲ تبدیل و با چهار رقم نوشته شود. برای مثال، در تبدیل عدد  $N = (C73)$  به پایه ۲ داریم:

$$C = (1-11), \quad 7 = (1-111), \quad 3 = (1-11)$$

$$N = (1-11-111-1-11)$$

۲. برای تبدیل عددی دو گانی به عددی شانزده گانی، کافی است رقم های آن را از سمت راست چهار تا چهار تا جدا کرد و هر دسته چهار تایی را در پایه ۱۶ نوشت. برای مثال:

$$(1-11-1-1-1-11-1-1) = (1-1-1-1-1-1-1-1) = (1597E)_x$$

روش بالا برای تبدیل عددهای در پایه ۲ و عددهای در پایه ۳ به یک دیگر، تعمیم می یابد:

$$(11-111-1) = (1-1-1-1-1-1-1) = (1232)_x$$

$$(1-0-5(27)) = (1-1-1-1-1-1-1-1-1-1-1) = (1232)_x$$

$$(16/5)_x = (1-1-1-1-1-1-1-1) = (1000,1110/1-1-1) = (E/A)_x$$

### چهار عمل اصلی عددهای در پایه B

#### جمع

در هر دستگاه عددنویسی در پایه B، عمل جمع عددهای پایه جدول جمع آن دستگاه و به همان روش عمل جمع عددهای دهگانی انجام می گیرد. جدول جمع هر دستگاه عددنویسی، حاصل جمع هر دو رقم از آن دستگاه را به دست می دهد. برای نمونه، جدول جمع عددهای در پایه ۲ و در پایه ۵، به ترتیب به شکل زیر است:

+	۰	۱	
۰	۰	۱	۰+۰=۰
۱	۱	۱	۰+۱=۱
	۱	۱	۱+۰=۱
			۱+۱=۱۰

+	۰	۱	۲	۳	۴	
۰	۰	۱	۲	۳	۴	۰+۰=۰
۱	۱	۲	۳	۴	۱۰	۰+۱=۱
۲	۲	۳	۴	۱۰	۱۱	۱+۰=۱
۳	۳	۴	۱۰	۱۱	۱۲	۱+۱=۱۰
۴	۴	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱+۲=۱۱

برای جمع دو عدد در دستگاه عددنویسی در پایه B، آن ها را زیر هم چنان می نویسیم که رقم های هم مرتبه زیر هم قرار بگیرند. آن گاه، با آغاز از سمت راست، حاصل جمع هر دو رقم زیر هم را از جدول جمع به دست می آوریم و اگر یک رقمی باشد، به همان صورت و اگر دو رقمی باشد، رقم سمت راست آن را زیر آن عددها می نویسیم و رقم دیگر آن را با رقم های مرتبه بعد جمع می کنیم. به حاشیای بهره گیری از جدول جمع، می توانیم حاصل جمع هر دو رقم را در پایه ده حساب و به پایه B تبدیل کنیم. برای نمونه، جمع دو عدد در

$$0/8666... \times 2 = 1/7333... \dots$$

$$0/7333... \times 2 = 1/4666... \dots$$

$$0/4666... \times 2 = 0/9333... \dots$$

$$0/9333... \times 2 = 1/8666... \dots$$

$$F = (0/11-111-111-1-1-1)$$

$$R = 1 + F = (1-1-1-11/11-111-1-1-1)$$

برای تبدیل F می توانیم آن را به صورت کسر مشعاری در آوریم:

$$F = \frac{8}{10} + \frac{1}{10} \times \frac{6}{9} = \frac{13}{15} = \left( \frac{11-1}{1111} \right)_x$$

$$R = (1-1-1-1) \left( \frac{11-1}{1111} \right)_x$$

۶. تبدیل  $R = 717$ ، به پایه ۱۶، با پذیرفتن این که رقم های دارای ارزش های  $10, 11, 12, 13, 14, 15$  به ترتیب با A, B, C, D, E و F نشان داده می شوند:

$$T = 2/1231-56$$

$$2 = (14)_x$$

$$0/1231-56 \times 16 = 1/9996896$$

$$0/9996896 \times 16 = 15/515-33$$

$$0/515-33 \times 16 = 8/24-528$$

$$0/24-528 \times 16 = 3/84848$$

$$0/84848 \times 16 = 13/575168$$

⋮

$$F = (0/1E83D...)_x \rightarrow R = (4/1E83D...)_x$$

۷. تبدیل  $R = (B1/A2)_x$ ، به پایه ۲:

$$R = 11 \times 16 + 1 + 10 \times 16^{-1} + 2 \times 16^{-2} = 177/16328125$$

جزء صحیح این عدد را با روش تقسیم های بر ۲ و جزء کسری آن را با روش ضرب های در ۲، به پایه ۲ تبدیل می کنیم و خواهیم داشت:

$$R = (1-11-1-1-1-1-1-1)$$

یادداشت. هر یک از رقم های شانزده گانه دستگاه عددنویسی در پایه ۱۶، با مجموع عددهایی از مجموعه  $\{1, 2, 4, 8\}$  برابر است. از سوی دیگر، هر یک از عددهای این مجموعه برابر است با ارزش یکی از مرتبه های یکم تا چهارم عددنویسی در پایه ۲. از این رو، هر یک از رقم های دستگاه شانزده گانی را می توان با عددی چهار رقمی در پایه ۲ نشان داد؛ مثلاً: ۱ را با ۱۰۰۰۱ و ۹ را با ۱۰۰۰۱۰۰۰۱. این ویژگی کار تبدیل عددهای دو گانی و شانزده گانی را به یک دیگر ساده می کند:

۱. برای تبدیل عددی شانزده گانی به عددی دو گانی کافی است





پایه ۱۲ چنین می شود:

$$\begin{array}{r} 9A/8 \\ + B9/6 \\ \hline A9A/2 \end{array}$$

در دستگاه در پایه ۲:

$$\begin{aligned} 1110/011 - 101/01 &= 1110/011 - 010/010 \\ &= 1110/011 + 1010/101 + 0/001 = \boxed{1}1001/001 \end{aligned}$$

### ضرب و تقسیم

این دو عمل هم در هر دستگاه عددنویسی در پایه B، بر پایه جدول ضرب آن دستگاه و به همان روشی انجام می گیرد که برای عددهای دهگانی به کار می رود. برای نمونه، در دستگاه عددنویسی در پایه ۲، بنابر جدول ضرب آن، حاصل ضرب دو رقم اگر هر دو یک باشند، برابر با یک، وگرنه برابر با صفر است. از این رو، عمل های ضرب و تقسیم عددهای دودویی بسیار ساده انجام می گیرند.

$$\begin{array}{r} 1011101 \\ \times 1011 \\ \hline 1011101 \\ 1011101 \\ 1011101 \\ \hline 111111111 \end{array}$$

×	۰	۱
۰	۰	۰
۱	۰	۱

در دستگاه عددنویسی در پایه ۴، جدول ضرب به گونه زیر است:

×	۰	۱	۲	۳
۰	۰	۰	۰	۰
۱	۰	۱	۲	۳
۲	۰	۲	۱۰	۱۲
۳	۰	۳	۱۲	۲۱

$$\begin{array}{r} 3012 \\ \times 233 \\ \hline 21102 \\ 21102 \\ \hline 12030 \\ 2101122 \end{array}$$

برای نمونه:

$$\begin{array}{r} 323 \\ \times 2/12 \\ \hline 30 \\ 13 \\ \hline 32 \\ 0/12 \end{array}$$

### یادداشت

برای انجام هر محاسبه ای روی عددهای یک دستگاه در پایه غیر از ۱۰، می توان عددها را به پایه ۱۰ برگرداند، عمل ها را روی آن ها انجام داد و حاصل هر عمل را به پایه قبلی تبدیل کرد. برای نمونه، اگر بنا باشد دو عدد شانزده گانه DEVI و 5AF در یک دیگر ضرب شوند، به جای تشکیل جدول ضرب شانزده گانه و انجام عمل ضرب در دستگاه در پایه ۱۶، می توانیم به گونه زیر عمل کنیم:

$$\begin{aligned} (DEVI)_{16} &= 56945, (5AF)_{16} = 1455 \\ 56945 \times 1455 &= 82854975 = (2F0443F)_{16} \end{aligned}$$

همچنین، می توانیم عددهای بالا را به پایه ۲ تبدیل کنیم؛ یعنی عمل ضرب را در پایه ۲ انجام دهیم و حاصل ضرب را از پایه ۲ به پایه ۱۶ برگردانیم که این هر سه عمل بسادگی انجام می گیرند.

مجموع ۸ و ۶ در پایه ۱۰، می شود ۱۴ و این عدد در پایه ۱۲ می شود ۱۲. رقم ۲ از آن را می نویسیم و رقم یک را با ۰ و با ۹ جمع می کنیم که در پایه ۱۰ برابر با ۱۰ و در پایه ۱۲ با A نشان داده می شود و آن را زیر ستون دوم می نویسیم. در ستون بعد، مجموع A و B (یعنی ۱۰ و ۱۱) در پایه ۱۰، می شود ۲۱ و در پایه ۱۲ می شود ۱۹. رقم ۹ را زیر ستون می نویسیم و رقم یک را در ستون بعد با ۹ جمع می کنیم که در پایه ۱۰ برابر با ۱۰ است و در پایه ۱۲ می شود A و آن را زیر ستون می نویسیم.

### تفریق

می توان جدول تفریق دستگاه را تشکیل داد و روش تفریق عددهای دهگانی را به کار برد. با می توان از روش متمم گیری استفاده کرد. این روش در رایانه ها به کار می رود و عمل تفریق را به عمل جمع تبدیل می کند.

اگر هر یک از رقم های یک عدد را از بزرگ ترین رقم دستگاه، یعنی از ۱-B، کم کنیم عدد به دست آمده را متمم رقمی آن عدد در آن دستگاه می گویند و اگر عدد را از ارزش کوچک ترین مرتبه بزرگ تر از آن کم کنیم، عدد به دست آمده را متمم حسابی آن عدد می نامند. برای به دست آوردن متمم حسابی یک عدد کافی است، متمم رقمی آن را در نخستین رقم (صحیح یا کسری) سمت راست آن با یک جمع کرد.

در دستگاه دهگانی، متمم رقمی هر عدد به این ترتیب به دست می آید که هر رقم آن از ۹ کم شود. از این رو، متمم رقمی عدد ۱۰۷/۲۴ و ۲۴ و متمم حسابی آن ۸۹۲/۷۵ می شود:

$$892/75 + 0/01 = 892/76 (= 1000 - 107/24)$$

در دستگاه دودویی، بزرگ ترین رقم یک است و متمم رقمی به این گونه به دست می آید که هر رقم ۱ از عدد، به ۰ و هر رقم ۰ از عدد، به ۱ تبدیل شود. متمم رقمی آنی ۱۰۱۱۱۰۱۰ و متمم حسابی آن ۰۱۰۰۰۱۰۱ می شود:

$$-1000101 + 1 = 1000110$$

بسادگی ثابت می شود که در هر دستگاه عددنویسی در پایه B، برای کم کردن عدد a از عدد b کافی است متمم حسابی a را با b جمع و رقم ۱ واقع در سمت چپ را حذف کرد. به عبارت دیگر، باید متمم رقمی a را با b و در رقم سمت راست با یک جمع، و رقم یک واقع در سمت چپ حاصل را حذف کرد. برای نمونه، در دستگاه در پایه ۱۰:

$$\begin{aligned} 89035 - 6283 &= 89035 - 06283 \\ &= 89035 + 93716 + 1 = \boxed{1}82752 \end{aligned}$$





# هدف نوین

# آموزش علوم

سید نورالدین مدرس\*

بنابراین، مهم‌تر از انتقال مواد خام، انتقال روش است و این که شخص خلاق باشد؛ چون مهم‌ترین عامل پیشرفت هر کشور، در نهایت به نوع انسان هایش بستگی دارد.

متأسفانه، نظام آموزشی ما مواد خام قابل توجهی را به دانش‌آموز منتقل می‌کند، بدون این که از او تفکر و تجربه و تحلیل این مواد را بخواهد. نظام آموزشی ما در نوع نگاه به فراگیر مشکل دارد و فکر می‌کند باید قالبی بسازد و همه را در آن قالب قرار دهد؛ حال آن که انسان‌ها متفاوتند. برایش قابل قبول نیست که در یک کلاس ۳۵ نفری، ۳۵ فکر متفاوت بروز کند و دانش‌آموزان در کلاس درس، تعامل با یک دیگر را بیاموزند. فراگیر باید بیاموزد که ضمن ابراز عقیده خود، به نظرات دیگران هم گوش دهد و صرفاً بر درستی نظر خود اصرار نداشته باشد. او باید یاد بگیرد که وقتی وارد جامعه شد، بتواند با دیگران رابطه برقرار کند. این آموزش‌ها در سین پایین است که اثر می‌گذارد، نه زمانی که دیگر شخصیت‌ها شکل گرفته‌اند.

بزرگ‌ترین خطر آموزش بسیار رسمی (سستی) این است که معلم را محور فعالیت‌های کلاس می‌داند و در اغلب اوقات، به فراگیر فرصت نمی‌دهد، تا خود را ایجاد نماید. در حالی که هدف از آموزش علم آن است که به دانش‌آموزان اجازه ابراز عقیده داده شود

تحولات دنیای امروز به قدری شتابان و پرسرعت است که نظام‌های آموزشی، قبل از این که تکران انتقال مواد خام به دانش‌آموزان باشد، به دنبال آماده کردن آن‌ها برای مواجهه با این تغییرات پرشتاب هستند. به همین دلیل، در آموزش و پرورش کشورهای توسعه یافته توجه به پرورش، بیش‌تر از آموزش است و دغدغه اصلی آن‌ها، چگونگی کارآمد کردن نظام آموزشی در رابطه با ایجاد توانایی‌های زیاده‌روی با تنش هاست. به عبارت دیگر، پرورش شخصیت انسانی و ایجاد ویژگی‌های مثبت فردی، مهم‌تر از مواد خامی است که به دانش‌آموز انتقال می‌یابد. یعنی، دانش‌آموز باید بیاموزد که چگونه درباره پدیده‌ها فکر کند و آن‌ها را ارزیابی کند.

در بعد پرورش، تکیه اصلی بر تربیت یک شخصیت مستقل است. روش‌هایی که طی آن به دانش‌آموز آموزش داده می‌شود که چگونه با آزمایش، استدلال، دقت و دوراندیشی پدیده‌ها را درک، جریان‌های پیرامونش را ارزیابی و ارتباطش را با دیگران تنظیم کند تا بتواند، بیش‌ترین استفاده را از واقعیات ببرد. بنابراین، پرورش بر تربیت انسان تکیه دارد؛ انسانی که نه تنها قادر است اولویت‌های زندگی خود را تشخیص دهد، بلکه می‌تواند از مشورت دیگران هم استفاده کند.

در بعد آموزشی نیز، گرچه بخشی از توان آموزشی صرف انتقال متون علمی می‌شود، اما بیش‌ترین تأکید بر آموزش «فکر کردن» است. هنگامی که شخص فارغ‌التحصیل شد، کماکان می‌تواند، با مراجعه به کتاب‌های علمی و دیگر ابزار موجود، مواد خام مورد نیازش را فراهم کند. آنچه اهمیت دارد این است که فراگیر، روش فکر کردن، روش استفاده از متون، و روش تجزیه و تحلیل را آموخته است.

آموزش‌های نوین



تا ایده های آنان به صورت مفاهیمی مفید در آیند.

از این دیدگاه، جدی گرفتن ایده های اولیه دانش آموزان مهم است؛ زیرا تنها از این راه می توان اطمینان حاصل کرد که هر تعبیر و گسترشی در آن ها باعث می شود که این ایده های جدید، از آن خود دانش آموز باشند.

در سیستم کنونی آموزش علوم در مدارس، معلم تنها عضو فعال کلاس، عامل اصلی یادگیری و منبع اصلی اطلاعات است. تکلیف بر یادگیری انفعالی است، زیرا دانش از مهارت و نگرش مهم تر شمرده می شود. دانش آموز، به عنوان فراگیر، دارای اطلاعات علمی فراوان است و به کتابخانه ای متحرک می ماند، اما تولیدکننده نیست. حتی در آزمایشگاه ها البته اگر مورد استفاده قرار گیرند- باز هم معلم محور است و فراگیر تماشاچی صرف. چرا؟ چون تعداد وسایل مورد نیاز به اندازه کافی نیست و هراس معلم و دانش آموز از خراب شدن یا شکستن وسایل و احتمالاً پرداخت غرامت، وجود وسایل آزمایشگاهی لوکس و گران قیمت، عدم توجه به تقویت مهارت در فراگیر و بی توجهی نظام آموزشی به پرورش نگرش ها (و حتی به نحوه گزینش دانشجو در دانشگاه، گزینش مستخدمان دولت، و نیز گزینش کارکنان مراکز صنعتی و کارخانه ها و آزمون های ورودی آن ها) مانع از فعال شدن یادگیری می شود. چرا که ما هرگز نخواسته ایم تولید کنیم. فرهنگ مصرف تبعات خاص خویش را به دنبال دارد: مبتکر نمی پرورد، به مخترع نیاز ندارد، محقق و دانشمند نمی خواهد و ...

برای اثبات کارآمد نبودن سیستم آموزشی کنونی (غیرفعال بودن آن)، کفایتی است نگاهی به آمار فراگیران موجود در آموزش و پرورش (در حدود ۱۸ میلیون) و نتایج و دستاوردهای آن بیندازیم. در این زمینه، بررسی وضعیت نامطلوب دانش آموزان

ایرانی شرکت کننده در طرح بین المللی «ارزشیابی علوم و ریاضیات» می تواند آموزنده باشد.

«انجمن بین المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی» کار خود را از سال ۱۹۵۹ میلادی آغاز کرد و از آن زمان تاکنون، بیش از پانزده مطالعه تطبیقی در رشته های گوناگون مانند: زبان دوم، علوم، ریاضی، علوم اجتماعی، رایانه و آموزش، توسط این انجمن اجرا شده است. اولین مطالعه بین المللی علوم، در سال ۸۴-۱۹۸۳ اجرا شد. اما سومین مطالعه بین المللی ریاضی و علوم (TIMSS)، مهم ترین و بزرگ ترین مطالعه این انجمن است. هدف این مطالعه، اندازه گیری پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شرکت کننده در دو درس ریاضی و علوم و همچنین، بررسی تأثیر عوامل مربوط به برنامه و مواد آموزشی، مدرسه و خانواده در یادگیری دانش آموزان، در این دو درس است.

ایران برای اولین بار، در سال ۱۹۹۲، با شرکت در مطالعه بین المللی ریاضی و علوم به عضویت «انجمن بین المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی» درآمد. وضعیت دانش آموزان ایرانی در بین دیگر کشورهای شرکت کننده در این تحقیق بسیار اسف بار بود: در دوره راهنمایی، رتبه ۳۷ در بین ۴۱ کشور و در دوره ابتدایی، رتبه آخر در بین ۲۵ کشور. آنان که با وضعیت فعلی آموزش و پرورش دوره عمومی آشنایی کافی دارند، به خوبی می دانند که این وضعیت نامطلوب، به درس علوم و ریاضیات محدود نیست. در نتیجه، چنانچه تحقیقی در مورد وضعیت آموزش در سایر کشورهای دیگر صورت گیرد قطعاً نتیجه ای بهتر از آنچه ذکر شد، عاید ما نمی شود. این در حالی است که نتایج پژوهش های فراوان و گسترده ای، رابطه مستقیم میان میزان سرمایه گذاری هر کشور در زمینه آموزش عمومی و رشد و توسعه اقتصادی آن را نشان داده است.

یکی از مهم ترین تغییراتی که باید در وضعیت کلی روش آموزشی ما در دوره عمومی صورت گیرد، تغییر روش تدریس و آموزش، از شیوه های سنتی و انفعالی (شیوه رایج سخنرانی و حفظ مطلب)، به شیوه های فعال یاددهی و یادگیری است. امروزه، در تمامی نشست های جهانی تعلیم و تربیت، بر اهمیت به کارگیری روش های فعال یاددهی و یادگیری برای آموزش همه درس ها تأکید می شود.

البته بدیهی است که در عمل نمی توان به طور ناگهانی همه درس ها را متحول ساخت و روش های فعال را جایگزین روش انفعالی و سنتی کرد. بنابراین، مناسب ترین نقطه آغاز کجاست؟



## بدانیم که تغییر و تکامل، راز زندگی است

- تقریباً هر ۵ تا ۷ سال یک بار، اکثر دانش‌ها و فناوری‌های موجود منسوخ می‌شوند.

- میزان دانش علمی که در هنگام مرگ می‌تواند در دسترس ما باشد، بیش از صد برابر آن، در هنگام تولد ماست.

- حدود ۹۵ درصد از دانشمندانی که تاکنون در جهان زندگی کرده‌اند، در عصر حاضر زنده‌اند. این مجموعه عظیم تغییر و تحول، انجام رسالت ما را در حیطه تعلیم و تربیت و دانشی که باید تدریس شود، بسیار دشوار می‌کند. همان‌طور که الوین تافلر اظهار می‌دارد:

«دانشی باید تدریس شود که به آینده مربوط باشد. هیچ چیز نباید بر سنامه درسی وجود داشته باشد، مگر این که بتوان آن را به‌طور حذی در آینده به کار گرفت.»

امروزه علوم در بیش از ۲۵ تا ۳۰ هزار حوزه پژوهشی تبلور یافته است. یافته‌های این حوزه‌ها در بیش از ۷۰ هزار نشریه تخصصی گزارش می‌شود که ۲۹ هزار از این نشریات، تا قبل از سال ۱۹۷۸ وجود نداشتند.

این مختصر بحوسی نشان می‌دهد که اگر «آموزش برای دگرگونی» و «یاد گرفتن راه یادگیری» در برنامه درسی ما وجود نداشته باشند، به سل آینده‌ای که امروز ما مری آن‌ها هستیم، حیاقت کرده‌ایم. ریرا آموزش‌های غیر واقعی در محیط واقعی زندگی سفید واقع نمی‌شوند. نه تنها سر خوردگی و اسردگی می‌آورند، بلکه علم و دانش را مهجور می‌کنند و به امری صوری مبدل می‌شوند.

برنامه آموزش علوم تجربی باید به گونه‌ای باشد که فراگیران را، در مسیر تولید دانش و پرورش قدرت تفکر منطقی، یاری کند. در چنین برنامه‌ای، فراگیران دانش لازم را در جریان شکوفایی استعداد‌های درونی خود و از طریق آموختن راه یادگیری و کسب مهارت‌های ضروری جهت یادگیری مادام‌العمر به دست می‌آورند. به بیان دیگر، مهارت‌های مورد توجه در نظام نوین آموزش علوم، محوری برای تداوم یادگیری در تمام گستره زندگی و یادگیری از تولد تا مرگ به حساب می‌آید. در کنار مهارت‌ها، توجه به نگرش‌ها سبب حفظ، توسعه و گسترش ابعاد انسانی زندگی سالم و مؤثر، همواره با استفاده عاقلانه از محیط زیست، منابع ماده و انرژی، و فناوری می‌شود. آنچه ارزشمند است، دانستنی‌های ضروری پایه و اساسی برای کاربرد مهارت‌ها در فرایند تولید دانش است و همین جریان است که تحول و دگرگونی



تجربیات کشورهایی که سال‌ها پیش از ما در نظام آموزشی خود تحول به وجود آورده‌اند، نشان می‌دهد که بهترین نقطه آغاز برای ایجاد تحول در کیفیت آموزش عمومی هر کشور، متحول کردن درس علوم تجربی است. اما چگونه؟ شیوه متحول کردن درس علوم تجربی چگونه است؟

در سیستم کنونی، آموزش علوم، فراگیران هر روز ۳ تا ۵ واژه جدید که قبلاً هرگز به کار نرفته‌اند، باید بیاموزند. حتی اگر دانش‌آموزان قادر به فراگیری کلیه اطلاعاتی که تاکنون کشف شده نیز باشند، باز هم از جنبه عملی و کاربردی این سواد تلقی خواهند شد.

«سواد علمی» پدیده‌ای بیش از صرف دانستن مجموعه‌ای از حقایق است. تحولات سریع علمی و فناوریانه عصر حاضر، لزوم توجه به شش‌ج‌ت تغییر و تحول و برخورد صحیح با آن را مطرح می‌کند. این امر به صورت مسأله‌ای فراتر از یک رشته علمی است و از نیازی اجتماعی منشأ می‌گیرد که حداقل در سطح عمومی به صورت مشکلی اجتماعی درآمده است و تنها شناخت صحیح و برخورد مناسب با آن می‌تواند، راه نجات باشد.

آموزش‌های  
تخصصی



می آفریند. لذا، آموزش «فرایند محوز» که نگرش‌ها را در محدوده اهداف آموزشی قرار می‌دهد و به خلق ارزش‌های انسانی و تفکر منطقی متجر می‌شود، اهمیت پیدا می‌کند و بدین سان، نگرش‌ها و ارزش‌ها در پدید آمدن دانش، جایگاه ویژه می‌یابند.

بدون شک، رویکرد جدید آموزش علوم موجب افتخار ما می‌شود و با شعور ملی ما که از دیرباز بر ارزش‌های پای فشرده ایم، هرچه بیش‌تر انطباق می‌یابد. با اهداف نوین آموزش علوم می‌توانیم انسان‌هایی را تربیت کنیم که دانش‌ها و مهارت‌های هدفمند داشته باشند؛ فرزندان‌هایی که با شخصیت منطقی در بیکران عظمت هستی، وجود گرانقدر خود را به عنوان تبلور قدرت الهی ارج می‌نهند.

چنانچه اهداف آموزش نوین علوم تجربی در سه بُعد کسب دانستی‌ها، یاقتن مهارت‌ها و دریافت نگرش‌ها که به نحوی در ابعاد مختلف زندگی واقعی کاربرد دارند، بدقت پیگیری شود، دانش‌آموز در تولید دانش سهیم می‌شود و نقش او قراتر از کتابخانه‌ای خواهد بود که مجموعه‌ای از اطلاعات را در خود محفوظ داشته است. در این صورت او به جست‌وجوگر و دانش‌آموزی مادام‌العمر تبدیل می‌شود که بخوبی می‌داند: «دانش یک فرایند است، نه یک محصول».

پرورش «مهارت‌های فرآیندی» در دانش‌آموزان، به منزله آموختن راه‌یادگیری به آنان است. این مهارت‌ها که شامل «مشاهده، اندازه‌گیری، تفسیر یافته‌ها، فرضیه‌سازی، برقراری ارتباط، پیش‌بینی، کاربرد ابزار، طراحی و تحقیق» است، در واقع مهارت‌های علمی یا مهارت‌های یادگیری هستند که باعث افزایش توانایی دانش‌آموز در پیمودن مراحل روش علمی می‌شوند. اکنون که به همت عزیزان فرهیخته در «گروه علوم تجربی» دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش به عنوان طلایه دار، رویکردی علمی با نگرشی نو به انسان، به عنوان فراگیر، آغاز گشته است، جا دارد که با عزم و اراده خویش، این طرح ملی را یاری رسانیم.

زیرنویس:

1. Scientific Literacy.
2. Process base learning.
3. Process skill.

• سرگروه آموزش علوم تجربی استان فارس

كان راعياً يصيح كذباً: الذئب ... الذئب ... الذئب  
و كان الناس يُسرِّعون لنجدة الراعي والغنم؛ ولكن عند  
وصولهم كان الراعي يبدأ بالصَّحْك، وَيَفْهَمُ الناسُ أَنَّهُ قد  
كذَّبَ عليهم. وَمِن الصَّدْفَةِ هاجَمَ ذئبٌ في احد الايام الغنم.  
و صاح الراعي يستجد الناس، ولكن الناس ظنَّوا أن الراعي  
يكذبُ عليهم مرةً أُخرى.

لذلك كلَّمَا صاح الراعي لم يستجيبوا .... فظَلَّ الراعي  
وَحيداً امام الذئب ولذلك تمكن الذئب من افتراس غنمِهِ. و  
هذا جزء الكذاب!

راعی: چوپان	موةٔ آخری: باردیگر
نجله: نجات	الصدفة: تصادفاً
غنم: گوسفندان	هاجم: حمله کرد
يستجد: کمک خواست	



علی چراغی

## الرَّاعِي الكَذَّاب



آموزش علوم تجربی  
شماره ۲۷

نشانی گیرنده: تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۳۳۳۱، تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۶۰۹ داخلی (۴۳۷-امور مشترکین)، (۴۳۷-روابط عمومی)



نشانی فرستنده:

○ مشخصات و نشانی خود را کامل و خوانا بنویسید. هزینه برگشت مجله در صورت کامل نبودن نشانی، به عهده مشترک است.

# امور مشترکین

## شرایط اشتراک:

۱. واریز حداقل مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سرخه حصار، کد در وجه شرکت افست و ارسال اصل رسید بانکی به همراه فرم تکمیل شده اشتراک.
۲. شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست می باشد.

نام و نام خانوادگی: .....  
میزان تحصیلات: .....  
نشانی کامل پستی: استان: .....  
خیابان: ..... کوچه: ..... پلاک: .....  
تاریخ تولد: .....  
تلفن: .....  
شهرستان: .....  
کد پستی: .....  
مبلغ واریز شده: ..... شماره و تاریخ رسید بانکی: .....

امضاء

امور مشترکین





سد جیرفت



پولیدات آهن سرد چشمه



نمایش شهر کرمان  
(بختان موبدی)



کارخانه سیمان



دانشگاه شهید باهنر کرمان



کارگاه گلیم بافی



قلووت کرمان

# ایران شناسی استان کرمان (۲)

عکس‌ها از کتاب: کرمان  
ناشر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان- ۱۳۷۱



